

راهنمای مطالعه کتاب مقدس

سه ماهه سوم سال ۲۰۲۳ ژوئیه | اوت | سپتامبر

افسیان



فهرست مطالب

۱. پولس و افسسیان — ۳ - ۹ تیر ۴
۲. برنامه عظیم «مسیح محور» خدا — ۱۰ - ۱۶ تیر ۱۴
۳. قدرت عیسی متعال — ۱۷ - ۲۳ تیر ۲۴
۴. خدا چگونه ما را نجات می دهد — ۲۴ - ۳۰ تیر ۳۴
۵. فدیۀ همگانی: صلیب و کلیسا — ۳۱ تیر - ۶ مرداد ۴۴
۶. راز انجیل — ۷ - ۱۳ مرداد ۵۴
۷. بدن یکپارچه مسیح — ۱۴ - ۲۰ مرداد ۶۴
۸. زندگی شکل یافته توسط مسیح و گفتار الهام گرفته از روح — ۲۱ - ۲۷ مرداد ۷۴
۹. خردمندانه زیستن — ۲۸ مرداد - ۳ شهریور ۸۴
۱۰. شوهران و همسران: با هم بر صلیب — ۴ - ۱۰ شهریور ۹۴
۱۱. تهرین علو وفاداری نسبت به مسیح — ۱۱ - ۱۷ شهریور ۱۰۴
۱۲. دعوت به ایستادگی — ۱۸ - ۲۴ شهریور ۱۱۴
۱۳. برقراری صلح و آرامش — ۲۵ - ۳۱ شهریور ۱۱۴
۱۴. افسسیان در قلب — ۱ - ۷ مهر ۱۳۴

Editorial Office: 12501 Old Columbia Pike, Silver Spring, MD 20904

Come visit us at our Web site: <http://www.absg.adventist.org>

Principal Contributor

John K. McVay

Editor

Clifford R. Goldstein

Associate Editor

Soraya Homayouni

Publication Manager

Lea Alexander Greve

Editorial Assistant

Sharon Thomas-Crews

Pacific Press® Coordinator

Tricia Wegh

Art Director and Illustrator

Lars Justinen

Design

Justinen Creative Group

Middle East and North Africa Union

Trans Media Managing Director

Jean-Jack Kareh

Publishing Resources Manager

Ashraf Fawzy

Farsi Team

HH & BK

Farsi Layout and Design

Joanna Touma



Sabbath School
Personal Ministries

حق چاپ محفوظ و مخصوص «کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم» میباشد. هیچیک از بخشهای این کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان بدون اجازه قبلی و کتبی از کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم (جزال کنفرانس) قابل ویرایش، تغییر، اصلاح، اقتباس، ترجمه، تکثیر یا انتشار نیست. دفاتر بخشهای تابعه کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم مجاز هستند تا طبق دستورالعمل ویژه ای ترتیبی اتخاذ نمایند تا کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان ترجمه گردد. حق طبع و نشر مطالب ترجمه شده و انتشارات آنان متعلق به کنگره عمومی است. عناوین (ادونتیستهای روز هفتم) و (ادونتیست) و آرم شعله گون جزو اسامی و علامت تجاری ثبت شده متعلق به کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم میباشد و استفاده از آن بدون اجازه قبلی از کنگره عمومی ممنوع است.

افسسیان: چگونه در زمانهای دشوار از عیسی پیروی کنیم



پولس در رساله خود به افسسیان درباره خصوصیات اهالی افسس به ما توضیح می دهد. سالها پس از وقایع مهیج ایام اولیهٔ ماموریت مسیحیان در افسس، افسسیان به خاطر اهمیت ایمان و اعتقادات مسیحی شان به سختی افتاده بودند.

پولس که زمانی مدیریت اقتصاد این چهارمین شهر بزرگ امپراتوری روم را دچار مشکل ساخته بود، حال در حاشیه و در گوشه ای از زندان افتاده است. او با نگرارش از زندان، نگران است که مبدا ایمانداران افسس دلسرد شوند و در پیچیدگی شهرنشینی فرهنگِ کاملاً بت پرست افسس، مفهوم و معنای شاگردی عیسی را از دست بدهند. گرچه مخاطبین او پیش از این مسیحی بودند ولی لحن پولس دال بر جلب نظر افراد دیگر هم بود. او در پی این بود که آنان را دوباره در صف ایمانداران مسیحی قرار دهد تا

آتش تعهد آنان را به مسیح مجدداً شعله ور کند و آنان را برانگیزاند تا در کار بزرگ دنیا یعنی از طریق کلیسا فعال شوند.

بخاطر اینکه ایمان مسیحی کلاً راجع به مسیح است، پولس قدردانی و پرستش مسیح را به منصفه ظهور می رساند. اگر شاگردان مسیحی متزلزل به جایگاه اصلی ایمان خود دوباره بازگشته اند بدین خاطر است که محبت نخستین خود را برای عیسی دوباره بدست آورده اند و اعتماد تازه ای را در فیض و قدرت او ایجاد نموده اند. از این رو پولس اعتلای مسیح را در آسمان برجسته می سازد، فراتر از تمامی قدرتها و بت هایی که بخواهند ایمانداران در افسس را مجذوب خود کنند. عیسی آرمان الهی برای تمامی اعصار است، آرمانی که همچون آن ایمانداران، بعنوان کلیسا، نقش مهمی در برنامه های خدا برای متحد کردن همه چیز در مسیح دارند.

در حینی که پولس در پی جلب نظر ایمانداران افسس در تعهد تازه ای به خداوندشان است، او الزامات شاگردی در مسیح را ناچیز نمی شمارد. او جزئیاتی از رفتار مسیحی و شکل

جامعه ای که باید داشته باشند را بر می شمارد. مسیحیان به عبادت الهام گرفته از روح، احترام به مسیح و عبادت تحت هدایت خدا فراخوانده شده اند، آنگونه که پولس بارها و بارها آن را به تصویر کشیده است. تعهد و سرسپردگی به مسیح بر کردار و گفتار شخص تاثیر می گذارد. دوست داشتن مسیح بدین معنی است که به همه ایمانان ارزش نهیم و آنان را محترم بشماریم. یعنی در برابر الگوهای منحط و پست جنسی که در فرهنگ لجام گسیخته آنان حکمفرماست مقاومت کنیم. به این معنی که در روابط خود با کلیسا و در خانواده، از الگوی از خودگذشتگی مسیح تبعیت کنیم. این عبارات، تداعی کننده مثال های روشنی از الگوی جدید هستی انسان به شهروندان افسس بود.

عمده نامۀ پولس، بخش ابراز شور و اشتیاق او برای این الگوی جدید بود که انسان بودن را از طریق عضویت در کلیسای خدا معنی می بخشد. او بطور خاصی با این اندیشه برانگیخته و قوت یافته بود که خدا بشریت از هم جدا شده، یعنی یهودیان و غیریهودیان را به عنوان یک کلیسا به هم پیوند داده است. با وحدت در زندگی در جایی که عداوت در انتظار است، آنها فرصتی دارند تا خصوصیات جامعۀ جدید خدا و پادشاهی آینده را در معرض نمایش قرار دهند. در پی چنین اهمیتی، پولس بخشی از کلیسای خدا بودن را در چهار استعاره برای کلیسا تعمیم می دهد. ایمانداران بدن مسیح را تشکیل می دهند که حاکی از تعهد آنان به مسیح و متحد بودن با یکدیگر است. آنان معبد زنده ای هستند که از طریق قربانی مسیح بر صلیب جلجتا بنا شده است که در آن خدا عبادت می شود. آنان عروس مسیح هستند که چشم انتظار مراسم ازدواج بزرگ در زمانی می باشند که داماد می آید تا آنان را که متعلق به او می باشند مطالبه کند. در استعاره نهای که بیانگر تلاش های پولس برای جلب مجدد آنها در ایمان مسیحی است، آنان سپاهیان مسیح هستند که صلح و آرامش را به نام او برقرار می کنند و با قدرت و قوت خداوند با قوای تاریکی نبرد می کنند و چشم براه بازگشت مسیح هستند. از اینرو، رساله افسسیان در خصوص ایامی همچون ایام ما سخن می گوید که جذابیت های دنیوی و گذراندن زمان [انتظار]، شاگردی مسیحی را کسل کننده می کند. رساله افسسیان مسیح را اعتلا می بخشد و اهمیت پیروی از او را به عنوان اعضای فعال و کوشا کلیسای او در حالی که امید بازگشت او را زنده می کنیم، برجسته و بر آن تاکید می کند. در این سه ماهه از این امتیاز برخوردار هستیم تا با دعا دروس افسسیان را مطالعه و شور و شوق تازه ای را از پیروی مسیح در ایام چالش برانگیز بیابیم.

جان ک. مک وی دارای مدرک دکتره، و استاد مذهب در کالج پلیس دانشگاه والا والا واقع در واشنگتن ایالات متحده می باشد که از سال ۲۰۰۶ در آنجا مشغول به خدمت بوده است.

پولس و افسسیان



بعد از ظهر سبت

برای مطالعه این هفته بخوانید: برای مطالعه این هفته بخوانید: اعمال رسولان ۱۸: ۱۸ - ۲۱؛ اعمال رسولان ۱۹: ۱۳ - ۲۰: ۱؛ اعمال رسولان ۲۰: ۱۷ - ۳۸؛ افسسیان ۱: ۱ و ۲؛ افسسیان ۶: ۲۱ - ۲۴؛ افسسیان ۳: ۱۳؛ افسسیان ۱: ۹ و ۱۰.

آیه حفظی: «او راز اراده خود را به ما شناسانید. این بنا بر خشنودی و قصد نیکوی او در مسیح برای اداره امور کمال دوران بود. و آن اراده این است که همه چیز را، خواه آنچه در آسمان و خواه آنچه بر زمین است، در یکی یعنی مسیح گرد آورد» (افسسیان ۱: ۹ و ۱۰).

وقتی چیزی می نویسیم هدفی برای این کار داریم، گاهی اوقات بسیار مهم. برای مثال، آبراهام لینکلن در سخنرانی مشهور خود بنام گتیزبرگ در سال ۱۸۶۳، پس از ویرانی دهشتناکی که در جنگ داخلی آمریکا رخ داده و ۷۰۰۰ کشته بجا گذاشته بود مطالبی بیان کرد. لینکلن در این سخنرانی با اشاره و استناد به بانیان آن باور خود را اینگونه ابراز داشت که جنگ داخلی آمریکا اوج آزمون بود که آیا تمدنی که در سال ۱۷۷۶ بوجود آمده بود دوام خواهد آورد یا «از روی زمین محو خواهد شد». پولس هدفی ژرف داشت که به نوشتن نامه اش انگیزه می دهد. مردم افسس، بخشی بخاطر زندانی بودن او (افسسیان ۳: ۱۳، افسسیان ۶: ۲۰) و بخشی بخاطر جفاها و وسوسه های مداوم بر ایشان وسوسه شده بودند تا دلسرد و خسته و ناامید شوند. پولس در خصوص آنچه که پس از ایمان آوردن آنان اتفاق افتاده بود به ایشان خاطر نشان می سازد که مسیح را به عنوان منجی خود پذیرفته اند و بخشی از کلیسا شده اند. آنان بدن مسیح شده اند (افسسیان ۱: ۱۹ - ۲۳؛ افسسیان ۴: ۱ - ۱۶)، مصالح و اجزای بنا کننده معبد (افسسیان ۲: ۱۹ - ۲۲)، عروس مسیح (افسسیان ۵: ۲۱ - ۳۳)، ارتش مجهز (افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰). آنان نقشی راهبردی در محقق شدن برنامه عظیم خدا ایفا می کنند تا همه چیز در مسیح متحد شود (افسسیان ۱: ۹ و ۱۰). پولس بدین منظور قلم می فرساید تا ایمانداران افسس نسبت به هویت کامل و امتیازات خود به عنوان پیروان مسیح پی برده و هشیار شوند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت اول ژوئیه - ۱۰ تیر آماده شوید.

پولس، مبشری برای افسس

پولس در نخستین دیدار خود از افسس در پایان دومین سفر بشارتی خود چه می کند؟
(اعمال رسولان ۱۸: ۱۸ - ۲۱).

افسس یکی از پهناورترین شهرهای امپراتوری روم بود که بالغ بر ۲۵۰۰۰۰ نفر جمعیت در آن سکونت داشت. این شهر پایتخت یکی از ثروتمندترین ولایات تحت قلمرو امپراتوری روم در آسیا بود که بسیاری از مناطقی را که امروزه به نام آسیای صغیر می شناسیم، تحت پوشش خود قرار می داد. در ایام پولس، آن مستعمره از دوران رشد و شکوفایی بهره مند شده بود. افسس، آن شهر بندری همچنین در تلاقی راه های زمینی مهمی قرار داشت. در حالی که مردم در شهر بت های بسیاری را می پرستیدند، آرتیس که به عنوان الهه نگهبان شهر در نظر گرفته می شد، از همه بت ها برتر بود. پرستش او در کانون آئین های مدنی، مسابقات ورزشی و جشن های سالانه بود. (رومیان آرتیس را دیانا خطاب می کردند؛ اعمال رسولان ۱۹: ۲۴ و ۳۵ را مشاهده کنید).

بعدا پولس در سومین سفر بشارتی خود به افسس باز می گردد (اعمال رسولان ۱۹: ۱ - ۱۲) و برای مدت سه سال در آنجا ساکن می شود (اعمال رسولان ۲۰: ۳۱). پولس رسول زمان قابل توجهی از تعهد به خدمت را در افسس سپری می کند با این هدف که پایه های مسیحیت را در آنجا تثبیت کند.

چه رخداد عجیبی در افسس موجب می شود تا «عیسی خداوند» بطور گسترده ای مورد تکریم قرار گیرد؟ (اعمال رسولان ۱۹: ۱۳ - ۲۰).

لوقا داستان عجیبی از هفت دوره گرد یهودی جادوگر را به مشارکت می گذارد. این رمالان با استفاده از نامهای عیسی و پولس در طلسم ها وافسونگری های خود ثابت می کرد که به اقدامی مخاطره آمیز دست زده اند. وقتی اخبار در خیابانهای شهر می پیچید «ترس بر همه آنان مستولی گشت، به گونه ای که از آن پس نام خداوند عیسی را بسیار محترم می داشتند» (اعمال رسولان ۱۹: ۱۷). آن رویداد تاثیر شگرفی بر برخی از آن افراد گذاشت که بتازگی ایمان آورده بودند و در ملاء عام کتابهای گران قیمت راهنمای جادوگری خود را سوزاندند که «پنجاه

هزار سکه نقره قیمت داشت» (اعمال رسولان ۱۹: ۱۹). ایمانداران وقتی گستردگی ساکنان شهر را دیدند آموختند که نباید عبادت عیسی را با پرستش هر چیز یا فرد دیگری عجین ساخت.

سوزاندن کتاب هایی که برای خودشان قیمتی بود، حاکی از چه بود؟ چنین اقدامی در خصوص تعهد کامل به خداوند چه می گوید؟

۵ تیر

دوشنبه

شورش در تماشاخانه

اعمال رسولان ۱۹: ۲۱ تا ۲۰: ۱ را بخوانید. چه درس هایی می توانیم از این داستان بگیریم؟

شهادت دادن پولس در آن ابر شهر پیچیده افسس آنقدر اثربخش بود که بر موتور اقتصادی مهم شهر تأثیر گذاشت، که متمرکز بر زیارت معبد آرتمیس بود. و آنهم چه معبدی! این سازه شکوهمند ترکیبی از ۱۲۷ ستون بود که هر کدام حدود ۳۰ متر ارتفاع داشت، و از سنگ مرمر پریان که مرمری سفید و ناب و بی عیب بود تشکیل شده بود که در مجسمه سازی از اهمیت بسزایی برخوردار است. سی و شش ستون از این ستون ها حجاری شده و پوششی از طلا داشت و همین باعث شد تا معبد به عنوان یکی از عجایب هفتگانه جهان کهن، مشهور شود. دیمیتریوس نقره کار از اینکه سخنان پولس بر علیه بت پرستی باعث می شود تا عایداتی که از محل معبد حاصل می شود ضربه ببینید (اعمال رسولان ۱۹: ۲۷)، بشدت نگران شده و هم صنفی های خود را ترغیب به شورش کرد. جماعتی که به سرعت در حال افزایش بود و بشدت به هیجان آمده بود از بازار به تماشاخانه بزرگ سرازیر شد که ظرفیتی بالغ بر ۲۵۰۰۰ نفر گنجایش داشت. شور و بلوا در آنجا ادامه یافت که به مدت دو ساعت همگی فریاد می زدند: «بزرگ است آرتمیس افسسیان!» (اعمال رسولان ۱۹: ۳۴). پس از اینکه جمعیت توسط داروغه شهر متفرق گردیدند، پولس با ایمانداران دیدار کرده و پس از آن، شهر را ترک کرد.

پولس در پایان سومین سفر بشارتی خود با بزرگان کلیسای افسس دیدار می کند. نگرانی های پولس را چگونه خلاصه می کنید؟ (اعمال رسولان ۲۰: ۱۷ - ۳۸).

ترتیب زمانی حدسی رابطه پولس با افسس:

* ۵۲ میلادی: دیدار نخستین و کوتاه پولس از افسس (اعمال رسولان ۱۸: ۱۸ - ۲۱).

* ۵۳ - ۵۶ میلادی: خدمت و بشارت سه ساله پولس در افسس (اعمال رسولان ۱: ۱۹ - ۱: ۲۰).
او رساله اول قرن‌تینان را در پایان سکونت خود در آنجا می نویسد (اول قرن‌تینان ۱۶: ۵ - ۹).
* ۵۷ میلادی: پولس در حالی که در میلیتوس بود با بزرگانی از افسس دیدار می کند (اعمال رسولان ۲۰: ۱۷ - ۳۸).
* ۶۲ میلادی: پولس نامه خود را به افسسیان می نویسد احتمالاً از محبس خود در روم.

«پس هوشیار باشید و به‌خاطر آوری که من سه سال تمام، شب و روز، دمی از هشدار دادن به هر یک از شما با اشکها، بازنایستادم» (اعمال رسولان ۲۰: ۳۱). فکر می کنید که پولس درباره وضعیت امروز کلیسای ما چه هشدار می‌دهد و چرا؟

۶ تیر

سه شنبه

شنیدنِ نامه ای که به افسسیان نوشته شد

پولس به افسسیان نوشت تا در کلیساهای خانگی آنان در ابر شهر افسس با صدای بلند در میان ایمانداران خوانده شود. در طی این سالها پس از عزیمت پولس، نهضت مسیحیت در افسس رشد یافت و تعداد کلیساهای خانگی چند برابر شد. برای آن ایمانداران اولیه رویدادی مهم بود که تیخیکوس نماینده شخصی پولس رسول که بنیانگذار بود، در میان آنان بایستد و نامه او را به مشارکت بگذارد. آنگونه که توسط خود رساله پیشنهاد شده است، گروهی که جمع شده بودند شامل اعضای خانواده میزبان یعنی پدر، مادر، فرزندان و غلامان بود (افسس ۵: ۲۱ - ۶: ۹). در آن زمان، اهالی یک خانه یا خانواده مشتمل بر افراد دیگری نیز بود - مراجعه کنندگان (افراد آزادی که برای کمک گرفتن به صاحب خانه متکی بودند) و حتی خریداران. پس ممکن است این افراد و همچنین اعضای خانواده های دیگر نیز در آنجا حضور داشته اند.

در ارتباط با رؤس مطالب نامه زیر، کل رساله را با صدای بلند بخوانید (خواندن آن حدود ۱۵ دقیقه به طول می انجامد). در کل، چه مضامینی از طریق این نامه طنین انداخته است؟

الف. افتتاح نامه با درود و سلام (افسس ۱: ۱ و ۲)

ب. دعای خیر و برکت در مقدمه

پ. دعا برای ایمانداران تا حکمتی که بر مسیح تمرکز دارد را بیابند (افسس ۱: ۱۵ - ۲۳)

ت. زمانی در روح مرده، حال با مسیح تعالی یافته ایم (افسس ۲: ۱ - ۱۰)

ث. بوجود آوردن کلیسا توسط مسیح از یهودیان و غیر یهودیان (افسس ۲: ۱۱ - ۲۲)

ج. پولس به عنوان واعظ مسیح برای غیر یهودیان (افسس ۳: ۱ - ۱۳)

- چ. دعا برای ایمانداران برای تجربه محبت مسیح (افسیان ۳: ۱۴ - ۲۱)
- ح. حفظ وحدت کلیسا با روح الهام یافته (افسیان ۴: ۱ - ۱۶)
- خ. زندگی جدیدی که اتحاد را می پروراند (افسیان ۴: ۱۷ - ۳۲)
- د. گام برداشتن در محبت، نور، و حکمت (افسیان ۵: ۱ - ۲۰)
- ذ. زندگی مسیحانه را در خانواده مسیحی اعمال کنید (افسیان ۵: ۲۱ - ۶: ۹)
- ر. با هم ایستادن: کلیسا به عنوان ارتش خدا (افسیان ۶: ۱۰ - ۲۰)
- ز. پایان نامه با درود (افسیان ۶: ۲۱ - ۲۴)

در این نامه به نظر موضوع کلیدی چیست؟ چه چیزی به شما می گوید؟ چه نکته خاص یا نکاتی در آن نهفته است؟

۷ تیر

چهارشنبه

افسیان در زمانه خود

پولس چگونه نامه خود را به ایمانداران افسس شروع و خاتمه می دهد؟ از ژرفای آرزوهای خودش برای آنان چه می آموزیم؟ افسسیان ۱: ۱ و ۲؛ افسسیان ۶: ۲۱ - ۲۴ را ببینید.

پولس در آغاز نامه، خود را بعنوان نویسنده نامه معرفی می کند (افسیان ۱: ۱). پولس تقریباً در میانه نامه خودش را با اسم معرفی می کند و خود را «زندانی عیسی مسیح برای شما غیریهودیان» معرفی می کند (افسیان ۳: ۱) که مبین کارش بعنوان یک رسول است (افسیان ۳: ۱ - ۱۳). تقریباً در آخر نامه او دوباره به زندانی بودن خویش اشاره می کند (افسیان ۶: ۲۰) و با حرف های شخصی به آن خاتمه می دهد (افسیان ۶: ۲۱ و ۲۲). در حالی که برخی از پژوهشگران انکار می کنند که نامه توسط پولس نوشته شده باشد، بایستی به این نکته مهم توجه داشت که رساله بطور واضح ادعا می کند که پولس مولف آن است. اکثر مسیحیان، و به درستی، پولس را به عنوان نویسنده می پذیرند.

پولس چگونه نگرانی خود را از تاثیر زندانی بودنش بر ایمانداران افسس ابراز می دارد؟ افسسیان ۳: ۱۳ را ببینید.

بنظر می‌رسد که نامه پولس از زندان به افسسیان از همان دغدغه‌های کلی برای کولسیان (کولسیان ۴: ۷ و ۸ را ببینید) و فلیمون برخوردار است. همچنین بنظر زمان قابل توجهی باید سپری شده باشد از زمانی که پولس بشارت خود را در افسس آغاز کرد (افسسیان ۱: ۱۵؛ افسسیان ۳: ۱ و ۲). احتمالاً پولس رساله افسسیان را در زندانی در روم در حدود سال ۶۲ میلادی نوشته باشد.

پولس در رساله افسسیان به چند موضوع خاص درباره وضعیت مخاطبین خود در افسس اشاره می‌کند. حوزه‌ای که بر آن توجه دارد وسیع است. او به یک دوره زمانی بزرگ می‌پردازد «که پیش از آفرینش جهان» توسط خدا از همان آغاز تصمیم‌گیری شده است. (افسسیان ۱: ۴) و بطور وسیعی مضامین بزرگ رستگاری خدا توسط مسیح را بازتاب می‌دهد.

با چنین کاری نامه، یک سبک ادبی عالی با جملات طولانی، عبارات تکراری، و استعاره‌های پیشرفته را در معرض نمایش قرار می‌دهد. پولس می‌تواند از چنین سبکی در جاهای دیگر استفاده کند (برای نمونه، رومیان ۸: ۳۱-۳۹)، اما این سبک در افسسیان متمرکز است، که خصوصیات آن شامل مقدار معتناهی از ستایش، دعا، و زبان پرستش می‌باشد (افسسیان ۱: ۳-۱۴، افسسیان ۱: ۱۵-۲۳، افسسیان ۳: ۱۴-۲۱) و عباراتی را ارائه می‌دهد که با دقت ترکیب شده و بطور والایی بدیع است (برای مثال، افسسیان ۴: ۱-۱۶، افسسیان ۵: ۲۱-۳۳، افسسیان ۶: ۱۰-۲۰).

۸ تیر

پنجشنبه

افسسیان: نامه‌ای که عطر مسیح در آن به مشام می‌رسد

پولس موضوع نامه خود را چگونه اعلام می‌کند؟ افسسیان ۱: ۹ و ۱۰)

چگونه می‌توان پیام افسسیان را خلاصه کرد؟ پولس از زندان، چشم اندازی از طرح مسیح محور خدا برای تکامل زمان و نقش کلیسا در آن ارائه می‌کند. خدا در مسیح عمل کرده است تا نقشه خود را آغاز کند «تا همه چیز را در او [مسیح] متحد کند، چیزهایی که در آسمان است و چیزهای روی زمین» (افسسیان ۱: ۱۰) و این کار را با ایجاد کلیسا به عنوان نهادی متشکل از یک انسانیت جدید از یهودیان و غیریهودیان (افسسیان ۲: ۱۴). ایمانداران فراخوانده شده‌اند تا با این نقشه الهی بطور هماهنگ عمل کنند و به قدرت‌های شیطانی نشان دهند که هدف نهایی خدا در حال انجام است (افسسیان ۳: ۱۰).

همانطور که افسسیان ۱: ۹، ۱۰ اعلام می‌کند، وحدتی که خدا در نظر دارد در مسیح متمرکز است. بنابراین جای تعجب نیست که دریابیم که افسسیان نامه‌ای است که به مسیح

آغشته است و در همه جا اعمال خدا را در مسیح می ستاید و دسترسی ایمانداران به منابع روحانی ارائه شده در مسیح را مورد تمجید قرار می دهد. پولس عبارت «در مسیح» و عبارات مشابه را بیش از سی بار به کار می برد و همه جا عیسی را اعتلا می بخشد. همانطور که نامه را می خوانید، به این عبارات دقت کنید و روش های بسیاری را بررسی کنید که پولس بر عیسی متمرکز می کند.

پولس با یادآوری اینکه آنها بخشی از کلیسا هستند، که در کانون برنامه خدا برای متحد کردن همه چیز در مسیح است، تعهد روحانی ایمانداران در افسس را دوباره مشتعل می کند. وقتی او از کلمه "کلیسا" (با تلفظ اِکلیسیا به زبان یونانی) در نامه استفاده می کند، به معنای این است که کلیسا بطور کلی «جهانی» می باشد و (نه یک جماعت محلی).

راهبرد اصلی او این است که در خصوص کلیسا سخن بگوید، و این کار را با استفاده از استعاره های روشنی انجام می دهد، که چهار مورد از آنها را با جزئیات بیان می کند:

۱. کلیسیا به عنوان بدن (افسیسیان ۱: ۲۲ و ۲۳؛ افسسیان ۲: ۱۶؛ افسسیان ۳: ۶؛ افسسیان ۴: ۱ - ۱۶ و ۲۵؛ افسسیان ۵: ۲۳ و ۲۹ و ۳۰).

۲. کلیسا به عنوان ساختمان / معبد (افسیسیان ۲: ۱۹ - ۲۲).

۳. کلیسا به عنوان عروس (افسیسیان ۵: ۲۲ - ۲۷).

۴. کلیسا به عنوان ارتش (افسیسیان ۶: ۱۰ - ۲۰).

هر یک از این تصاویر به طریقه خود آشکار می کند که هدف خدا و توجه او بر کلیسای خویش متمرکز می باشد.

در کلیسایی که شما عضوی از آن هستید، کلیسای ادونتیست های روز هفتم، خدا یک جامعه فراملی، چندزبانه، چند نژادی و چند فرهنگی را گرد هم می آورد (مکاشفه ۱۴: ۶، ۷) که راه تحقق خواسته های او را نشان می دهد. برای متحد کردن همه چیز در عیسی برنامه ریزی کنید (افسیسیان ۱: ۹، ۱۰). چگونه می توانیم با برنامه بزرگ خدا هماهنگ باشیم؟

۹ تیر

جمعه

اندیشه ای فراتر: داستان جادوگرانی که از نام های عیسی و پولس سوء استفاده می کنند (اعمال رسولان ۱۹: ۱۳-۲۰؛ درس یکشنبه را ببینید) به شرح این کمک می کند که چرا پولس اینقدر درباره قدرت در افسسیان زبان فرسایمی می کند. برخی از نو ایمانان، با اعتقاد تازه ای که به اقتدار و حاکمیت عیسی داشتند، کتاب راهنمای جادوگریه گران قیمت خود را در شعله های آتش می اندازند. به لطف کشف حدود ۲۵۰ پاپیروس [لوحه کاغذی] که با جادو و همچنین سایر یافته ها سروکار دارند، تصاویر فراوانی از آیین ها، طلسم ها، فرمول ها، نفرین ها، و غیره در دست داریم، شبیه به آنچه که احتمالاً در این کتابچه های راهنمای جادو نشان داده شده است. این کتاب ها به ایمانداران توصیه کرده بود که چگونه از چنین مراسمی برای

ترغیب خدایان، الهه‌ها و قدرت‌های روحی استفاده شود تا بتوانند هر کاری که می‌خواهند را انجام بدهند.

لوقا به ما می‌گوید که این نسخه‌ها ۵۰۰۰۰ سکه نقره یا معادل حقوق ۵۰۰۰۰ روز کاری ارزش داشتند. (در شرایط کنونی، اگر حقوق روزانه یک کارگر ماهر را ۸۰ دلار در نظر بگیریم، حقوق ۵۰۰۰۰ روز، ۴ میلیون دلار می‌شود!). این جزئیات اهمیت و مرکزیت این کتابها را برای زندگی روزانه آنها نشان می‌دهد. «مداخله حاکمیت مطلقه خدا باعث شد تا به اندازه کافی متقاعد شوند که آنها باید کاملا از بکاربردن مستمر سحر، طلسم، ورد و وسایل سنتی برای کسب قدرت روحانی توبه کنند» - کلینتون ای. آرنولد، افسسیان (گردد ریپدز، ام‌آی، زوندرون، ۲۰۱۰) صفحه ۳۴.

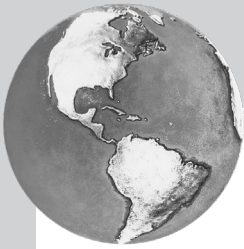
ما به این درک می‌رسیم که افسسیان برای ایماندارانی نوشته شده که به رهنمودهایی درباره «چگونگی مبارزه با نفوذ و حملات مستمر قدرت‌های شوم کیهانی» نیاز داشتند - کلینتون ای. آرنولد، قدرت و جادو: مفهوم قدرت در افسسیان (گردد ریپدز، ام‌آی، بیکر بوکز، ۱۹۹۲)، صفحه ۱۶۵. پاسخ پولس، رساله به افسسیان است که بموجب آن به مسیح به عنوان آن یگانه ای اشاره می‌کند که فراتر از هر قدرتی رفعت و برتری یافته است (افسسیان ۱: ۲۰ - ۲۳) و به برتری قدرتی که خدا برای ایمانداران مهیا می‌سازد تاکید می‌ورزد (افسسیان ۲: ۱۵ - ۱۹؛ افسسیان ۳: ۱۴ - ۲۱؛ افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰).

سوالاتی برای بحث:

۱. چه قدرتها یا زمامداران امور در دنیای ما و زندگی امروز شما فعال هستند؟ این قدرتها چگونه خود را عیان می‌سازند و ایمانداران را وسوسه می‌کنند تا آنها را مورد احترام و تمجید قرار دهند در عوض اینکه تعهد و وفاداری خود را به مسیح رفعت یافته نشان دهند؟

۲. در چارچوب «پُری [کامل شدن] زمان»، برنامه خدا برای متحد ساختن همه چیز در مسیح، پولس امیدواری برای آینده را بیان می‌کند. کاربردهای او از واژه امید را در افسسیان ۱: ۱۸ و افسسیان ۲: ۱۲ و افسسیان ۴: ۴ مرور کنید. چرا او باور داشت که امیدی برای آینده وجود دارد؟

۳. در آیات زیر در افسسیان، پولس چگونه به امید بزرگ بازگشت مسیح اشاره می‌کند؟ افسسیان ۱: ۱۳ و ۱۴؛ افسسیان ۱: ۲۱؛ افسسیان ۲: ۷؛ افسسیان ۴: ۳۰؛ افسسیان ۵: ۵. درست همین الان، این امید برای ما چه مفهومی دارد؟



کتاب مقدس از شعله نجات می یابد

نوشته‌ی تور تجرانسن

والنتینا ملنتیوا با درماندگی نظاره‌گر سوختن خانه‌اش در شهر کونگزبرگ کشور نروژ بود. درحالیکه بخاطر از دست دادن دارایی هایش ناراحت بود، فکر از دست دادن کتاب مقدسش او را سخت آزار می‌داد.

والنتینا در کلایپدا، سومین شهر بزرگ اتحاد جماهیر شوروی لیتوانی، بزرگ شد. اگرچه مادرش مسیحی بود اما خانواده اش هرگز کتاب مقدس نداشتند، درباره عیسی حرف نزده و هرگز دعا نکرده بودند.

زمانیکه والنتینا ۴۵ ساله بود، متوجه شد همسایه ای به نام ایرا دارد که اگرچه با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کند، اما خوشحال است. والنتینا از ایرا درباره راز شادمانی اش پرسید و ایرا او را به خانه اش دعوت کرد.

وقتی والنتینا رسید، ایرا یک کتاب مقدس باز شده در دستانش گذاشت. والنتینا برای اولین بار در زندگی‌اش، یک کتاب مقدس داشت. کتاب خروج فصل ۲۰ باز شده بود. ایرا گفت: «لطفا بخوان.»

والنتینا شروع به خواندن ده فرمان کرد و زمانیکه به فرمان چهارم رسید، شگفت زده شد: «روز شبات را به یاد داشته باش و آن را مقدس شمار. شش روز کار کن و همه‌ی کارهایت را انجام بده، اما روز هفتم، شباتِ یهوه خدای توست.» (خروج ۲۰: ۸ تا ۱۰)

او چهار بار فرمان سبت را خواند. روز هفتم (شنبه) روز استراحت بود، نه روز یکشنبه. او تمام عمرش شنبه‌ها کار کرده بود اما اکنون می‌خواست طبق فرمان چهارم زندگی کند.

شنه‌ی بعد والنتینا با ایرا رفت تا همراه دیگر ادونتیست‌های روز هفتم در کلایپدا پرستش کند. والنتینا در دومین سبت خود در کلیسا، یک کتاب مقدس به زبان روسی دریافت کرد. این کتاب ارزشمندترین دارایی اش شد و او یک سال بعد در سال ۲۰۰۴ غسل تعمید گرفت. بعدها والنتینا به نروژ نقل مکان کرد تا در مدرسه ادونتیست‌ها بیشتر درباره خداوند بداند. زمانیکه او دوره مطالعاتی‌اش را به پایان رساند، جلد کتاب مقدسش کاملاً فرسوده شده بود. او یک جلد چرمی زیبا

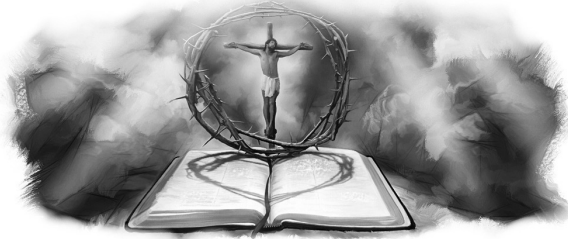
برای کتابش سفارش داد.

پس از آتش سوزی در سال ۲۰۲۱، پلیس و آتش نشانی آپارتمان والنیتینا را محاصره کردند. وقتی تحقیقاتشان به پایان رسید، پسر والنیتینا که به ملاقاتش آمده بود، به میان آوار رفت. زمانیکه او با کتاب مقدس بازگشت، والنیتینا بسیار خوشحال شد. کتاب مقدس که به همراه سایر کتب مذهبی در قفسه کتابخانه بود، تنها کتابی بود که دست نخورده باقی مانده بود و تنها خسارتی جزئی از آتش دیده بود.

والنیتینا گفت: «کاری که عشق خداوند برای حفظ مهم ترین چیزها می‌کند، شگفت انگیز است.»

از شما بابت هدایای سیزدهمین سبت سه سال پیش (آخرین سبت این سه ماهه) جهت بازگشایی مرکز تاثیرگذاری در شهر سورتلند نروژ، جایی که افراد بیشتری می‌توانند درباره کتاب محبوب والنیتینا (کتاب مقدس) بیاموزند، سپاسگزاریم.

برنامه عظیم «مسیح محور» خدا



بعد از ظهر سبت

برای مطالعه این هفته بخوانید: برای مطالعه این هفته بخوانید: افسسیان ۱: ۳ - ۱۴؛ افسسیان ۲: ۶؛ افسسیان ۳: ۱۰؛ کولسیان ۱: ۱۳ و ۱۴؛ تثیبه ۹: ۲۹.

آیه حفظی: «متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را در مسیح به هر برکت روحانی در جایهای آسمانی مبارک ساخته است» (افسسیان ۱: ۳).

نیل آرمسترانگ اولین کسی که بر ماه قدم گذارد پس از بیست و پنج سال مطلبی نوشت تا از تیم خلاق (MEU) که لباس فضانوردی را طراحی کرد قدردانی کند. بوسیله آن لباس بود که او توانست آن گام های تاریخی را بر روبر ماه بردارد.

آرمسترانگ با نامیدن آن به عنوان: «پرتصویرترین فضایی تاریخ» و با کنایه از اینکه موفق شده «سرنشین بدقیافه خود» را از دید پنهان کند، از گروه MEU در مرکز فضایی جانسون برای لباس مستحکم، قابل اعتماد و تقریباً راحت که زندگی اش را حفظ کرد قدردانی نمود و برای آنها «تشکر و تبریک» ارسال کرد.

پولس نامه خود را به افسسیان با یادداشت سپاسگزاری با شکوهی آغاز نمود و خدا را برای برکاتی که بارانیده است شکر نمود، برکاتی که به همان اندازه برای زندگی ایمانداران ضروری است که لباس فضایی برای کسی که بر ماه قدم گذاشت ضروری بود. پولس استدلال می کند که خدا «پیش از پیدایش جهان» (افسسیان ۱: ۴) در بخشیدن این برکات ضروری در کار بوده است و خداوند را برای کار کردن بخاطر ایمانداران در طی اعصار ستود.

مفتاح سخن پولس در اینجا، افسسیان را بطور خاص در الگوبرداری در نحوه پرستش و ستایش خدا به خاطر برکات بسیاری که او مهیا کرده است، ارزشمند می کند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۸ ژوئیه - ۱۷ تیر آماده شوید.

برگزیده و پذیرفته شده در مسیح

یک یادداشت سپاسگزاری معمولاً شامل شرحی از هدیه یا هدایایی است که دریافت شده است. پولس فهرستی طولانی از هدایا را در افسسیان ۱: ۳ - ۱۴ درج نموده است، در حینی که خدا را بخاطر برکات انجیل شکر می گوید.

پولس خدا را برای این واقعیت شکر می کند «که ما را در مسیح به هر برکت روحانی در جایهای آسمانی مبارک ساخته است» (افسسیان ۱: ۳). اینکه برکات، روحانی هستند (به زبان یونانی pneumatikos) نشان می دهد که از طریق روح pneuma می آیند، خاتمه نامه پولس با دعا و برکت دادن اشاره به این دارد که از کار روح القدس در زندگی ایمانداران تجلیل می کند (افسسیان ۱: ۱۳ و ۱۴).

افسسیان ۱: ۳ - ۶ حاوی لحن الهام بخش در مورد این که خدا در مسیح چگونه به ما می نگرند، است. پیش از خلقت جهان، خدا ما را در مسیح برگزید و تعیین نمود که ما باید در حضور او مقدس و بی عیب باشیم (افسسیان ۱: ۴ را با افسسیان ۵: ۲۷ مقایسه کنید) به عنوان پسران و دخترانی گرامی، هم به موجب خلقت و هم رستگار شده در مسیح (افسسیان ۱: ۵). از زمانی که خورشید شروع به تابیدن می کند، این راهبرد و خط مشی او بوده است که ما بواسطه «آن محبوب [خدا] پذیرفته شده ایم» (افسسیان ۱: ۶). بطور خلاصه، این هدف خدا بوده است تا ما رستگار شویم. ما رستگاری را تنها با انتخابهای گناه آلود خود از دست می دهیم.

عبارت «در جایهای آسمانی» در افسسیان (تنها جایی که در عهد جدید بکار رفته است) به چه معنی است؟ کاربردهای عبارت را مطالعه کنید. (افسسیان ۱: ۳ و ۲۰؛ افسسیان ۲: ۶؛ افسسیان ۳: ۱۰؛ افسسیان ۶: ۱۲ را با استفاده «در آسمان» افسسیان ۳: ۱۵؛ افسسیان ۴: ۱۰؛ افسسیان ۶: ۹ مقایسه کنید).

افسسیان در عبارتهای «جایهای آسمانی» و «در آسمان» یا «آسمانها» به ملکوت آسمانی اشاره می کند که سکونتگاه خداست (افسسیان ۱: ۳؛ افسسیان ۶: ۹)، به مکان قدرتهای روحانی (افسسیان ۱: ۱۰ و ۲۰ و ۲۱؛ افسسیان ۳: ۱۰ و ۱۵؛ افسسیان ۶: ۱۲)؛ و به مکان رفعت یافتن مسیح در دست راست پدر (افسسیان ۱: ۲۰) اشاره می کند.

ایمانداران به این «جایهای آسمانی» در زمان حاضر دسترسی دارند، به عنوان قلمروی که از طریق مسیح آن برکات روحانی ارزانی می شود (افسسیان ۱: ۳؛ افسسیان ۲: ۶). گرچه «جایهای آسمانی» به مکان برکت برای ایمانداران تبدیل شده است، آنها همچنان نبردگاه قوای اهریمنی هستند که با خداوندی مسیح در ستیز هستند (افسسیان ۳: ۱۰؛ افسسیان ۶: ۱۲).

بر روی افسسیان ۱: ۴ تامل کنید که می گوید که ما «پیش از پیدایش جهان» در مسیح برگزیده شده ایم. این به چه معنی است؟ این مطلب چگونه برای ما آشکار می کند که خدا ما را دوست می دارد و اشتیاق دارد تا نجات یابیم؟

۱۲ تیر

دوشنبه

فدیۀ گرانبها؛ آموزش بی حد و حصر

گناه برای مخاطبین پولس، قوای تاریکی بشمار می رود که بر زندگی ها تسلط دارند. پولس می تواند آنها را بعنوان مردگان متحرکی توصیف کند - مردگانی که « به سبب نافرمانیها و گناهان» (افسسیان ۲: ۱) با این وجود «گام بر می دارند» یا زندگی می کنند، با فرمانی که شیطان به آنان می دهد (افسسیان ۲: ۱ - ۳). آنان که در اسارت گناه و شیطان هستند، توانایی آزادسازی خود را ندارند. آنان به نجات نیاز دارند. خدا از طریق اقدامات محبانه خویش در مسیح چنین نموده است و پولس از دو برکت تازه فیض خدا در زندگی ایمانداران تجلیل می کند: رهایی/رستگاری و آموزش.

افسسیان ۱: ۷ و ۸ را بخوانید. اندیشه «رهایی» بطور مکرر در عهد جدید بکار رفته است. کاربردهای این اندیشه را در کولسیان ۱: ۱۳ و ۱۴؛ تیطس ۲: ۱۳ و ۱۴ و عبرانیان ۹: ۱۵ ملاحظه کنید. مواضع مشترک این آیات با افسسیان ۱: ۷ و ۸ در چیست؟

واژه یونانی که در افسسیان ۱: ۷ به عنوان رهایی ترجمه شده است *apolutrōsis* می باشد که در اصل برای خرید آزادی بردگان یا پرداخت فدیۀ برای آزاد کردن اسیر یا برده بکار می رفته است. شاید بتوان طنین صدای برده فروشان و همچنین صدای زنجیرهای بردها که به هم می خورند را در بازار حراج برده ها شنید. وقتی که عهد جدید از رهایی بحث به میان می آورد، آزادسازی پر هزینه بردگان را برجسته می سازد.

آزادی ما با قیمتی گزاف بدست می آید: «ما به واسطه خون وی [عیسی] رهایی یافته ایم» (افسسیان ۱: ۷). اندیشه رهایی همچنین از سخاوتمندی خدا در بخشندگی بخاطر پرداخت قیمتی سنگین برای آزادی ما تجلیل می کند. خدا به ما آزادی و منزلت می بخشد. ما بیش از این اسیر و برده نیستیم!

«رهایی یافتن [رستگاری] یعنی با فرد به عنوان یک شخص رفتار شود و نه به عنوان شیء. به جای برده زمین بودن، شهروند آسمان شدن است» - مرجع زیر:

— Alister E. McGrath, *What Was God Doing on the Cross?* (Grand Rapids, MI: Zondervan, 1992), p. 78.

دقت نظر داشته باشید که این اندیشه که خدا هزینه‌هایی را به شیطان می‌پردازد، یک ایده قرون وسطایی است، و مرجع کتاب مقدسی ندارد. خدا به شیطان بدهکار نیست و به او چیزی هم نخواهد داد.

عواید جلجتا همچنین شامل «آمزش گناهان» است (افسیان ۱: ۷). مسیح بر روی صلیب هزینه گناهان گذشته و آینده ما را تقبل می‌کند و «آن سند قرضها را که به موجب قوانین بر ضد ما نوشته شده و علیه ما قد علم کرده بود، باطل کرد و بر صلیب می‌خکوبش کرده، از میان برداشت» (کولسیان ۲: ۱۴). در انجام این کار رستگاری و بخشش از طریق مسیح، خدا به عنوان پدر بخشنده ما عمل می‌کند و «غنا فیض او» به ما «به فراوانی» ارزانی شده است (افسیان ۱: ۷، ۸).

برای شما چه معنایی دارد که از طریق فدیة قربانی مسیح بخشیده و رستگار شوید؟ چطور می‌شود اگر احساس کنید که نالایق هستید؟ (نکته: شما نالایق هستید؛ اصل مطلب صلیب همین است).

۱۳ تیر

سه شنبه

برنامه عظیم و مسیح محور خدا

برنامه خدا برای برنامه «پُری زمان / کمال دوران» چیست و بازه زمانی برای رسیدن آن چقدر می‌باشد؟ افسسیان ۱: ۹ و ۱۰.

پولس از سه عبارت خاص برای برنامه خدا استفاده می‌کند:

۱. راز اراده او

۲. هدف او

۳. برنامه ای برای کمال دوران [زمان معین و مورد نظر خداوند].

اوج و نهایت برنامه خدا چیست؟ گرد آوردن همه چیز خواه در زمین خواه در آسمان، در مسیح. یعنی عیسی کانون همه چیز است.

اصطلاحی که پولس برای توصیف برنامه بکار میبرد زیباست (به زبان یونانی *anakephalaiōsasthai*)، «حاصل جمع» یا «جمع کردن» همه چیز در مسیح. در حسابداری کهن، شما باید حاصل «جمع» یک ستون از ارقام را حساب کرده و جمع کل را در بالای ستون می‌نوشتید. عیسی راس برنامه نهایی خداست که در الهیات شناسی به آن آخرت شناسی می‌گویند.

گویند. این برنامه مسیح محور «قبل از پیدایش جهان» طراحی شده است (افسیان ۱: ۴) و چنان وسیع است که کل زمان (کمال دوران/پُری زمان) و مکان (همه چیز...همه چیز خواه در آسمان و خواه در زمین) را در بر می گیرد. پولس اتحاد در مسیح را به عنوان هدف شکوهمند و الهی برای جهان اعلام می کند.

در مبحث «برنامه کمال دوران» (افسیان ۱: ۱۰)، پولس موضوعی را به اشتراک می گذارد که در تار و پود نامه تنیده شده است. خدا برنامه خود را برای اتحاد همه چیز که ریشه در مرگ، قیام، معراج تعالی یافتن عیسی دارد (افسیان ۱: ۱۵ - ۲: ۱۰)، با برپایی کلیسا و متحد ساختن عامل های مختلف بشری، یهودی و غیر یهودی در آن آغاز می کند. (افسیان ۲: ۱۱ - ۳: ۱۳). به این ترتیب، کلیسا به قدرت های شیطانی نشان می دهد که نقشه خدا در حال انجام است و حکومت تفرقه افکنانه آنها به پایان خواهد رسید (افسیان ۳: ۱۰). همانطور که کتاب مقدس در جای دیگر می گوید:

«زیرا که ابلیس با خشم بسیار بر شما فرود آمده است، زیرا که می داند فرصت چندانی ندارد» (مکاشفه ۱۲: ۱۲).

نیمه آخر نامه پولس با فراخوانی پُر شور برای اتحاد آغاز می شود (افسیان ۴: ۱ - ۱۶) و با نصیحتی طولانی برای اجتناب از رفتاری که اتحاد را بر هم می زند، در عوض، انسجام با هم ایمانان را ایجاد می کند، ادامه می یابد (افسیان ۶: ۱۰ - ۲۰).

چگونه می توانید رستگاری را که در مسیح عیسی تجربه کرده اید تصدیق نموده و از آن تجلیل نمایید، که بخشی از چیزی فراگیر و بزرگ است، که بخشی جدایی ناپذیر از برنامه مطالعه شده و نهایی خدا برای متحد کردن همه چیز در مسیح است؟

تیر ۱۴

چهارشنبه

زندگی در حمدِ جلالِ او

«ما نیز در وی میراث او گشتیم، زیرا بنا بر قصد او که همه چیز را مطابق رأی اراده خود انجام می دهد، از پیش تعیین شده بودیم. تا ما که نخستین کسانی بودیم که به مسیح امید بستیم، مایه ستایشِ جلال او باشیم» (افسیان ۱: ۱۱ و ۱۲).

ایمانداران افسس به نظر مفهوم واضح مسیحی بودن را از دست داده بودند و «دل سرد» شده بودند (افسیان ۳: ۱۳). در راستای آنچه که او در ابتدا تایید کرده بود (افسیان ۱: ۳ - ۵)، پولس مجددا خواستار این بود که هویت خود را به عنوان ایمانداران مسیحی بهبود بخشند. ایمانداران قربانیان تصمیمات اتفاقی یا اختیاری خدایان یا قدرتهای کهنکشان نیستند. آنان فرزندان خدا هستند (افسیان ۱: ۵) و به برکات بسیاری از طریق مسیح دسترسی دارند که مبتنی بر اندرزه های ژرف و تصمیمات ازلی خداست. این هدف، اندرز، و اراده خداست

(افسیان ۱: ۱۱) که در زندگی آنان در کار بوده است که در راستای نقشه خداست تا همه چیز را در مسیح متحد سازد (افسیان ۱: ۱۰). آنان می توانند در جایگاه خود در پیشگاه خدا و تاثیرگذاری برکاتی که مهیا می سازد اطمینانی تزلزل ناپذیر داشته باشند. زندگی آنان باید طنین انداز افسیان ۱: ۳ - ۱۴ باشد: متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح!

کاربرد ایده «میراث» را در افسیان ۱: ۱۱ و ۱۴ و ۱۸ قیاس کنید. بنظر شما چرا این ایده برای پولس اهمیت دارد؟

آیا تا کنون در نتیجه مرگ فردی، به ارثی درست یافته اید؟ شاید خویشاوندی برای شما گنجینه ای ارزشمند یا پول قابل باقی توجهی گذاشته باشد. طبق دیدگاه پولس از مرگ عیسی، مسیحیان میراثی از خدا دریافت نموده اند (افسیان ۱: ۱۴) و وارث خدا شده اند (افسیان ۱: ۱۸). در عهد عتیق، قوم خدا گاهی اوقات میراث یا وارث او نامیده شده اند (تثنیه ۹: ۲۹؛ تثنیه ۳۲: ۹؛ زکریا ۲: ۱۲). این حس از وارث شدن در افسیان ۱: ۱۸ بطور واضح آمده است و معنای احتمالی آن در افسیان ۱: ۱۱ نیز آمده است (که بعداً «ما نیز وارث او گشتیم» ترجمه شده است).

پولس مسیحیت را عامل اصلی هویت ایمانداران می داند و برایشان آرزو می کند تا ارزش خودشان را برای خدا بدانند. آنان نه تنها میراثی از خدا هستند (افسیان ۱: ۱۴ و افسیان ۳: ۶ را با افسیان ۵: ۵ مقایسه کنید) بلکه آنان وارثان خدا هستند.

فرق بین کسب معاش و ارث بردن در چیست؟ چگونه این ایده به ما کمک می کند تا بفهمیم چه چیزی در عیسی به ما ارزانی شده است؟

۱۵ تیر

پنجشنبه

روح القدس: مَهر و پیش پرداخت

در افسیان ۱: ۱۳ و ۱۴، پولس بطور اجمالی داستانی را برای مخاطبین خود می گوید. مراحل این داستان چیست؟

پولس در بررسی اهمیت روح القدس در زندگی ایمانداران از دو تصویر یا اصطلاح برای روح استفاده می کند. او ابتدا روح القدس را به عنوان یک «مَهر» به تصویر می کشد و وجود مَهر نشانه از هویت حضور روح است که در زمان متبدل شدن حاصل از (ایمان آوردن به مسیح) است.

در ایام کهن، مهر و موم برای کاربردهای گوناگونی استفاده می شده: برای رسمیت بخشیدن به نسخه هایی از قوانین و موافقت نامه ها، برای اعتبار دادن به باارزش بودن یا مقدار محتویات یک بسته (برای نمونه حزقیال ۲۸: ۱۲) یا شاهد معاملات بودن (برای نمونه ارمیا ۳۲: ۱۰ - ۱۴ و ۴۴)، یا تصدیق قراردادها، نامه ها (برای نمونه اول پادشاهان ۲۱: ۸)، وصیت نامه ها و قبول اعطای فرزندخواندگی بکار برده می شد. یک مهر با نقش بستن بر روی یک شیء هم مالکیت و هم محافظت از آن را اعلام می کرد.

حضور روح القدس در زندگی آنان نشان از اینست که ایمانداران متعلق به خدا هستند و حامل این وعده است که خدا از آنان محافظت می کند (با افسسیان ۴: ۳۰ مقایسه کنید). «پولس صراحتاً می گوید که در لحظه ای که فرد زندگی خود را تسلیم عیسی می کند و به او ایمان می آورد، روح القدس آن ایماندار را در مسیح برای روز رهایی مهر می کند. چه حقیقت آزاد کننده و اطمینان بخشی است! مهر روح خدا بر پیروان مسیح درست در زمانی که آنان ایمان می آورند نقش می بندد.» - مرجع زیر:

— Jiří Moskala, "Misinterpreted End-Time Issues: Five Myths in Adventism,"
Journal of the Adventist Theological Society 28, no. 1 (2017), p. 95.

دومین تصویری که پولس برای روح القدس بکار می برد، تصویر «ضمانت» است. روح القدس ضامن ارث ماست، و چشم انتظار لحظه ای است که ارث بطور کامل به ما ارزانی شود (دوم قرنتیان ۱: ۲۲ و دوم قرنتیان ۵: ۵ را مقایسه کنید).

واژه ای که ضمانت ترجمه شده *arrabôn* می باشد که از زبان عبری برگرفته شده است که بطور گسترده ای در زبان یونانی رایج یا کوئین در ایام عهد جدید بکار رفته بود تا به پیش پرداخت یا قسط اول یا ودیعه اشاره می کرد که پرداخت کننده را ملزم می ساخت تا بدهی های بعدی را پرداخت کند. توجه داشته باشید که ایمانداران این پیش پرداخت را نمی پردازند بلکه آن را از خداوند دریافت می کنند. پولس می گوید حضور ارزشمند روح القدس در زندگی ایمانداران، اولین قسمت از میراث کامل نجات و رستگاری است که با بازگشت مسیح خواهد آمد. وظیفه ما این است که آنچه را که در عیسی به ما ارزانی داشته، با قلبی سپاسگزار و مطیع دریافت کنیم.

۱۶ تیر

جمعه

اندیشه ای فراتر: آیا افسسیان ۱: ۳ - ۱۴ تعلیم می دهد که خدا از پیش، آینده بشریت را تعیین کرده و زندگی ابدی و یا مرگ ابدی، تقدیر است؟ متأسفانه بسیاری از مردم چنین چیزی را باور دارند. با این وجود این ایده ها را در نظر بگیرید:

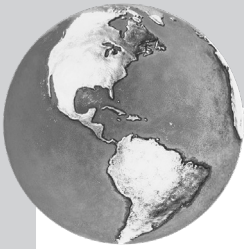
۱. در آیه، نقش مسیح تعیین کننده است، از آنجا که انتخاب الهی برای پذیرش ما «از طریق عیسی مسیح» (افسسیان ۱: ۵) یا در او (افسسیان ۱: ۴ و ۱۱) بوقوع می پیوندد. این مطلب پیشنهاد می کند که انتخاب و از پیش تعیین شدگی نسبت به تمامی افراد اعمال می شود نه اینکه افرادی که به صورت موردی نجات می یابند یا از دست می روند، حتی قبل از اینکه به دنیا بیایند. تصمیم خدا برای کسانی که ایمان به مسیح را ممارست می کنند قطعی و از پیش تعیین شده است.

۲. افسسیان ۱: ۳ - ۱۴ همچنین حاوی زبانی ارتباطی و روشن درباره کار خدا در زمینه رستگاری است. خدا «پدر» است و ما «فرزندخوانده» (افسسیان ۱: ۳ - ۵) که برکات او را در حدی وفور دریافت می کنند (افسسیان ۱: ۸). ما باید در پرتو این زبان غنی و ارتباطی، مفهوم انتخاب و از پیش تعیین شدگی توسط خدا را درک کنیم. خدا داوری نیست که در دوردستها بوده و بی احساس باشد که از دور حکم خود را صادر می کند، بلکه پدری دلسوز برای تمامی فرزندانش می باشد (افسسیان ۳: ۱۵ را ببینید).

۳. که خدا انتخاب بشر را که در افسسیان ۱: ۳ - ۱۴ بازتاب یافته محترم می شمارد (مخصوصاً افسسیان ۱: ۱۳، شنیدن و ایمان آوردن مهم تلقی می شود)، در نامه دیگر (افسسیان ۲: ۸، افسسیان ۳: ۱۷، افسسیان ۴: ۱ - ۶: ۲۰، همگی تاکید یا فرض بر اعمال انتخاب و واکنش ایمانی است) و همچنین در آیات دیگر در عهد جدید (برای نمونه اول تیموتاؤس ۲: ۴، اعمال رسولان ۱۷: ۲۲ - ۳۱). یا آنگونه که الن جی وایت ابراز داشته: «خدا در هدیه بی نظیر پسر خود تمامی جهان را با فضایی از فیض همانند هوایی که تمامی کره خاکی را پوشش داده، در بر گرفته است. تمامی کسانی که بر می گزینند تا در این فضای حیات بخش تنفس کنند زنده بوده و به قامت مردان و زنان در مسیح عیسی رشد خواهند نمود» - گامهایی بسوی نور، صفحه ۶۸.

سوالاتی برای بحث:

۱. چه استدلالی را می توانید برای پشتیبانی از ایده بالا اضافه کنید که خدا قبل از خلقت ما انتخاب نمی کند که چه کسی نجات یابد و چه کسی از دست برود؟
۲. انتخاب چه کسی در نهایت تعیین می کند که آیا یک شخص در عیسی نجات می یابد یا خیر؟
۳. «در او، ما به واسطه خون وی رهایی یافته ایم، که این همان آموزش گناهان است، که آن را به اندازه غنای فیض خود همراه با حکمت و فهم کامل، به فراوانی به ما بخشیده است» (افسسیان ۱: ۷). این آیه چگونه واقعیت نجات و رستگاری را تنها از طریق ایمان و نه با اعمال شریعت آشکار می کند؟



مسیری ارزشمند به لبنان

نوشته‌ی کتی لیکتن‌والتر

معلم داوطلب، روان اولیویرا، تلاش می‌کرد تا به سخنران رویداد آموزشی «من خواهم رفت» در دانشگاه خاورمیانه در شهر بیروت لبنان، گوش کند. او از خودش پرسید: «این پسر را قبلا کجا دیده‌ام؟»

روآن از برزیل آمده بود تا بعنوان معلم داوطلب در مرکز آموزش ادونتیست که به کودکان پناهنده سوری در مقطع اول تا هشتم آموزش می‌دهد، خدمت کند. او در حال گوش دادن به معلم دانشگاه، برایان مانلی بود که داشت کار خیمه سازان را توصیف می‌کرد. این خیمه سازان، ادونتیست‌های روز هفتمی بودند که با توجه به درسی که از پولس رسول گرفته بودند، از حرفه شخصی خود برای کار در کشور های غیر مسیحی استفاده می‌کردند.

روآن موبایلش را بیرون آورد و عکس سال‌های گذشته را مرور کرد. کار بشارتی در خون روان بود. او در برزیل به دنیا آمد و در خانواده‌ای بزرگ شد که همیشه از کارهای بشارتی صحبت می‌کردند و اینگونه نیز زندگی می‌کردند. زمانی که در دبیرستان بود، والدینش را برای شرکت در یک کنفرانس بشارتی «من خواهم رفت» در سال ۲۰۱۷ در آرژانتین، همراهی کرد. زمانیکه در مورد نیازهای خاورمیانه شنید، قلبش عمیقا تحت تاثیر قرار گرفت.

در سال اول تحصیلش در دانشگاه، دعوت برای تدریس زبان انگلیسی در یک کشور غیرمسیحی در آسیا را پذیرفت اما بلافاصله پس از رسیدن او، مدرسه زبان، بسته شد. او در آنجا ماند تا زبان محلی را بیاموزد اما از صحبت درباره خداوند با بقیه، منع شده بود. روان پس از بازگشت به برزیل برای سال دوم دانشگاه، تمایل بسیاری برای رفتن دوباره به خارج از کشور داشت. او چندین درخواست برای خاورمیانه، منطقه‌ای که در کنفرانس سال ۲۰۱۷ در آرژانتین در ذهنش ثبت شده بود، پر کرد.

او درحالیکه درخواستش را در وبسایت رسمی داوطلبان کلیسای ادونتیست* ثبت می‌کرد، دعا کرد: «خداوندا این موضوع به تو بستگی دارد. اولین جوابی که بگیرم را قبول خواهم کرد.»

هفت دقیقه بعد پیامی روی گوشی او از مرکز آموزشی ادونتیست در بیروت،

ظاهر شد. روآن ۶ هفته بعد به مدرسه رسید. پس از تجربه اش در آسیا، او قدردان آزادی مذهب در لبنان بود و گفت: «حتی می‌توانم به آنها بگویم که مسیحی هستم!»

پس از گذشت یک سال اقامت در لبنان، روآن تصمیم گرفت تا تحصیلاتش را تمام کند و به یک مبشر تمام وقت تبدیل شود. زمانیکه او به یادآورد قبلا برایان مانلی را کجا دیده است، اعتقاد او به اینکه خدا او را فراخوانده است، دوباره تأیید شد.

پس از پایان سخنرانی مانلی، روآن درحالیکه تلفنش را در دست داشت به او نزدیک شد و گفت: «من می‌دانم قبلا شما را کجا دیده‌ام.» او عکس های ۵ سال پیش را مرور کرد تا عکسی که با پدر و مادرش کنار مانلی در کنفرانس سال ۲۰۱۷ در آرژانتین گرفته بود را به اون نشان دهد. سخنرانی مانلی درباره خیمه سازان در کنفرانس بود که قلب روآن را برای خدمت به خداوند در خاور میانه برانگیخت.

* VividFaith.com

قدرت عیسی متعال



بعد از ظهر سبت

برای مطالعه این هفته بخوانید: ۱: ۱۵ - ۲۳؛ افسسیان ۳: ۱۴ - ۲۱؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۶ - ۱۸؛ تثنیه ۹: ۲۹؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۰ - ۲۲؛ مزمور ۱۱۰: ۱.

آیه حفظی: «و از قدرت بی‌نهایت عظیم او نسبت به ما که ایمان داریم، آگاه شوید. این قدرت، برخاسته از عمل نیروی مقتدر خداست که آن را در مسیح به کار گرفت، آن هنگام که او را از مردگان برخیزانید و در جایهای آسمانی، بر دست راست خود نشانید» (افسسیان ۱: ۱۹، ۲۰).

اینگونه بنظر می‌رسد که بشر همواره بدنبال دست یافتن به قدرت بیشتر است. برای مثال کارخانه ماشین سازی دِول موتور، اولین نمونه ۱۶ سیلندری خودروی خود را با ظرفیت ۱۲/۳ لیتری که بیش از ۵۰۰۰ اسب بخار قدرت داشت به نمایش گذاشت. یا کامیونت دیگری را بنام پتربیلت در نظر بگیرید که دارای سه موتور جت ساخت پرت و ویتنی است. این کامیونت با قدرتی بالغ بر ۳۶۰۰۰ اسب بخار، یک چهارم مایل را در مدت ۶/۵ ثانیه طی کرده و به سرعت ۳۷۶ مایل در ساعت می‌رسد قبل از اینکه دو چتر نجات برای کاهش سرعت و ترمز باز شود. در مقایسه، پولس دعا می‌کند که ایمانداران در افسس، که تحت وسوسه برای تحسین قدرت‌ها و خدایان گوناگون فرهنگ خود می‌باشند، از طریق روح القدس، قدرت شگرفی را تجربه کنند که خداوند در مسیح برای آنها مهیا می‌سازد. این قدرت الهی را نمی‌توان با اسب بخار یا جادو سنجید، بلکه در چهار رویداد تاریخ رستگاری و تغییر دهنده گیتی مشاهده شده است: (۱) قیام عیسی از مرگ؛ (۲) اعتلای او در بارگاه خدا؛ (۳) همه چیز تحت خدمت و اطاعت مسیح قرار می‌گیرد؛ (۴) مسیح به عنوان سر کلیسا به کلیسا داده می‌شود (افسسیان ۱: ۱۹-۲۳).

با در نظر گرفتن این چهار رویداد، ایمانداران به درک و تجربه ای از افق گسترده قدرتی نائل می‌آیند که خدا بکار می‌برد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۱۵ ژوئیه - ۲۴ تیر آمادگی داشته باشید.

دعا و شکرگزاری

پولس که با انگیزه گرفتن از خبری که ایمانداران در افسس در ایمان به عیسی و محبت نسبت به یکدیگر شکوفا شده اند (شاید اخباری که تیخیکوس به مشارکت گذاشته بود، افسسیان ۶: ۲۱، ۲۲)، به اطلاع آنان می‌رساند که چگونه برای آنها دعا می‌کند.

دو دعای گزارش شده در کتاب افسسیان توسط پولس را با هم مقایسه کنید، افسسیان ۱: ۱۵ - ۲۳ و افسسیان ۳: ۱۴ - ۲۱. این دو گزارش چه مضامینی را به اشتراک می‌گذارند.

گاهی اوقات لحن دعای کلیشه‌ای می‌تواند برای این چالش یا آن مشکل، کسل‌کننده و ملال‌آور باشد. دعاهای پولس در افسسیان نشان می‌دهد که شکرگزاری در عبادت مانند زبان مادری جاری می‌شود. ما همه برکات خدا را در نظر می‌گیریم و به خاطر آنها او را شکر می‌گوئیم. ما در پی این هستیم که حضور خدا را در شرایط سخت در محل کار خود احساس کنیم و او را به خاطر حضور متحول‌کننده‌اش در زندگی‌مان بستايم. با تجلیل از فیض و قدرت عیسی‌ای رفعت یافته (افسسیان ۱: ۲۰-۲۳)، از وی بخاطر برکت دادن به کسانی که تحت تاثیر [ایمان] ما قرار دارند سپاسگزاریم. در اینجا راز کلیدی متحول‌کننده پولس این است: دعا کلید درگاه حمد و شکرگزاری.

پولس همچنین گفت که «از شکرگزاری برای وجود شما باز نایستاده‌ام، بلکه پیوسته شما را در دعاهای خود یاد می‌کنم» (افسسیان ۱: ۱۶؛ همچنین فیلیپیان ۱: ۳ و ۴؛ اول تسالونیکیان ۱: ۲ و اول تسالونیکیان ۵: ۱۶ - ۱۸ را ببینید).

«باز نایستادن در دعا» (اول تسالونیکیان ۵: ۱۷) واقعا به چه معنی است؟ این تنها بدین معنی نیست که همیشه در حال زانو زدن در دعا در پیشگاه خدا باشیم. بلکه به روح خدا متبارک شویم و در مسیر زندگی با قلبهایی گشوده برای حضور و قدرت خدا گام برداشته و همیشه بهانه و علتی برای شکرگزاری از او داشته باشیم. این بدین معنی است که همیشه آماده ایم تا مسائل و مشکلات زندگی را به حضور خدا آورده تا در پستی و بلندی‌های زندگی از او مسئلت و مشورت جوئیم. یعنی اینکه از خدا دوری نکرده، بلکه با او در تعامل باشیم، زیرا در تعامل با اوست که دروازه هدایت الهی همواره برویمان گشوده می‌شود.

ما نیز اغلب، دعا را امری مطلوب و پسندیده می‌دانیم، که برای شاگردی مسیح بایستی در زمان مناسب انجام شود. پولس دیدگاه متفاوتی را به تصویر می‌کشد. پولس وظیفه دعا کردن برای ایمانداران افسس را امری جدی تلقی می‌کند و این کار را هم با شکرگزاری (افسسیان ۱: ۱۶؛ مقایسه افسسیان ۱: ۳-۱۴) و هم برای شفاعت برای آنها انجام می‌دهد (افسسیان ۱: ۲۵).

۱۷-۲۳)؛ را با افسسیان ۳: ۱۴-۲۱ مقایسه کنید). برای او، دعا یک وظیفه اساسی و محوری برای ایمان مسیحی است. این آیات یک فراخوانِ ترغیب کننده برای دعاست، فراخوانی برای هر یک از ما تا در راستای همان تعهدی که پولس داشت خدمتِ «بشارتِ دعا» خود را مورد توجه قرار دهیم.

چرا اهمیت دارد که همیشه در دعا از چیزهایی که باید شاکر آنها باشیم، خدا را شکر و سپاس گوئیم؟

تیر ۱۹

دوشنبه

تجربه بصیرت از روح القدس

«از شکرگزاری برای وجود شما باز نایستاده‌ام، بلکه پیوسته شما را در دعاهای خود یاد می‌کنم و از خدای خداوند ما عیسی مسیح، آن پدر پرجلال، می‌خواهم که روح حکمت و مکاشفه را در شناخت خود به شما عطا فرماید» (افسسیان ۱: ۱۶ و ۱۷). پولس در شرح دعا‌های خود، یک درخواست اساسی را در پیشگاه خدا قرار می‌دهد. او پیش از این اشاره کرده بود که روح القدس در زمان تحول ایمانداران به زندگی آنها وارد شده است (افسسیان ۱: ۱۳، ۱۴). اینک، پولس برای یافتن برکتی تازه از روح، دعا می‌کند تا بینش روحانی مورد نیاز را برای درک عمیق عیسی «در شناخت او» ارائه نماید (افسسیان ۱: ۱۷).

پولس دعا می‌کند که روح القدس بینش خاصی را در مورد کدام سه موضوع برای ایمانداران به ارمغان بیاورد؟ افسسیان ۱: ۱۷ - ۱۹.

وقتی که پولس برای بصیرت یافتن آنان برای «امیدی که خدا شما را بدان فراخوانده است» (افسسیان ۱: ۱۸)، دعا می‌کند که آنان نسبت به اقداماتی که خداوند برای نجات آنان در گذشته انجام داده است (افسسیان ۱: ۳ - ۹ و ۱۱ - ۱۳) و برای آینده باشکوهی که او برای آنان برنامه ریزی کرده است (افسسیان ۱: ۱۰ و ۱۴)، هشیار باشند هنگامی که او برای یافتن بصیرت برای شناخت «میراث غنی و پرجلال او در مقدّسان» (افسسیان ۱: ۱۸) دعا می‌کند، او ایده ایمانداران عهد عتیق را در خصوص میراث خدا خاطر نشان می‌سازد (تثنیه ۹: ۲۹؛ تثنیه ۳۲: ۹؛ زکریا ۲: ۱۲ را با افسسیان ۱: ۱۱ مقایسه کنید). او مشتاق است تا آنان بدانند که آنان نه تنها دارای ارثی از خدا هستند بلکه آنان وارثان خدا هستند و پولس از آنان می‌خواهد تا ارزشی را که نزد خدا دارند درک کنند. وقتی که پولس برای بصیرت و شناخت روحانی درباره «قدرت بی‌نهایت عظیم او نسبت به

ما که ایمان داریم» (افسیان ۱: ۱۹) دعا می کند، او تصور می کند که روح القدس بطور بالقوه درک تازه ای از عظمت قدرت خدا می آورد و آن را در تجربه آنان بالفعل می کند. در تمامی این دعاها، پولس از این مردم می خواهد تا خودشان آنچه که در عیسی به آنها ارزانی شده است را تجربه کنند.

چطور می توانیم «قدرت بی نهایت عظیم او نسبت به ما که ایمان داریم» را بهتر تجربه کنیم؟ این مطلب در زندگی روزمره به چه معنی است؟

۲۰ تیر

سه شنبه

مشارکت در قدرتِ قیام

در آیات باقی مانده از گزارش دعای پولس، افسسیان ۱: ۲۰-۲۳، پولس در مورد سومین عنوان بینش و شناخت، فراتر رفته و آنرا بسط می دهد و امیدوار است که روح القدس برای ایمانداران به ارمغان آورد: عظمت قدرت خدا، که او بخاطر آنها بکار می برد. او با اشاره به دو رویداد تاریخ رستگاری به عنوان نمونه های برتر قدرت خدا شروع می کند: (۱) رستاخیز عیسی از مردگان. (۲) اعتلای عیسی به تخت پادشاهی عرش (افسیان ۱: ۲۰).

قدرت خدا از طریق قیام عیسی از مرگ چگونه بیان شده است؟ افسسیان ۱: ۲۰؛ اول قرننتیان ۱۵: ۲۰ - ۲۲؛ فیلیپیان ۳: ۸ - ۱۱؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰ و ۲۱؛ اول پطرس ۱: ۳.

قیام عیسی عقیده ای غیر قابل بحث در اعتقادات مسیحی می باشد (اول قرننتیان ۱۵: ۱۴ و ۱۷). این بخاطر مسیح قیام کرده است که ایمانداران وفادار در انتظار رستاخیز بزرگ در آینده برای زندگی ابدی در زمان بازگشت مسیح می باشند (اول قرننتیان ۱۵: ۲۰ - ۲۳). این بخاطر مسیح قیام کرده است که امروز برای تمامی برکات انجیل، از جمله حضور روح القدس در زندگیمان نگاه ما به اوست.

این اصطلاح که خدا «او [مسیح] را در دست راست خود نشانده است» از مزمو ۱۱۰: ۱ برگرفته شده است، آیه ای که بیشترین اقتباس و استناد را از عهد جدید داشته است (تمامی آیاتی که استناد گردیده بنظر از آن برگرفته شده است). تعالی مسیح در افسسیان از جایگاه والایی برخوردار است. ایمانداران «با او [عیسی مسیح] در جایهای آسمانی نشسته اند» (افسیان ۲: ۶). علاوه بر

این، پولس به معراج مسیح به عنوان پیش مقدمه ای برای محقق ساختن همه چیز و ارزانی داشتن عطایا به کلیسای وی اشاره می کند (افسسیان ۴: ۸-۱۱ را ببینید).

پولس در افسسیان ۴: ۸-۱۱ به ما هشدار می دهد که از در نظر گرفتن یک تصویر صرفی از مسیح که بر تخت پدر می باشد اجتناب کنیم، بلکه «تصویر پویایی را از مسیح رفعت یافته ببینیم که توسط روح خود در تمام جهان پیش می رود، فتح می کند و پیروز می شود» - مرجع زیر: — F. F. Bruce, *The Epistles to the Colossians, to Philemon, and to the Ephesians* (Grand Rapids, MI: Eerdmans, 1984), p. 133.

از اینرو پولس، تعالی/تخت نشینی مسیح را صرفاً به عنوان نمونه ای از قدرت الهی ارائه شده به ایمانداران نمی بیند، بلکه آنرا به عنوان سرچشمه آن قدرت به تصویر می کشد.

به چه طریقهایی به قدرت مسیح در زندگی خود نیاز دارید و چگونه می توانیم خودمان را در معرض آن قدرت قرار دهیم؟ چه کارهایی ممکن است مانع از دسترسی به قدرت او بشود؟

تیر ۲۱

چهارشنبه

مسیح، فرای تمامیه قدرتها

پولس از رفعت یافتن عیسی که اینک با پدر در عرش ملکوت نشسته است تجلیل می کند. پولس با تعریف از جایگاه مسیح در رابطه با پدر «که در دست راست او در جایهای آسمانی نشسته است» (افسسیان ۱: ۲۰)، به رابطه عیسی با «قدرتها» باز می گردد. عیسی که همسو با پدر است «بسیار فراتر» از همه آنهاست. (افسسیان ۱: ۲۱).

اشاره پولس درباره اهریمن یا قدرتهای ارواح در افسسیان ۱: ۲۱ افسسیان ۲: ۲ و افسسیان ۶: ۱۲ را باهم مقایسه کنید. به نظر شما، چرا پولس اینقدر با دقت به این نیروها توجه می کند؟

اعمال رسولان ۱۹: ۱۱-۲۰، با داستان هفت پسر اسکیوا، نشان می دهد که افسس در زمان پولس، کانون ساحران و جادوگری بود. «ویژگی اصلی سحر و جادو در سراسر جهان هلنیستی، آگاهی از دنیای ارواح بود که تقریباً بر هر جنبه ای از زندگی تأثیر می گذاشت. هدف جادوگر تمایز و تشخیص بین ارواح مددبران از ارواح مضر بود و نیز آموختن شیوه های مشخص برای شناخت اینکه ارواح از چه قدرتی برخوردارند و اقتدار نسبی آنان چقدر است. از طریق این

دانش می شد ابزارهایی ساخت (با فرمول های گفتاری یا نوشتاری، طلسم ها و غیره) برای اعمال نفوذ بر ارواح در راستای منافع فرد. با فرمول مناسب، می توان بیماری ناشی از روح را درمان کرد، [یا] در مسابقه ارابه رانی پیروز شد.» - مرجع زیر:

—Clinton E. Arnold, *Power and Magic: The Concept of Power in Ephesians*, p. 18.

علاقه به نامگذاری خدایان و قدرتها در طلسم ها یکی از ویژگی های زندگی مذهبی در افسس و حتی امروزه است (اعمال رسولان ۱۹: ۱۳ را ببینید). پولس می خواهد رابطه بین مسیح و «قدرت ها» را روشن کند: عیسی رفعت یافته «بسا فراتر از هر ریاست و قدرت و نیرو و حاکمیت» بود (افسیسیان ۱: ۲۱).

او فقط برای اطمینان از اینکه مخاطبش می فهمد که هیچ قدرتی خارج از حاکمیت عیسی وجود ندارد، با کنایه به عمل نام بردن از مجموع خدایان در طلسم ها می افزاید: «فراتر از هر نامی که چه در این عصر و چه در عصر آینده ممکن است از آن کسی شود» (افسیسیان ۱: ۲۱) پولس با چرخش از بُعد مکانی به بُعد زمانی، بر تاریخ شمولی نامحدود حاکمیت رفعت یافته عیسی تأکید می ورزد. فرمانروایی او بر تمام قدرتها «چه در این عصر و چه در عصر آینده» را شامل می شود (افسیسیان ۱: ۲۱).

برخی از مظاهر امروزی همین نیروهای اهریمنی چیست، و چگونه می توانیم اطمینان یابیم که در دام هیچ یک از آنها گرفتار نشویم؟

۲۲ تیر

پنجشنبه

عیسی، همه چیز، و کلیسایش

مسیحیان اولیه در مزمور ۱۱۰: ۱ نبوتی از تعالی یافتن عیسی را دیده بودند: «خداوند به خداوندگار من گفت: به دست راست من بنشین تا آنگاه که دشمنانت را کرسی زیر پایت سازم». آنها مزمور ۸ را هم به همین طریق خواندند، با این تأیید که «همه چیز را زیر پاهایش نهادی» (مزمور ۸: ۶)، [در زیر] پاهای «پسر انسان» (مزمور ۸: ۴). در حالی که آنها باور کرده بودند که قدرتهای تاریکی در جایهای آسمانی بالای سرشان هستند و آنها را تهدید کرده اند که مقهور خود سازند، اما به این حقیقت دست یافتند که این قدرتها در زیر پای مسیح است. توجه داشته باشید که پدر با «قرار دادن همه چیز زیر پای او [عیسی]»، مقرر فرمود که او برای کلیسا سر همه چیز باشد» (افسیسیان ۱: ۲۲). (می توانید ترجمه های مختلف این آیه را مقایسه کنید).

در حالی که «همه چیز» یک اصطلاح جهانی و فراگیر است، پولس همچنان «قدرتها» ذکر شده در افسسیان ۱: ۲۱ را در ذهن خود دارد. همه چیز - از جمله قدرت های کائنات، ماوراء طبیعی و روحی - زیر پای مسیح و مطیع او هستند.

اعتلای مسیح به عرش ملکوت، و حکومت او بر همه چیز در آسمان و زمین چه فایده ای برای کلیسای او دارد؟ افسسیان ۱: ۲۲ و ۲۳.

خدا مسیح را بر تمام قدرت های اهریمنی پیروز ساخته است. کلیسا که در راستای مسیح تعریف و شناخته می شود و تمام نیازهایش توسط او تأمین می شود، خود پیروزی تضمین شده ای بر آن دشمنان است. قدرت خدا که در رستاخیز و تعالی و برتری او بر هر قدرت عرشی به نمایش گذاشته شده است، در کلیسا فعال شده است. خدا مسیح ظفر یافته را به کلیسا داده است، کلیسایی که چنان با او متحد شده است که بدن او خوانده می شود. چگونه ما ایمانداران می توانیم مسیح متعال را بشناسیم و قدرت خدا را در زندگی خود تجربه کنیم؟ پولس به طور مستقیم به هیچ مکانیسم یا راهبردی که توسط آن این اتفاق می افتد اشاره نمی کند. با این حال، این واقعیت که این آیه بخشی از «شرح دعا» است، قابل تأمل است. پولس معتقد است که خداوند دعای او را اجابت خواهد کرد. او تأثیر تجلیل قدرت خدا را که در مسیح مکشوف شده است، در حضور خود خدا تأیید می کند و از آن درخواست می کند که در زندگی ایمانداران فعال باشد.

تجربه خودتان از قدرت دعا چه بوده است؟ یعنی نه فقط اجابت دعا، بلکه دعا به طور کلی، و چگونه دعا ما را به خدا و قدرتی که در عیسی به ما داده شده نزدیک تر می کند؟

تیر ۲۳

جمعه

اندیشه ای فراتر: دو شرح زیر را از اعتلای مسیح را از نوشته های الن جی وایت بخوانید:

«زمانی که مسیح از دروازه های آسمانی گذشت، او در میان ستایش فرشتگان بر تخت سلطنت نشست. به محض اینکه این مراسم خاتمه یافت، روح القدس با شکوه تمام بر سر شاگردان نازل شد و مسیح برآستی جلال یافت متناسب با جلالی که او همراه پدر از ازل داشت. اعطای روح القدس در پنتیکاست (عید پنجاهه) ابلاغیه آسمان بود مبنی بر اینکه انتصاب نجات دهنده کامل شد. مطابق با وعده اش او روح القدس را از آسمان برای پیروانش فرستاده بود مانند نشانی که بعنوان کاهن و پادشاه همه اختیارات در آسمان و بر روی زمین را دریافت نمود و یگانه برگزیده و مسح شده برای قومش شد» (صفحات ۳۸ و ۳۹).

«بازوان پدر، پسرش را در بر گرفت و کلامی داده شد، «همه فرشتگان خدا او را بپرستند» (عبرانیان ۱: ۶).

با شادی غیرقابل وصفی، حاکمان و ریاست‌ها و قدرت‌ها برتری سرور حیات را تصدیق می‌کنند. سپاه فرشتگان در برابر او سجده می‌کنند، در حالی که فریاد شادی همه صحن‌های آسمان را پر می‌کند: «آن برهٔ ذبح شده سزاوار قدرت و ثروت و حکمت و توانایی است، و سزاوار حرمت و جلال و ستایش» (مکاشفه ۵: ۱۲).

سرودهای پیروزی با موسیقی چنگ‌های فرشتگان در هم آمیخته شده بود، تا جایی که به نظر می‌رسد ملکوت سرشار از شادی و ستایش است. محبت پیروز شده است. گمشده پیدا شده است. در آسمان صداهای بلند می‌پیچد و ندا می‌دهد: «ستایش و حرمت، و جلال و قدرت، تا ابد از آن تخت‌نشین و بره باد» (مکاشفه ۵: ۱۳). آرزوی اعصار، صفحات ۸۳۴ و ۸۳۵.

سوالاتی برای بحث:

۱. به «اکنون» و «هنوز نه» در تعالی مسیح بیندیشید. با چه مفهومی عیسی در حال حاضر خداوند «همه چیز» است، با نیروهای اهریمنی مطیع او - یعنی «اکنون»؟ و به چه معنا سلطنت کامل او بر همه چیز منوط به آینده است «هنوز نه»؟ (اول قرنتیان ۱۵: ۲۴ - ۲۵ را ببینید).

۲. تا چه اندازه در پرتو مسیح که بر همه چیز حاکم است زندگی می‌کنید؟ یا تا چه حد تحت اقتدار این قدرت‌های دیگر سقوط کرده زندگی می‌کنید، که به هر حال اقتدارشان رو به زوال است؟ چگونه آنها را از هم تشخیص می‌دهید، و چگونه می‌توانید از نیروهای اهریمنی، گرچه قطعا شکست خورده اند، ولی هنوز در جهان ما هستند، دوری کنید؟

سه کتاب، یک پاسخ

نوشته‌ی جان برادشاو

در کودکی‌ام سوالات زیادی داشتم که نمی‌توانستم پاسخی برای آنها پیدا کنم. چرا باید نزد یک کشیش به گناهام اعتراف کنم؟ چرا باید در پیشگاه مقدسین دعا کنم درحالی‌که یقیناً عیسی دعای مرا می‌شنود؟ آیا خداوند، مردم را برای همیشه در جهنم می‌سوزاند؟

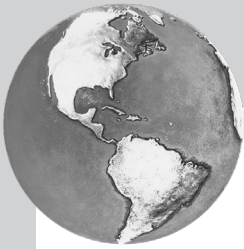
از رفتن به کلیسا لذت می‌بردم و خوشحال بودم که به عیسی ایمان دارم اما شرکت کردن در کلیسا، پاسخ سوالاتم را نداد. به کلیساهای زیادی رفتم. همه آنها ادعا می‌کردند که به عیسی ایمان دارند اما هیچ کدام نتوانستند جواب سوالاتم را بدهند.

وقتی ۱۶ ساله بودم، برادر بزرگ‌ترم کتابی به من داد. او به کلیسای دیگری ملحق شده بود که کارهای عجیبی می‌کردند - کلیسا در روز شنبه؟- اما این تفاوت آشکارا برای او خوب بود. او خوشحال بود و همین باعث شد تا فکر کنم این کتاب ارزش خواندن دارد. او گفته بود کتاب درباره تاریخ و نبوت است با این حال از مقدمه فراتر نرفتم.

چندین سال بعد، او از من پرسید کتاب را خواندم یا نه و وقتی گفتم نخوانده‌ام، او نسخه دیگری از کتاب را به من داد. به او اطمینان دادم که این یکی را خواهم خواند. این بار از صفحه اول شروع کردم و قسمت اعظمی از صفحه یک را خواندم. کتاب را کنار گذاشتم تا بعداً بخوانم اما هرگز به سراغش نیامدم.

سالهای زیادی سپری شد. من کشورم نیوزلند را ترک کردم و در انگلستان زندگی می‌کردم. در سفری به ایرلند، درحالی‌که از یافتن رابطه معناداری با خداوند ناامید شده بودم، به کلیسا رفتم اما با ترک کردن کلیسا به خداوند گفتم: «تا زمانی که حقیقت را به من نشان ندهی، دیگر هرگز به کلیسا نخواهم رفت.»

وقتی به لندن بازگشتم، یک بسته پستی داشتم. پیشتر از برادرم پرسیده بودم که آیا می‌داند کجا می‌توانم کتابی که دوبار به من داده بود را پیدا کنم یا خیر؟ چرا که کتاب فروشی‌های زیادی را به دنبالش گشته بودم اما آن را پیدا نکردم. و در این بسته پستی، سومین نسخه از همین کتابی بود که قرار بود زندگی من را تغییر



دهد، کتاب «نبرد عظیم». اینبار از اواسط کتاب شروع به خواندن کردم و زمانی که به پایان رسید، به ابتدای کتاب رفتم تا باقی‌اش را نیز بخوانم. من در این کتاب با قدرت کلام خداوند مواجه شدم که نه تنها پیشگویی‌های عمیق کتاب مقدس را توضیح داده بود بلکه مرا با عیسی با پیوند داده بود. تماسی که با اپراتور گرفتم، من را به کلیسایی در لندن وصل کرد و این ترتیب قدم زدن من با عیسی بطور جدی آغاز شد.

من هنوز هم «نبرد عظیم» را می‌خوانم چون دریافته‌ام که همچنان برکات و بینش‌های جدیدی از طرح نجات خداوند پیدا می‌کنم. جدا از کتاب مقدس، هیچ کتاب دیگری چنین تاثیر بزرگی در زندگی من نداشته است.

در سالهای ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ جهت تبلیغ و توزیع گسترده کتاب «نبرد عظیم» به کلیسای جهانی بپیوندید. جهت اطلاعات بیشتر، از شبان خود سوال کنید و یا از سایت زیر دیدن کنید.

greatcontroversyproject.com

جان برادشاو سخنران و کارگردان برنامه «این نوشته شده است»* در شبکه تلویزیونی «بشارت ادونتیست» می‌باشد.

*It Is Written

خدا چگونه ما را نجات می بخشد



بعد از ظهر سبت

برای مطالعه این هفته بخوانید: افسسیان ۲: ۱ - ۱۰؛ افسسیان ۵: ۱۴؛ رومیان ۵: ۱۷؛ افسسیان ۵: ۶؛ دوم تیموتائوس ۱: ۷.

آیه حفظی: «اما خدایی که در رحمانیت دولتمند است، به خاطر محبت عظیم خود به ماحتی زمانی که در نافرمانیهای خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده کرد - پس، از راه فیض نجات یافته‌اید» (افسسیان ۲: ۴ و ۵).

در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۶۶ جسیکا مک کلر ۱۸ ماهه در حال بازی در حیاط خانه خاله اش بود که به درون یک چاه خالی ۷ متری افتاد. وضعیت رقت انگیز او، رسانه ها را از سراسر جهان به میدلند، تگزاس کشاند. تماشاگران جهانی، «جسیکا کوچولو» را تماشا کردند که در حال خواب، گریه، آواز خواندن و صدا زدن مادرش بود. آنها شاهد بودند که کارکنان اورژانس چگونه هوای تازه را به داخل چاه می رسانند.

سرانجام پس از ۵۸ ساعت تلاش و دلهره، تماشاگران در سراسر جهان، جسیکا را دیدند که از دهانه چاهی که او را برای دو روز حبس کرده بود بیرون آمد. عکس برنده جایزه پولیتزر عکاس اسکات شاو این لحظه را ثبت کرد: یک کابل نجات چهره های نگران نجات دهندگان جسیکا را به دو نیم می کند که به بسته بانداژ شده در قلب دراما نگاه می کنند: جسیکا کوچولو. هیچ چیز به اندازه یک داستان نجات خوب جذاب نیست، و پولس، در افسسیان ۲: ۱-۱۰، نمای نزدیک و شخصی از عظیم ترین و گسترده ترین مأموریت نجات تمام دوران را به ما ارائه می دهد - تلاش های خدا برای نجات نوع بشر. ... داستان دراماتیک با دانستن اینکه ما صرفاً تماشاگر نجات دیگران نیستیم، بلکه در حال دیدن نجات خودمان هستیم، به اوج می رسد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۲۲ ژوئیه - ۳۱ تیر آمادگی داشته باشید.

زمانی توسط شیطان فریب خورده و مرده بودیم

افسیان ۲: ۱ - ۱۰ را بخوانید. ایده اصلی پولس در اینجا درباره آنچه که عیسی برای ما انجام داده چیست؟

پولس پیش از این رستگاری اعطا شده به مسیحیان را شرح داده بود (افسیان ۱: ۳ - ۱۴، ۱۵ - ۲۳) و بطور خلاصه داستان ایمانداران در افسسیان را گفته بود (افسیان ۱: ۱۳). حال پولس در افسسیان ۲: ۱ - ۱۰ داستان مسیحی شدن آنان را با جزئیات و تمرکز شخصی بیشتری می گوید. او گذشته گناه آلود (افسیان ۲: ۱ - ۳) آنان را با برکات رستگاری خدا مقایسه می کند که به عنوان شریک قیام، معراج و تعالی یافتن مسیح به تصویر می کشد (افسیان ۲: ۴ - ۷) و اساس آن رستگاری در فیض و کار خلاق خدا را تجلیل می کند (افسیان ۲: ۸ - ۱۰). این سه بخش از آیه در عبارات افسسیان ۲: ۵ بترتیب خلاصه شده است: (۱) «در نافرمانیهای خود مرده بودیم»؛ (۲) «[خدا] ما را با مسیح زنده کرد»؛ (۳) «از راه فیض نجات یافته ایم».

پولس در افسسیان ۲: ۱ و ۲ بر این واقعیت اندوهبار اشاره می کند که مخاطبین از پیش متحول شده او از نظر روحانی مرده بوده اند، نافرمانی و گناهکاری را بعنوان الگوی منظم زندگی خود ممارست کرده (افسیان ۲: ۱) و تحت سلطه شیطان بوده اند (افسیان ۲: ۲). از آنجا که پولس برای افرادی می نویسد که زندگی می کنند، او بطور تمثیلی اشاره می کند که زمانی (مرده) بوده اند (با افسسیان ۵: ۱۴ مقایسه کنید). با این وجود وضع اسفبار آنان واقعی و وخیم بود زیرا که زمانی از خدایی جدا شده بودند که مرجع حیات بود (با کولسیان ۲: ۱۳ و رومیان ۵: ۱۷ و رومیان ۶: ۲۳ مقایسه کنید).

پولس با تعمق در زندگی گذشته مخاطبین خود دو نیروی خارجی را که بر آنان غالب شده بود شناسایی می کند. اولین آنها «روشهای این دنیا» بود (افسیان ۲: ۲)، رسوم و رفتار آبر جامعه افسس که زندگی آنان را به شورش بر ضد خدا تغییر داده بود.

پولس شیطان را به دو طریق به عنوان دومین نیروی خارجی شرح داده است که پیش از اینکه وجود داشته باشند سلطه داشت. او «رئیس قوت هوا بود» (افسیان ۲: ۲) از آنجا که آسمان (یا جایهای آسمانی) به عنوان جایگاه قدرتهای فراطبیعی از جمله نیروهای اهریمنی است (با افسسیان ۱: ۳، افسسیان ۳: ۱۰، افسسیان ۶: ۱۲ مقایسه کنید). همچنین او بر روی زمین فعال است زیرا «او همان روحی [است] که هم‌اکنون در سرکشان عمل می‌کند» (افسیان ۲: ۲).

این آیات در مورد واقعیت نبرد بزرگ چه تعلیم می دهند؟ با این وصف، چگونه می توانیم با آگاهی از اینکه عیسی به پیروزی دست یافته است و اینکه می توانیم در پیروزی او سهیم باشیم، تسکین و امید یابیم؟

دوشنبه

۲۶ تیر

زمانی بواسطه امیالمان گمراه شده بودیم

«ما نیز جملگی زمانی در میان ایشان می زیستیم، و از هوای نفس خود پیروی می کردیم و خواسته ها و افکار آن را به جا می آوردیم؛ ما نیز همچون دیگران، بنا به طبیعت خود محکوم به غضب خدا بودیم» (افسیان ۲: ۳).

جدا از مداخله خدا، وجود بشر نه تنها تحت تسلط نیروهای خارجی اشاره شده در افسسیان ۲: ۲ می باشد، بلکه تحت تاثیر نیروهای داخلی نیز قرار دارد: «از هوای نفس خود پیروی می کردیم و خواسته ها و افکار آن را به جا می آوردیم» (افسیان ۲: ۳ را با یعقوب ۱: ۱۴ و ۱۵؛ اول پطرس ۱: ۱۴ مقایسه کنید).

منظور پولس با بیان این مطلب به مخاطبینش که زمانی «طبعاً فرزندان غضب بودیم، چنانکه دیگران» بودند (افسیان ۲: ۳؛ ترجمه قدیم)، چیست؟ افسسیان ۲: ۳ را با افسسیان ۵: ۶ مقایسه کنید.

واقعیت فعلی یک زندگی از دست رفته به اندازه کافی اضطراب آور است، اما پیامدهای روز آخر بیشتر دلهره آور است. انسانها که «طبعاً فرزندان غضب [هستند]، [همچون] دیگران [می باشند]»، (افسیان ۲: ۳ - ترجمه قدیم) در خطر محکومیت داوری خدا در آخرالزمان قرار دارند.

عبارت «طبعاً فرزندان غضب می باشند» اشاره به واقعیت مضطرب کننده دیگری نیز دارد. در حینی که همچنان حامل تصویر خدا هستیم به این درک رسیده ایم که ایرادی بزرگ در ما وجود دارد. مسیحی زندگی کردن تنها موضوع غلبه یافتن بر یکی دو مورد از عاداتهای بد یا «نافرمانیها و گناهان» (افسیان ۲: ۱) نیست که تهدید کننده می باشند. ما فقط با خطایا و تقصیرات مبارزه می کنیم بلکه با گناه در نبرد هستیم. ما به طغیانگری بر علیه خدا و خودویرانگری تمایل و گرایش داریم. انسانها بالذاته در الگوی خودویرانگری رفتار گناه آلود، پیروی از فرمان شیطان (افسیان ۲: ۲) و خواهشهای نفسانی (افسیان ۲: ۳) گیر افتاده اند. ایمانداران زمانی «طبعاً فرزندان غضب بوده اند».

توجه به این نکته ضروری است که پولس فعل زمان گذشته را بکار می برد - ما «طبعاً فرزندان غضب بوده ایم» (افسیان ۲: ۳). این بدان معنا نیست که تمایل ذاتی به سوی شر دیگر برای ایمانداران واقعیت ندارد. پولس روی بخش قابل توجهی از نامه خود، افسسیان ۴: ۱۷ - ۵: ۲۱ زمان می گذارد و نسبت به اعمال گناه آلود هشدار می دهد که ریشه در ذات گناهکار دارد که همچنان تهدیدی بالقوه برای مسیحیان است. منظور اینکه، گرچه این نفس [انسانیت] کهنه، بیش از این نباید بر ایماندار غالب باشد، زیرا جامعه انسانیت کهنه می تواند از طریق قدرت مسیح بیرون آورده شده و جامعه «انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده شده است بپوشید» (افسیان ۴: ۲۲ - ۲۴).

چه کسی حتی پس از اینکه خود را به عیسی سپرده باشد، تجربه نکرده است که ذات او چقدر فاسد است؟ این مطلب می تواند چیزی به ما بیاموزد که چقدر مهم است که در هر لحظه از زندگی خود به او توسل و تمسک کنیم؟

۲۷ تیر

سه شنبه

اینک با مسیح قیام کرده، قیام کرده و تعالی یافته ایم

«لیکن خدا که در رحمانیت، دولتمند است، از حیثیت محبت عظیم خود که با ما نمود» (افسیان ۲: ۴). در اینجا پولس با دو کلمه قدرتمند «لیکن خدا» از تصویر غمزده زندگی گذشته مخاطبین خود (افسیان ۲: ۱ - ۳) به تصویری از واقعیت‌های سرشار از امید باز می گردد که نشان از زندگی ایمانی آنان دارد (افسیان ۲: ۴ - ۱۰).

سهیم شدن ایمانداران در قیام، عروج و تعالی یافتن مسیح به چه معناست؟ این سهیم شدن چه زمانی اتفاق می افتد؟ افسسیان ۲: ۶ و ۷.

تشخیص دادیم که رساله افسسیان معطر به عطر مسیح است که اتحاد و همبستگی ایمانداران با مسیح را برجسته می کند. پولس در افسسیان ۲: ۵ و ۶ این مضمون را با بکار بردن سه فعل ترکیبی بکار میبرد تا حقیقت شگفت انگیزی را بر ملا کند که، گرچه ابتکار عمل بدست خدا بوده است، با این حال، ایمانداران نیز خودشان در رویدادهای تاریخ رستگاری شرکت جسته اند که بر مسیح موعود، یعنی عیسی متمرکز بوده است.

ایمانداران: (۱) با مسیح زنده شده؛ (۲) با مسیح قیام کرده (که پولس احتمالاً برای اشاره به این موضوع آنرا بکار برده که ایمانداران در عروج مسیح به آسمان مشارکت داشته اند)؛ (۳) با

مسیح در مکانهای آسمانی اسکان داده شده اند که به این معنی است که ایمانداران در تخت نشینی کهکشانی با مسیح مشارکت داشته اند. آنان با مسیح رفعت یافته اند.

برای قدردانی از قدرت استدلال پولس، بایستی به افسسیان ۱: ۱۹ - ۲۳ بازگردیم و بیاد آوریم که مرگ مسیح، قیام، عروج و تعالی یافتن او، پیروزی را بر اهریمن و تمامی قوای ارواح، همانهایی که زمانی بر زندگی ایمانداران غالب بودند حاصل نمود. در قیام، عروج، و تعالی یافتن عیسی، این قدرتها - گرچه همچنان فعال هستند و برای هستی بشر تهدید کننده می باشند - کاملاً منکوب شده اند. تغییر در کائنات و عرش بوجود آمده است. واقعیت تغییر کرده است. ایمانداران صرفاً نظاره کنندگان این وقایع نیستند بلکه بطور شخصی و از نزدیک در آن دخیل می باشند. اینک هم قیام، هم عروج و هم تعالی ما با عیسی مجموعه جدیدی از امکانات را برای ما می گشاید. ما حق داریم تا به تسلط اهریمنی پایان داده و به پُری زندگی روحانی و قدرت در مسیح روی آوریم (دوم تیموتائوس ۱: ۷).

«زیرا روحی که خدا به ما بخشیده، نه روح ترس، بلکه روح قوّت و محبت و انضباط است»
(دوم تیموتائوس ۱: ۷). این آیاتی که امروز به آنها نگاه کردیم به ما در درک آنچه که پولس در اینجا می نویسد چه کمکی می کند؟

تیر ۲۸

چهارشنبه

حال بواسطه فیض برای همیشه برکت یافته ایم

برنامه ریزی خدا برای نجات و رستگاری را در افسسیان ۱: ۳، ۴ با نتایج ابدی آن برنامه که در افسسیان ۲: ۷ تشریح شده است مقایسه کنید. عناصر و اهداف اساسی خدا در برنامه رستگاری چه هستند؟

مراسم فارغ التحصیلی یکی از مراسم با شکوه است، خواه برای مهدکودک یا برای درجه دکترا باشد. جشن به پایان رساندن تحصیلات نشان دهنده موفقیت در یک دستاورد مهم می باشد، حرکت به مرحله ای متفاوت از زندگی یا شغل می باشد.

برای ما ایمانداران، درک حقیقت ژرف انجیل حائز اهمیت است: ما هرگز از فیض فارغ نمی شویم. هرگز جشنی وجود ندارد که در آن ما دکترای خود را در فیض گرفته باشیم. یا از نیاز به فیض فارغ شده باشیم.

پولس این حقیقت را در افسسیان ۲: ۷ تأیید می کند و با تعمیم دادن گاهشمار تاریخی بر آن تأکید می ورزد. خداوند در گذشته از طریق مسیح برای رهایی ما اقدام نموده است تا به ما

با نام پسرش عیسی مسیح هویت ببخشد که در حال حاضر هم شریک با قیام، عروج و تعالی او هستیم (افسیسیان ۲: ۴ - ۶). گرچه برنامه خدا با گذشته ای از فیض مالمال و غرق رحمت در زمان حاضر خاتمه می یابد. برنامه خدا که در شورای الهی پیش از آفرینش جهان ریشه دارد (افسیسیان ۱: ۴) برای همیشه در آینده امتداد می یابد.

همه اینها شامل «عصر آینده» می شود (افسیسیان ۲: ۷). برنامه او برای آینده ابدی بر همان اصلی پابرجاست که اقدامات او در گذشته و زمان حال پایه دارد یعنی اصل فیض. در «عصر آینده» خدا چشم انتظار است تا «فیض غنی و بی مانند خود را در مسیح عیسی، به واسطهٔ مهربانی خود نسبت به ما نشان دهد» (افسیسیان ۲: ۷).

پولس به فیض خدا به عنوان گنجینه یا ثروتی با ارزش غیر قابل درکی می اندیشد (افسیسیان ۱: ۷ و افسیسیان ۳: ۸ را مقایسه کنید) که موجب آن ایمانداران بتوانند نیازهای خود را مرتفع سازند. این سخاوتمندی بزرگ خدا نسبت به ما به نمایشی شیوا، نامحدود و عرشی از فیض او مبدل می شود.

«عیسی با آمدن و ساکن شدن در میان ما قصد داشت تا خدا و فرشتگان را به ما آشکار کند... اما این مکاشفه فقط برای فرزندان زمینی خداوند ارزانی نشده بود. دنیای کوچک ما درسی از کتاب کائنات است. هدف از روی فیض شگفت انگیز خداوند و راز رهایی بخش محبانه او موضوع مورد علاقه فرشتگان بوده و در طی اعصار بی پایان از سوی ایشان مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. هم نجات یافتگان و نیز فرشتگام عاری از گناه، دانش و نغمه های خویش را در صلیب مسیح خواهند یافت. مشاهده خواهد شد که نور جلال تابیده شده در سیمای عیسی نور محبتی است که با فرا کردن خویش متجلی شده است» (الن جی وایت، آرزوی اعصار، صفحات ۱۹ و ۲۰).

۲۹ تیر

پنجشنبه

حال توسط خدا نجات یافته ایم

افسیسیان ۲: ۱ - ۱۰ را مرور کنید و بر سخن پایانی پولس در آیات ۸ - ۱۰ تمرکز کنید. او برای اختتام آیه چه نکاتی را برجسته می سازد؟

در افسیسیان ۲: ۱-۳، پولس می نویسد که نجات ایمانداران در افسس به دلیل رفتار خوب یا ویژگی های خردمندانه آنها نیست. وقتی داستان شروع می شود، آنها از نظر روحی مرده اند. هیچ بارقه ای از زندگی یا ارزشی در آنها وجود ندارد (افسیسیان ۲: ۱). آنها به طور کامل مغلوب گناه شده اند (افسیسیان ۲: ۱). آنها هیچ حرکت شخصی از خود نشان نمی دهند، بلکه توسط خود شیطان و با امیال پست و توهمات ذهنی خود هدایت می شوند. آنچه که آنان می دانند این است که آنها در وضعیتی بسیار اسفبارتر از این هستند که صرفاً

بدون زندگی روحانی یا فضیلت باشند. آنها در همراهی با تمامی بشر دشمنان خدای حقیقی هستند و به سوی روز سرنوشت ساز و قضاوت الهی در حرکتند. آنها «فرزندان غضب، مانند دیگران» می باشند (افسیسیان ۲: ۳).

رستگاری آنها در عوض اینکه ریشه در محبت غیر قابل وصف خدا داشته باشد بر خصایل خودشان ریشه دوانده است - محبتی که هیچ معیار و ارزشی نمی تواند هدف آنرا توصیف کند.

خداوند در رحمت و محبت خویش برای آنان در مسیح عیسی عمل می کند (افسیسیان ۲: ۴) و آنان را از مرگ روحانی قیام می دهد. بخاطر مداخله و شفاعت خدا آنان سفری شگفت انگیز را تجربه کرده اند که مسیر خود عیسی را دنبال می کند. از اعماق مرگ مطلق روحانی و اسارت مطلق، آنها قیام می کنند و به «جایهای آسمانی» منتقل می شوند و با مسیح بر تخت عرش جلوس می کنند (افسیسیان ۲: ۵، ۶). اگرچه این مداخله، پدیده‌ی آبی برق آسای الهی نیست. قدرت ماندگار واقعی، برای ابد پا برجاست، زیرا خدا قصد دارد فیض خود را در مسیح عیسی در تمام ابدیت نسبت به آنها نشان دهد (افسیسیان ۲: ۷).

پولس در نتیجه گیری خود از افسسیان ۲: ۱-۱۰، آیات ۸-۱۰، به این موضوع بازمی گردد و می خواهد اطمینان حاصل کند که هدفش ثابت است: نجات ایمانداران یک کار الهی است، نه انسانی. منشأ آن از ما نیست، بلکه عطیه و فیض خداست. هیچ انسانی نمی تواند حتی جزیی به آن مباحثات کند و به خود ببالد (افسیسیان ۲: ۸، ۹). ما ایمانداران که در فیض خدا ایستاده ایم، مظاهر فیض او هستیم و تنها فیض او. ما شاهکارهای او هستیم که توسط خدا «در مسیح عیسی» آفریده شده ایم (افسیسیان ۲: ۱۰).

چرا درک این موضع حائز اهمیت است که رستگاری ما از خداست و در شایستگی ها یا تلاشهای ما ریشه ندارد؟

۳۰ تیر

جمعه

اندیشه ای فراتر: زیربنای رساله افسسیان داستانی است که غالباً در بخشی از رساله تکرار می شود یا به آن اشاره می شود. مهم ترین وقایع در روایت همین هاست:

۱. خداوند «پیش از بنای جهان» افراد را انتخاب کرده است (افسیسیان ۱: ۴ و ۵ و ۱۱).
۲. گذشته، وجود از دست رفته آنان (افسیسیان ۲: ۱ - ۳ و ۱۱ و ۱۲؛ افسسیان ۴: ۱۷ - ۱۹ و ۲۲؛ افسسیان ۵: ۸).
۳. مداخله خدا از طریق عیسی برای نجات آنان (افسیسیان ۱: ۷ و ۸؛ افسسان ۲: ۴ - ۶ و ۱۳ - ۱۹؛ افسسیان ۴: ۱ و ۲۰ و ۲۱؛ افسسیان ۵: ۲ و ۸ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۶).
۴. پذیرش انجیل توسط آنان (افسیسیان ۱: ۱۲ و ۱۳ و جاهای دیگر). زمانی امید نداشته اند (افسیسیان ۲: ۱۲) اکنون ایمانداران تنها یک امید دارند که بسوی آن در حرکت هستند (افسیسیان ۴: ۴ را با افسسیان ۱: ۱۸ مقایسه کنید).
۵. زندگی فعلی مخاطبین به عنوان شاگردان مسیح. گرچه در زمانی زندگی می کنند که

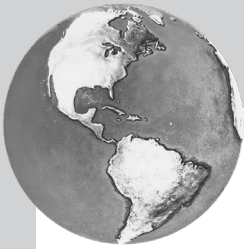
مملو از خطرات و مخالفت قدرت های اهریمنی است، لیکن می توانند از منابع ارائه شده توسط خداوندِ تعالی یافته خود استفاده کنند (افسیان ۱: ۱۵-۲۳، افسسیان ۲: ۶ افسسیان ۴: ۷-۱۶، افسسیان ۶: ۱۰-۲۰).

۶. در اوج آینده تاریخ نقش روح به عنوان ضامن (افسیان ۱: ۱۳ و ۱۴) یا مُهر (افسیان ۴: ۳۰) به ثمر خواهد نشست.

در این لحظات حساس آخر، مخاطبین برای ثمربخشی خود، به عنوان پاداش بر ارثی تملک خواهند یافت که در مسیح برای آنان تضمین شده است. (افسیان ۲: ۷؛ افسسیان ۶: ۸ و ۹)؛ و از طریق ایمان به مسیح در عالم آینده، در جایی که مسیح است، جایگاهی خواهند یافت (افسیان ۱: ۲۱؛ افسسیان ۲: ۷ و ۱۹ - ۲۲؛ افسسیان ۴: ۱۳ و ۱۵؛ افسسیان ۵: ۲۷).

سوالاتی برای بحث:

۱. داستان زیربنایی افسسیان (بالا را ببینید) تنها یک داستان از ایمانداران در قرن اول مسیحیت نیست. این داستان خود ماست. کدامیک از گامهای اساسی یا مراحل آن داستان بیشترین امید را در این لحظه به شما می دهد؟
۲. چرا فکر می کنید که پولس اینقدر بطور مکرر گذشته گناه آلود را به مخاطبین خود یادآوری می کند و از آنان دعوت می کند تا در مورد زندگی پیش از ایمان خود تامل کنند؟
۳. خلاصه سخنان پولس در مورد انجیل در افسسیان ۲: ۸ - ۱۰ را با خلاصه سخنان اولیه او در رومیان ۱: ۱۶ و ۱۷ مقایسه کنید. چه مضامین مشابهی پدیدار می شود؟ و از چه نظر با هم متفاوت هستند؟
۴. در حالی که کردار نیک ایمانداران نقشی در رهایی آنان ایفا نمی کند، آنان چه نقشی را در برنامه های خدا برای ایمانداران ایفا می کنند؟



وحشت زده در روسیه (قسمت ۱)

نوشته‌ی اندرو مک‌چسنی

پس از ثبت نام آلمیرای ۱۶ ساله در دوره های ماوراء الطبیعی در جمهوری باشقیرستان در کشور روسیه، حوادث غیرعادی در خانه آغاز شد. سال ۱۹۹۲ بود. اتحاد جماهیر شوروی در سال گذشته فروپاشیده بود و علاقه عمومی به دینی که زمانی ممنوع بود، شدت گرفت. دو فرد روس از مسکو به مدرسه آلمیرا در شهر سیبیا آمدند و دوره های فوق برنامه درباره ادراک فراحسی ارائه کردند.

والدین آلمیرا، او را از رفتن به این دوره‌ها منع کردند. با این حال معلمان روسی قول دادند تا اسرار شگفت انگیزی از جمله نحوه درمان بیماری‌ها را فاش کنند. مادر مدتی بود سردرد داشت و آلمیرا می‌خواست به او کمک کند؛ بنابراین او پنهانی در این دوره‌ها شرکت می‌کرد. به او آموختند که توسط نیروهای نامرئی خیر و شر احاطه شده است و اگر بر آنها مسلط شود، می‌تواند کارهای شگفت آوری انجام دهد.

درحالی‌که در خانه تنها بود، تلاش کرد تا آنچه آموخته است را تمرین کند. او مکالمه‌ای یک طرفه با نیروهای نامرئی انجام داد و گفت که می‌خواهد آنها را کنترل کند.

آن شب، زمانی که چراغ‌ها را خاموش کرد تا به تخت خوابش برود، حضور چیزی را در اتاق احساس کرد.

پس از مدتی، در طول روز که آلمیرا تنها بود، این حضور، خودش را آشکار کرد. بعضی اوقات آلمیرا متوجه سایه‌ای می‌شد که از کنار پنجره می‌گذشت. او نمی‌ترسید. او فکر می‌کرد که قوی است و در حال کنترل نیرویی نامرئی است.

با گذر زمان، او با شکستش متوجه شد که این نیروها از او قوی‌تر هستند. او نمی‌توانست آنها را کنترل کند.

او زمانی که به تخت خوابش رفت، ترسید و دیگر چراغ‌ها را خاموش نکرد. او

می‌ترسید که بخوابد. زمانیکه بالاخره به خواب رفت، کابوس های ترسناکی دید.
آلمیرا با ناامیدی از مادر خواست تا پیش او بخوابد اما پس از چند روز مادر
دیگر نپذیرفت و گفت که کابوس می‌بیند.
در طی شش ماه آینده، زندگی آلمیرا زیر و رو شد. نمراتش افت کرد و به بنظر
می‌رسید که دائما با معلمان، دوستان و والدینش درگیر است. او وحشت‌زده شده
بود و نمی‌دانست به کجا پناه ببرد.
هفته آینده درباره آلمیرا بیشتر بخوانید. از شما بابت هدایای بشارتی که به
توزیع انجیل در روسیه و سراسر جهان کمک می‌کند، سپاسگزاریم.

فدیة همگانی: صلیب و کلیسا



بعد از ظهر سبت

برای مطالعه این هفته بخوانید: برای مطالعه این هفته بخوانید: افسسیان ۲: ۱۱ - ۲۲؛ رومیان ۳: ۳۱؛ رومیان ۷: ۱۲؛ اشعیا ۵۲: ۷؛ اشعیا ۵۷: ۱۹؛ یوحنا ۱۴: ۲۷؛ اول قرنتیان ۳: ۹ - ۱۷.

آیه حفظی: «اما اکنون در مسیح عیسی، شما که زمانی دور بودید، به واسطه خون مسیح نزدیک آورده شده‌اید. زیرا او خود صلح ماست، که این دو گروه را یکی ساخته است. او دیوار جدایی را که در میان بود فرو ریخته» (افسسیان ۲: ۱۳ و ۱۴).

شما یک غیریهودی، یک یونانی هستید، که فرا گرفته اید تا خدای یهودیان را گرامی بدارید. در واقع، شما پرستش خدایان بسیاری را رها کرده اید و خدای یگانه را پذیرفته اید. همانطور که از میان صحن های زیبا و ستون های شیاردار معبد اورشلیم گام بر می دارید، نغمه های پرستش، شما را فرا می خواند تا او را حمد بگوئید. درست بعد از آن، خود را در می یابید که با یک سنگ بزرگ به ارتفاع یک و نیم متر مواجه هستید که مقابلتان قد علم کرده است. به فاصله هر سی سانتی متر پیامی به زبان لاتین و یونانی حکاکی شده است: «اجنبیان مجاز به ورود به دیوار و محوطه اطراف معبد نیستند. هر که از این دستور سرپیچی کند و دستگیر شود، باعث و مقصر مرگ خویش می باشد». آن لحظه است که حس می کنید که رانده شده اید، بیگانه خوانده شده و مورد تبعیض قرار گرفته اید.

پولس در افسسیان ۲: ۱۱ - ۲۲، صلیب مسیح را می بیند که منجر به تغییر شگرفی می شود، و چنین موانع و دیوارهایی را ویران می سازد. بطور عمودی، صلیب، اجنبی بودن را منحل می کند و بشر را با خدا آشتی می دهد. بطور افقی، بین مردم صلح و آشتی برقرار می سازد. صلیب دشمنی و خصومت را کنار زده و صلح را بین یهودیان و غیر یهودیان ایجاد نموده و آنان را یک انسان تازه می کند (افسسیان ۲: ۱۵). آنان با هم «یک معبد تازه می شوند تا به صورت مسکنی [درآیند] که خدا به واسطه روحش در آن ساکن است» (افسسیان ۲: ۲۲).

امروزه این حقیقت برای ما چه معنی می دهد؟

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۲۹ ژوئیه - ۷ مرداد آمادگی داشته باشید.

به مسیح نزدیک شده اید

توصیف قبلی پولس از گذشته غیریهودی مخاطبین در افسسیان ۲: ۱ تا ۳، را با افسسیان ۲: ۱۱، ۱۲ مقایسه کنید. او در توصیف تازه خود از گذشته آنها به چه چیزی تأکید می کند؟

غیر یهودیانی که اینک ایمانداران مسیح و در کلیسا اعضای بدن او شده اند، زمانی کاملاً از اسرائیل و نجاتی که خدا به آنان عرضه کرده بود جدا افتاده بودند. به تشخیص پولس «بیادآوردن» (افسسیان ۲: ۱۱) این گذشته از اهمیت زیادی برخوردار است. از اینرو آنان از مسیح، آن یگانه مسح شده، مسیح موعود اسرائیل جدا بوده اند. آنان از اهلیت اسرائیل [حکومت یا قوم اسرائیل] بیگانه بودند. و آنان از «عهدهای شامل وعده» بیگانه بوده اند.

و از وعده‌های نجاتی که خدا در طول تاریخ رستگاری عرضه کرده بود بی بهره بودند. بیگانگی از اسرائیل و نجاتی که از طریق آن ارائه شد به این معنی بود که آنها زمانی «بی امید» و «بی خدا در این جهان» بسر می بردند.

همچنین، غیریهودیان در وجود گذشته خود، در دشمنی بزرگ بین خود و یهودیان گرفتار شده بودند. پولس با اشاره به یکی از نشانه‌های آن، یعنی «اسم گذاشتن» کلیشه‌ای، حسی از این نفرت ریشه دار را نشان می دهد. یهودیان از غیریهودیان با تمسخر به عنوان «نامختون» یاد می کردند و غیریهودیان از یهودیان با همان تحقیر به عنوان «مختون» یاد می کردند (افسسیان ۲: ۱۱).

با این وجود افسسیان ۲: ۱۳ به چیزی کاملاً متفاوت اشاره می نماید. پولس نوشت: «لیکن الحال در مسیح عیسی، شما که در آن وقت دور بودید، به خون مسیح نزدیک شده‌اید».

وقتی پولس شرح می دهد که ایمانداران غیریهودی زمانی «دور» بوده اند، از اشعیا ۵۷: ۱۹ وام می گیرد: « خداوند: بر آنانی که دورند سلامتی باد و من ایشان را شفا خواهم بخشید». ایمانداران غیریهودی بواسطه مسیح و صلیب او به تمامی چیزهایی که از آن دور افتاده بودند یعنی خدا، امید، و برادران و خواهران یهودی آنها نزدیک شدند.

در اینجا خبر بسیار خوبی وجود دارد که پولس شرح داده است: اینکه صلیب مسیح می تواند شکاف گسترده بین یهودیان و غیریهودیان را التیام بخشد به این معنی است که تمام دشمنی‌ها و اختلافات ما می تواند در آنجا حل شود. این خبر خوب، از ما دعوت می کند تا در خصوص تقسیم‌بندی‌هایی که در زندگی خود ما و در کلیسا وجود دارد تامل کنیم و درباره قدرت صلیب برای تغییر آن بیندیشیم.

عیسی از چه وضعیتی شما را نجات داده است؟ چرا اهمیت دارد که آنها را همیشه بیاد داشته باشید که در زمانی که شما را پیدا کرد در کجا بودید و اگر شما را پیدا نکرده بود در کجا می بودید؟

دوشنبه

۲ مرداد

آشتی: هدیه خدا از صلیب

«زیرا او خود صلح ماست، که این دو گروه را یکی ساخته است. او دیوار جدایی را که در میان بود فرو ریخته. و دشمنی، یعنی شریعت را که شامل قوانین و مقررات بود، در بدن خود باطل کرده است، بدین قصد که از آن دو یک انسان نوین آفریده، صلح پدید آورد. و هر دو گروه را در یک بدن با خدا آشتی دهد، به واسطه صلیب خود که بر آن دشمنی را کشت» (افسیان ۲: ۱۴ - ۱۶).

پولس چگونه صلیب و تأثیر کار مسیح را در هر یک از این قسمت‌ها در افسسیان توصیف می‌کند؟ چگونه می‌خواهید آنچه پولس در مورد صلیب می‌گوید و چگونگی تغییر روابط ما را خلاصه کنید؟ (افسیان ۱: ۷ - ۸؛ افسسیان ۴: ۳۲؛ افسسیان ۲: ۱۳ و ۱۴؛ افسسیان ۲: ۱۶؛ افسسیان ۵: ۲ و ۲۵).

در چارچوب آیات این هفته، افسسیان ۲: ۱۱ - ۲۲، صلیب سه چیز ارزشمند برای ایمانداران به ارمغان می‌آورد: (۱) غیریهودیان که از خدا و قوم او «دور» بوده‌اند، و حال «نزدیک آورده» شدند (افسیان ۲: ۱۳)، تا هم پسران و دختران خدا بشوند و هم برادران و خواهران ایمانداران یهودی تبار باشند (افسیان ۲: ۱۹)؛ (۲) «خصومت» (به زبان یونانی echthran دشمنی مرتبط با echthros دشمن) بین ایمانداران یهودی تبار و غیر یهودی از بین رفت (افسیان ۲: ۱۶).

صلیب مسیح آنچه که بظاهر خصومت دائمی بود را بر می‌دارد، جنگی بین یهودیان و غیر یهودیان که دشمن قسم خورده بودند (افسیان ۲: ۱۷)؛ (۳) صلح و آشتی جایگزین خصومت می‌شود، این هدف مسیح بود «تا هر دو گروه را در یک بدن با خدا آشتی دهد» (افسیان ۲: ۱۶ را با کولسیان ۱: ۱۹ - ۲۲ را مقایسه کنید).

صلح و آشتی چگونه است؟ آشتی کردن چه حسی دارد؟ بیگانگی شدید بین یک مادر و دختر را تصور کنید، بیگانگی که در طی سالیانتمادی در آن ساکن شده‌اند. تصور کنید که این کینه در موجی از لطف و بخشش و اتحاد مجدد بین آن دو از بین برود. این آشتی است!

آشتی در لحظه‌ای تجربه می‌شود که یکی از اعضای کلیسا هر موضوعی را که باعث جدایی و تفرقه می‌شود کنار می‌گذارد و عضو دیگر کلیسا را به‌عنوان یک برادر یا خواهر محبوب خود می‌پذیرد. آشتی یک اصطلاح مکانیکی یا قانونی نیست، بلکه یک اصطلاح بین فردی است که به ترمیم روابط گسسته روی خوش نشان می‌دهد. پولس بخود جسارت می‌دهد تا کار قدرتمند مسیح بر روی صلیب را به‌عنوان تأثیری بر روابط نه تنها بین افراد، بلکه همچنین بین گروه‌های مردم به تصویر بکشد. او اینگونه به تصویر می‌کشد که صلح و آشتی به خصومت و دشمنی در زندگی ما یورش برده، اختلافات ما را از بین برده، درگیری‌های ما را حل و رابطه‌ای نو ایجاد کرده و به حُسن تفاهم می‌انجامد.

به چه طریق‌هایی می‌توانید اصولی را به کار ببرید تا با شخص دیگری رفع خصومت کنید؟ چگونه این کار را انجام می‌دهید؟

۳ مرداد

سه شنبه

فروریختن دیوار جدائی

پولس می‌گوید مسیح در قبال « شریعت را که شامل قوانین و مقررات بود » چه اقدامی کرد؟ چرا این اقدام را اتخاذ نمود؟ (افسسیان ۲: ۱۴ و ۱۵ را ببینید).

احتمالاً پولس در اینجا به نرده یا حصار اشاره می‌کند که صحن اسرائیل را در معبد هیروودیس احاطه کرده بود و تهدید به مرگ می‌کرد. پولس تصور می‌کند که این دیوار فرو می‌ریزد و به غیریهودیان اجازه داده می‌شود تا خدا را پرستش کنند (افسسیان ۲: ۱۸). پولس می‌گوید که هر دیواری از این قبیل توسط صلیب برداشته می‌شود. زیرا در آنجا می‌آموزیم که این دو گروه مردمی یعنی یهودیان و غیریهودیان، در واقع یکی هستند. برخی اعتقاد دارند که افسسیان ۲: ۱۴ و ۱۵ می‌آموزد که ده فرمان از جمله فرمان سبت بواسطه صلیب «منسوخ» یا «کنار گذاشته» شده‌اند. با این وجود، پولس در افسسیان حرمت عمیقی برای ده فرمان به‌عنوان مرجعی برای شکل یافتن شاگردی مسیحی، به منصفانه ظهور می‌گذارد.

او فرمان پنجم را نقل می‌کند (افسسیان ۶: ۲ و ۳) و به فرمانهای دیگر پیوند می‌دهد (برای نمونه: فرمان هفتم، افسسیان ۵: ۳ - ۱۴ و ۲۱ - ۳۳؛ فرمان هشتم، افسسیان ۴: ۲۸؛ فرمان نهم، افسسیان ۴: ۲۵؛ فرمان دهم، افسسیان ۵: ۵). این مطلب با آنچه که پولس از قبل در خصوص احکام تصریح کرده بود همخوانی دارد (رومیان ۳: ۳۱ و رومیان ۷: ۱۲).

او به سوء استفاده از احکام می پردازد، لیکن خود احکام را تمجید نموده و تداوم آن را بدیهی می داند. از اینرو استفاده از این آیات برای منسوخ کردن ده فرمان، بخصوص با تحت الشعاع قرار دادن تمامی آیات دیگر در کتاب مقدس درباره همیشگی بودن احکام، در اینجا بطور واضح، سوء تعبیر از مقصود پولس بوده است.

در عوض، هرگونه بهره گیری از احکام برای ایجاد شکاف بین یهودیان و غیریهودیان و به ویژه برای محروم کردن غیریهودیان از مشارکت کامل در میان قوم خدا و دسترسی به پرستش، باعث تکفیر پولس و سوء استفاده از نیت الهی برای احکام خواهد بود.

«شریعت» در افسسیان ۲: ۱۴، ۱۵، همان جنبه های تشریفاتی احکام است که یهودیان را از غیر یهودیان جدا می کند، که در عبارت پیچیده پولس، «شریعت احکام که در فرایض بود» نشان داده شده، یا اینکه کل سیستم عهد عتیق از احکام است که مورد تفسیر و بزرگنمایی قرار گرفته است تا به عنوان اهرمی برای دور کردن یهودیان از غیریهودیان مورد سوء استفاده قرار گیرد.

چه تنش هایی در میان ادونتیسست های روز هفتم یا در میان اعضای جوامع مسیحی دیگر وجود دارد و بایستی با آن مقابله و بر آن غلبه نمود؟ چرا باید محبت مشترک ما به مسیح برای غلبه بر این تنش ها کافی باشد؟

۴ مرداد

چهارشنبه

عیسی، واعظ صلح و آرامش

پولس چگونه رسالت مسیح را در افسسیان ۲: ۱۷ و ۱۸ خلاصه می کند؟

مفهوم آشتی [یا همان صلح و سلامتی] در رساله افسسیان از اهمیت ویژه ای برخوردار است که شروع و خاتمه آن با برکات صلح و سلامتی همراه می باشد، « فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد» (افسسیان ۱: ۲ را با افسسیان ۶: ۲۳ مقایسه کنید). پولس پیش از این در افسسیان ۲: ۱۱ - ۲۲ استدلال می کند که مسیح مجسم کننده صلح و سلامتی است «زیرا او خود صلح ماست» و صلیب او آنرا بوجود آورده است (افسسیان ۲: ۱۴ - ۱۶). مسیح نه تنها خصومت بین یهودیان و غیر یهودیان را از بین برده است (افسسیان ۲: ۱۴ و ۱۵) بلکه انسانیت تازه ای آفریده است که با رابطه صلح و آشتی مشخص شده است (افسسیان ۲: ۱۵ - ۱۷).

چنین صلحی تنها به معنی نبودن مناقشه و ستیز نمی باشد، بلکه با مفهوم عبری شالوم، تجربه سلامتی و کمال، هم در رابطه ما با خدا (رومیان ۵: ۱) و هم با دیگران طنین انداز است.

پولس چگونه شرکت جستن ایمانداران در به مشارکت گذاشتن پیام آشتی عیسی را به تصویر می کشد؟ افسسیان ۴: ۳؛ افسسیان ۶: ۱۴ و ۱۵؛ را با رومیان ۱۰: ۱۴ و ۱۵؛ افسسیان ۲: ۱۷ - ۱۹؛ اشعیا ۵۲: ۷؛ اشعیا ۵۷: ۱۹ مقایسه کنید.

انجیل حاوی مثال هایی از عیسی به عنوان واعظ صلح و آرامش است. او در پیام های بدرود خود به حواریون وعده ای به آنها و ما می دهد، « برای شما آرامش به جا می گذارم، آرامش خود را به شما می دهم» (یوحنا ۱۴: ۲۷) و اینگونه ختم می کند که «اینها را به شما گفتم تا در من آرامش داشته باشید. در دنیا برای شما زحمت خواهد بود؛ اما دل قوی دارید، زیرا من بر دنیا غالب آمده‌ام» (یوحنا ۱۶: ۳۳). او پس از قیام خویش، زمانی که به حواریون ظاهر گردید، به تکرار به آنان گفت «سلام بر شما باد» (یوحنا ۲۰: ۱۹).

در افسسیان ۲: ۱۷ و ۱۸، پولس تاکید می ورزد که موعظه صلح و آشتی مسیح، ورای خدمت زمینی اوست از زمانی که رسالت خویش را آغاز کرد. او در زمان حال «موعظه صلح» کرده است هم به «دور» دست ها (ایمانداران غیریهودی قبل از اینکه به مسیح ایمان آورند و هم «نزدیک» ایمانداران یهودی تبار، (با افسسیان ۲: ۱۱-۱۳ مقایسه کنید). با پذیرش این اعلان، همه ایمانداران برکت عمیق را تجربه می کنند.

چگونه می‌توانیم یاد بگیریم که در عوض دعوا و ستیز، مبشران صلح باشیم؟ در حال حاضر، در چه موقعیت هایی می‌توانید به بهبود شرایط کمک کنید؟

۵ مرداد

پنجشنبه

کلیسا، معبد روح القدس

پولس در افسسیان ۲: ۱۱-۲۲ از چه مثالهایی استفاده کرد تا اتحاد بین یهودی تبارها و غیریهودیان را در کلیسا نشان دهد؟

با مرور افسسیان ۲ بیاد می آوریم که آیات ۱ - ۱۰ می آموزد که ما در همبستگی و انسجام با مسیح زندگی می کنیم در حالی که آیات ۱۱ - ۲۲ تعلیم می دهد که ما در همبستگی با دیگران به عنوان بخشی از کلیسای او زندگی می کنیم.

مرگ مسیح هم منافع عمودی در ایجاد رابطه ما با خدا دارد (افسسیان ۲: ۱ - ۱۰) و هم افقی در استحکام رابطه ما با دیگران (افسسیان ۲: ۱۱ - ۲۲). عیسی از طریق صلیب تمامی

چیزهایی را که ایمانداران غیر یهودی را از یهودیان جدا می سازد را ویران می سازد از جمله سوء استفاده از شریعت بخاطر اینکه فاصله بیشتر شود (افسسیان ۲: ۱۱ - ۱۸). عیسی همچنین کلیسا را بنا می کند، معبدی شگفت انگیز و تازه که مرکب از ایمانداران است. غیریهودیان که زمانی از عبادت در جایگاه های مقدس معبد محروم شده بودند اینک به ایمانداران یهودی تبار ملحق می شوند تا معبد تازه ای بشوند. همه ما بخشی از کلیسای خدا می شویم «معبد مقدس در خداوند» (افسسیان ۲: ۱۹ - ۲۲) و امتیاز داریم تا در اتحاد و همبستگی با عیسی و برادران و خواهرانمان در مسیح زندگی کنیم.

استفاده پولس از اصطلاح کلیسا به عنوان معبد در افسسیان ۲: ۱۹-۲۲ چگونه با آیات فوق الذکر قابل قیاس است؟ اول قرنیتیان ۳: ۹ - ۱۷؛ دوم قرنیتیان ۶: ۱۴ - ۷: ۱؛ اول پطرس ۲: ۴ - ۸.

پولس از استعاره کلیسا به عنوان معبد به عنوان تصویری عالی برای بحساب آوردن کامل غیریهودیان در کلیسا استفاده می کند. زمانی از عبادت در «صحن اسرائیل» در معبد منع شده بودند، اینک نه تنها به آنها دسترسی پیدا می کنند (افسسیان ۲: ۱۸) بلکه خودشان به مصالحی برای بنای معبد تازه تبدیل شده اند که «مسکن روح خدا» می باشد (افسسیان ۲: ۲۲). نویسنندگان عهد جدید از استعاره معبد برای تجسم تقدس کلیسا، نقش خدا در تأسیس و رشد کلیسا و همبستگی ایمانداران در کلیسا استفاده می کنند. این استعاره در ارتباط با زبان بیولوژیکی استفاده می شود (افسسیان ۲: ۲۱) [ترجمه قدیمی] را ببینید، جایی که معبد «رشد و نمو» می کند، و اغلب بر روند ساختن تأکید می شود (افسسیان ۲: ۲۲ را ببینید، «و در او شما نیز با هم بنا می شوید»). به جای یک تصویر ساکن، کلیسا قادر است هویت خود را به عنوان «معبد خدای زنده» تصدیق کند (دوم قرنیتیان ۶: ۱۶).

۶ مرداد

جمعه

اندیشه ای فراتر: به دقت مقدمه زیر را مطالعه کنید که برای سؤالات بحث در زیر فهرست شده است:

پولس در افسسیان ۲: ۱۱ - ۲۲، در حالی که اثرگذاری های تکان دهنده صلیب را بر روابط انسانی توصیف می کند در چه زمینه خاصی سخن می گوید؟ او به روابط بین ایمانداران یهودی و غیر یهودی که با هم اعضای کلیسا را تشکیل می دهند، می پردازد. او نگرانی آشکاری را ابراز می کند که آنها موقعیت مشترک و مساملت آمیز خود را به عنوان اعضای خانواده خدا درک می کنند و با آن زندگی می کنند (افسسیان ۲: ۱۹). با این حال، در متن نامه به طور کل، پولس به هدفی گسترده و دور از دسترس اشاره می کند.

مضمون او برنامه بزرگ و نهایی خدا برای متحد ساختن همه چیز در مسیح است (افسسیان ۱: ۹، ۱۰) و میدان دید او «هر خانواده ای در آسمان و بر زمین» را در بر می گیرد (افسسیان ۳: ۱۵).

مهمتر از همه، اتحاد اعضای کلیسا - موضوع خاصی که او در افسسیان ۲: ۱۱-۲۲ به آن می پردازد - خود هدف گسترده تری دارد که پولس در افسسیان ۳: ۱۰ آشکار می کند: «تا اکنون از طریق کلیسا حکمت گوناگون خدا بر ریاستها و قدرتهای جایهای آسمانی آشکار شود».

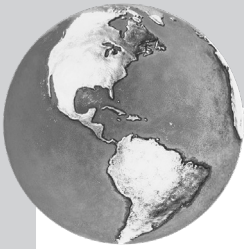
بواسطه بوجود آمدن اتحادی که مسیح بر روی صلیب به آن نائل گردید، ایمانداران باید نشان دهند که نقشه نهایی خدا برای متحد ساختن همه چیز در مسیح در شرف وقوع است. روابط آشتی جویانه آنها نشان دهنده برنامه خدا برای جهانی متحد در مسیح است. بنابراین مقتضی است که به افسسیان ۲: ۱۱-۲۲ نگاه کنیم، که کلیت آن برای اصول کتاب مقدسی برای موضوع مهم امروز در چارچوب رساله افسسیان تنظیم گردیده است، که روابط گروهی یا نژادی می باشد.

سوالاتی برای بحث:

۱. در خصوص روابط بین اقوام در افسسیان ۲: ۱۱-۲۲ چه اصول کتاب مقدسی ارائه شده است؟ چگونه این آیات شیوه ای مشخص و مسیح محور را در رابطه با موضوع چگونگی ارتباط اعضای یک گروه قومی با اعضای قومی دیگر ارائه می دهند؟

۲. با توجه به برنامه خدا برای آینده نژاد بشر (افسیان ۱: ۹، ۱۰؛ افسسیان ۲: ۱۱-۲۲)، چقدر برای کلیسا مهم است که به مسائل داخلی خود و درگیری های بین نژادی رسیدگی کند؟

۳. چه مسائل بین گروه های قومی که اغلب ممکن است پنهان و نادیده گرفته شوند، در جامعه شما وجود دارد؟ چگونه ممکن است کلیسای شما نقش مثبتی در به انجام رساندن کاری که مسیح پیش از این بر روی صلیب انجام داده است، ایفا کند؟ چگونه می توانید در آن کار مشارکت داشته باشید؟



امن بودن در عیسی (قسمت ۲)

نوشته‌ی اندرو مک‌چسنی

یک روز بعد از ظهر، آملیرای ۱۶ ساله، خسته از ماه‌ها شب‌های پرتنش، پس از بازگشت از مدرسه تصمیم گرفت تا کمی بخوابد. او روی مبل دراز کشید و صورتش رو به در باز اتاق بود. او در خانه تنها بود.

ناگهان، آن حضور نامرئی را در اتاق حس کرد. به در اتاق نگاه کرد، برای اولین بار آن را می‌دید. مانند یک ابر خاکستری بنظر می‌رسید که تمام در را پوشانده بود. آملیرا نمی‌دانست چرا اما می‌دانست حتی اگر لحظه‌ای پلک بزند، اتفاق وحشتناکی خواهد افتاد. او برای مدت طولانی به در خیره ماند. نهایتاً مجبور شد پلک بزند. در همان کسر از ثانیه، ابر خاکستری به سمتش حرکت کرد. آملیرا احساس می‌کرد در یک سنگ گول پیکر دفن شده است، درمانده شده بود و قادر به حرکت نبود. او سعی می‌کرد نفس بکشد. از نیروهای خیر درخواست کمک کرد اما هیچ پاسخی نبود.

در آن لحظه، او دعایی را به یاد آورد که حفظ کرده بود. یک دعای غیر مسیحی بود که مربوط به مذهب سنتی اجدادش بود. آن دعا را خواند. برای لحظه‌ای آزاد شد و توانست نفس بکشد اما آن حضور خاکستری دوباره او را تسخیر کرد. آملیرا دوباره و دوباره دعا را تکرار کرد. او آزاد میشد، تسخیر می‌شد و این چرخه ادامه داشت.

او که از مبارزه خسته شده بود، دیوانه‌وار به این فکر می‌کرد که چگونه خودش را نجات دهد. ناگهان به یاد آورد که یکی از معلمان روس در دوره‌های ماوراء الطبیعی گفته بود عیسی مسیح از تمام نیروهای خیر و شر قدرتمندتر است. این فکر در ذهنش جرقه زد که نام عیسی را صدا کند. او دهانش را باز کرد تا صحبت کند. او تنها توانست اولین هجای اسم عیسی را بگوید و آن ابر خاکستری فرار کرد. آملیرا احساس کرد عیسی وارد اتاق شده است و اسیر شیطنانی را از روی او پرت کرده است.

آملیرا شکی نداشت که به عیسی نیاز دارد، اما چگونه؟ او مسیحی نبود؛ بنابراین به مدت دو ماه به عبادتگاه سنتی اجدادش رفت. خواب او بهتر شده بود بنابراین

او با خود فکر کرد که عیسی حتما به آن عبادتگاه سر می‌زند.
سپس خواهر بزرگترش، فانیا، به همراه دوتا از دوستانش که آملیرا قبلا آنها را ندیده بود، به خانه آمد. او در آن روز متوجه شد که فانیا به کلیسای ادونتیست روز هفتمی می‌رود که در همان خیابانِ خانه شان قرار دارد. این دو دوست اعضای این کلیسا بودند. آملیرا داستان خود را برای دختران ادونتیست بازگو کرد.
یکی از دخترها گفت: «این شیطان است.»
دیگری گفت: «آملیرا با شرکت در کلاس های ماوراء الطبیعی، وارد قلمرو شیطان شده است اما عیسی طرف تو است و تنها او می‌تواند تو را از قدرت شیطان رهایی بخشد.
هفته آینده درباره آملیرا بیشتر بخوانید. از شما بابت هدایای بشارتی که به توزیع انجیل در روسیه و سراسر جهان کمک می‌کند، سپاسگزاریم.»

راز انجیل



بعد از ظهر سبت

برای مطالعه این هفته بخوانید: افسسیان ۳؛ ایوب ۱۱: ۵ - ۹؛ حزقیال ۴۳: ۱۳ - ۱۶؛ عاموس ۷: ۸ و ۷: ۱۱؛ مکاشفه ۱: ۲۰۱.

آیه حفظی: «جلال باد بر او که می‌تواند به وسیله آن نیرو که در ما فعال است، بی‌نهایت فزونتر از هر آنچه بخواهیم یا تصور کنیم، عمل کند. بر او در کلیسا و در مسیح عیسی، در تمامی نسلها، تا ابد جلال باد! آمین» (افسسیان ۳: ۲۰ و ۲۱).

پولس افسسیان باب ۳ را با عنوانی آغاز می‌کند که پیش از این در مورد آن صحبت کرده بود: «آن راز این است که غیریهودیان در مسیح و به واسطه انجیل، در میراث و در بدن و در برخورداری از وعده او شریکند» (افسسیان ۳: ۶). و اگرچه این ممکن است برای کلیسای امروزی، که عمدتاً از غیر یهودیان تشکیل شده، چندان تعجب آور نباشد، اما برای بسیاری از مخاطبینش در آن ایام کاملاً تازه به نظر می‌رسید.

سپس پولس به سخنان الهام شده خود ادامه می‌دهد، در حینی که رسول اشتیاق خود برای موعظه انجیل عیسی به غیریهودیان را بازتاب می‌دهد.

بدین ترتیب ما از سختی‌های کنونی او در گسترش این خدمت بشارتی نیز مطلع می‌شویم، سختی‌هایی که شامل گذراندن مدت زمانی در زندان روم است.

و همچنین تعهد او به راز پنهان در قلب انجیل را می‌شنویم، این راز که در کلیسا، غیریهودیان با برادران و خواهران یهودی خود برابرند. ما هیجان او را برای کلیسا و مأموریت کیهانی آن تجربه می‌کنیم.

در حالی که او دعا می‌کند به او گوش جان می‌سپاریم و خدا را به خاطر ابراز فیض خود از طریق کلیسا ستایش می‌کنیم.

به طور خلاصه، ما الهام گرفتیم که به پولس در اشتیاق او برای انتشار و بشارت خبر خوش انجیل ملحق شویم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۵ اوت - ۱۴ مرداد آمادگی داشته باشید.

پولس: پیام رسولِ زندانی به غیر یهودیان

افسیسیان باب ۳ را بخوانید. در حینی خواندن این باب یک یا دو موضوع اساسی را شناسایی کنید. پولس به چه نکات عمده ای اشاره می کند؟

افسیسیان باب ۳ ساختاری جالب را به نمایش می گذارد. پولس این باب را با این کلمات آغاز می کند: «از این رو من، پولس، که به خاطر شما غیریهودیان زندانی مسیح عیسی هستم» (افسیسیان ۳: ۱). آنگاه، او برای چیزی که معلوم می شود یک انحراف طولانی از تمرکز بر کار او به عنوان رسول برای غیریهودیان است، منصرف می شود (افسیسیان ۲: ۳-۱۳). پس از این کناره روی، او با تکرار عبارت «از اینرو» (افسیسیان ۳: ۱۴) با آیات ۱۴ تا ۲۱ گزارش دعای منقطع خود را ارائه می دهد، و به مسیر فکری اولیه خود باز می گردد.

پولس در افسسیان ۳: ۱ خود را به عنوان زندانی عیسی مسیح تعیین هویت می کند، روش او برای استدلال این است که با اینکه در اسارت روم زندگی می کند و به نظر می رسد که تحت اقتدار امپراتوری روم است، اما هدفی عمیق تر و الهی در زندگی او در حال انجام است. او زندانی روم نیست، بلکه «زندان عیسی مسیح» است! (با افسسیان ۴: ۱ مقایسه کنید).

اشاره پولس به «رنجهایش» (افسیسیان ۳: ۱۳) و اشاره بعدی او به «رنجهایش» (افسیسیان ۶: ۲۰) بیان می کند که او تحت حصر خانگی نسبتاً راحتی نیست (با اعمال رسولان ۲۸: ۱۶ مقایسه کنید) بلکه او در زندان است.

در زندان بودن در قرن اول و در سیاهچال رومیان بودن بطور خاصی چالش برانگیز است. امپراتوری روم زندانها را به خوبی اداره نمی کرد خصوصاً که از تسهیلات بهداشتی و سرویس غذای منظم برخوردار نبود. در واقع، امپراتوری نیاز چندانی به زندان نداشت، زیرا حبس به عنوان وسیله ای برای مجازات مورد استفاده قرار نمی گرفت.

مردم تنها برای محاکمه و اعدام به زندان افکنده می شدند. از زندانیان انتظار می رفت تا برای خودشان تدارک ببینند و وابسته به خویشاوندان و دوستانی بودند که خوراک و نیازهای دیگر را برایشان تامین می کردند.

نگرانی های پولس شاید تمرکز بر تاثیر احساس زندانی بودنش بر ایمانداران بود، از آنجا که زندانی بودن در آن وضعیت فرهنگی زمان، بطور شدیدی رسوایی و بی آبرویی اجتماعی در بر داشت. او ممکن است از این بیم داشته باشد که برخی بپرسند: «چگونه پولس می تواند رسول و فرستاده مسیح متعال باشد و یک زندانی مطرود باشد؟» بنابراین او زندان خود را مجدداً ارزیابی می کند «رنج برای شما» و این به ایمانداران کمک می کند تا آن را بخشی از برنامه خدا بدانند. او برای آنها رنج می برد و آنچه که به نظر می رسد مایه شرمساری است در واقع برای «جلال» آنها خواهد بود (افسیسیان ۳: ۱۳).

چگونه می‌توانیم بیاموزیم که به خدا و طریقهای او در میانه شرایط بسیار حاد اعتماد داشته باشیم؟

دوشنبه

۹ مرداد

راز انجیل که برای مدتهای طولانی پنهان بود

رازی که به پولس سپرده شده بود چه بود؟ افسسیان ۳: ۱ - ۶.

در حینی که افسسیان ۳: ۱ - ۶ را مطالعه می‌کنید به نکات زیر توجه کنید: اولاً، پولس این بخش از نامه را به طور خاص برای ایمانداران غیر یهودی در کلیساهای خانگی افسس نوشت (افسسیان ۳: ۱).

ثانیاً، پولس ادعا می‌کند که به او عنوانی عطا شده که آن را «سرپرست/کارگزار/مباشر فیض خدا» می‌نامد، که «برای شما»، برای ایمانداران غیریهودی به او بخشیده شده است (افسسیان ۳: ۲). این مباشرت، یا این خدمت فیض، روش پولس برای توصیف مأموریتی که به او سپرده شده، می‌باشد تا انجیل «فیض خدا» را برای غیریهودیان موعظه کند. (با افسسیان ۳: ۷، ۸ مقایسه کنید).

ثالثاً، پولس ادعا می‌کند که رازی که او آشکار شده است، موضوعی که پیش از این درباره اش در نامه نوشته بوده است (مخصوصاً افسسیان ۱: ۹ و ۱۰، افسسیان ۲: ۱۱ - ۲۲ را ببینید)، «راز مسیح» (افسسیان ۳: ۳ و ۴). پولس نمی‌خواست تا به عنوان ابداع‌کننده انجیل شناخته شود، بلکه ادعا کرد که مأموریتی خدادادی به او داده شده تا انجیل را اعلام کند.

رباعاً، پولس تنها کسی نبود که در دریافت مکاشفه در خصوص این راز مقدم باشد، بگونه ای که روح، مکاشفه نقشه خدا را به رسولان و انبیای مقدس مسح شده نیز از پیش آشکار کرده بود (افسسیان ۳: ۵). اصطلاح انبیا در اینجا احتمالاً به کسانی اطلاق می‌شود که در میان کلیساهای خانگی مسیحی اولیه، به جای انبیای عهد قدیم، از عطای نبوت برخوردارند و آن را به کار می‌برند. رازی که زمانی پنهان بود، اکنون به چیزی مبدل شده که می‌توانیم آن را «راز سرگشوده» بنامیم.

نهایتاً او تصریح می‌کند: «آن راز این است که غیریهودیان در مسیح و به واسطه انجیل، در میراث و در بدن و در برخورداری از وعده او شریکند» (افسسیان ۳: ۶).

پولس به انجیل و به ویژه در مورد نحوه بیان آن در کلیسا که هم از یهودیان و هم غیریهودیان تشکیل شده است، شور و شوق دارد. این دو گروه به اجزای سازنده جامعه جدید خدا، نشان و مارک جدید بشریت او یعنی کلیسا تبدیل شده‌اند (افسسیان ۲: ۱۴-۱۶ را ببینید).

ما می‌توانیم بگوییم که آنها اکنون از دشمن بودن به «هم‌ارث»، «هم‌جسم» (شامل یک بدن واحد، بدن مسیح)، و «شریکان با هم» وعدهٔ انجیل مبدل گردیده‌اند (افسیان ۳: ۶).

اگر چنین نگرش‌هایی باشد، حتی در سطحی کم، آیا می‌تواند در تضاد با آموزهٔ داده شده توسط انجیل باشد؟ چگونه می‌توانید از آنها خلاص شوید؟

۱۰ مرداد

سه شنبه

کلیسا: آشکار کننده حکمت خدا

پولس درباره خدا و اقدامات خدا در افسسیان ۳: ۷ - ۱۳ چه می‌گوید؟

پولس دوباره ادعا می‌کند که از طریق «عطیه فیض خدا» یک «مبشر» است (افسیان ۳: ۷، افسسیان ۳: ۱، ۲ را مقایسه کنید). این عطیه، مانند خود انجیل، به خاطر لیاقت و شایستگی دریافت کننده آن نیست، بلکه از طریق فیض خدا اعطا می‌شود. پولس بر این نکته تأکید می‌ورزد که خود را «کمترین مقدسان» توصیف می‌کند (افسیان ۳: ۸).

رشد تکاملی جالبی در خویش‌درکی پولس وجود دارد که با مشاهده نامه‌های پولس به ترتیبی که نوشته شده‌اند قابل تشخیص است.

او در ابتدا ادعا می‌کند که منصب او به عنوان یک رسول، الهی است (غلاطیان ۱: ۱). بعداً او خود را به عنوان کمترین رسولان و اینکه شایسته نیست که رسول خوانده شود معرفی می‌کند (اول قرنتیان ۱۵: ۹). در اینجا در افسسیان او خود را به عنوان کمترین مقدسان می‌بیند (افسیان ۳: ۸). نهایتاً او خود را به عنوان بزرگترین یا بدترین گناهکاران توصیف می‌کند (اول تیموتائوس ۱: ۱۵).

شاید این خط فکری در اینجا توسط پولس بتواند به شرح این نقل قول مشهور الن جی وایت کمک کند:

«هر چه به عیسی نزدیک تر شوید، در چشمان خود معیوب تر به نظر خواهید رسید. زیرا دید شما واضح تر خواهد شد و نقص‌های شما در تضاد گسترده و مشخص با ذات کامل او دیده می‌شود.» - گامهایی به سوی نور، صفحه ۶۴.

سپس پولس ادامه می‌دهد. او در افسسیان ۳: ۱۰ می‌نویسد: «تا اکنون از طریق کلیسا حکمت گوناگون خدا بر ریاستها و قدرتهای جایهای آسمانی آشکار شود». چه کسانی ریاستها و قدرتهای جایهای آسمانی هستند که در اینجا اشاره شده است؟ چگونه کلیسا حکمت «گوناگون» یا چندوجهی خدا را به آنها اعلام می‌کند؟

اگرچه افسسیان ۳: ۱۰ ماهیت قدرت ها را توصیف نمی کند، به نظر می رسد بهتر است آنها را به عنوان نیروهای اهریمنی در نظر بگیریم که با جزئیات بیشتر در افسسیان ۶: ۱۱، ۱۲ توضیح داده شده است. اگر چنین است، ترکیب کلیسا، متحد کردن یهودیان و غیریهودیان زمانی که بخش‌هایی از نوع بشر از هم جدا شده بود، برای این «ریاستها و قدرتهای اهریمنی در جایهای آسمانی» برنامه خدا برای آینده، «برای متحد کردن همه چیز در او [مسیح]، چیزهای آسمانی و چیزهای روی زمین»، تبدیل به یک اعلان پر سر و صدا می شود. (افسسیان ۱: ۱۰). آنها متوجه می شوند که نقشه خدا در حال انجام است و سرنوشت شوم آنها تضمین شده است. ماهیت کلیسای متحد و یکپارچه نشان از شکست نهایی آنها دارد.

اگر جماعت کلیسای شما، «شرح کار» کلیسا در افسسیان ۳: ۱۰ توسط پولس را جدی بگیرد، چگونه می تواند نحوه ارتباط شما و اعضای کلیسایتان را با یکدیگر تغییر دهد؟

۱۱ مرداد

چهارشنبه

مسیح، ساکن در قلب شما

درخواست دعای ابتدایی پولس در افسسیان ۱: ۱۶ - ۱۹ را با خواسته او برای ایمانداران در افسسیان ۳: ۱۴ - ۱۹ مقایسه کنید. این دو درخواست به چه شیوه ای شبیه به هم هستند؟

در پس ترجمه انگلیسی افسسیان ۳: ۱۴ و ۱۵، با کلمات بازی شده است. وقتی که پولس می گوید که «زانو می‌زنم در برابر آن پدر که هر خانواده‌ای در آسمان و بر زمین، از او نام می‌گیرد»، او ارتباط آوایی بین کلمه یونانی پدر *patêr* و عبارت یونانی برای خانواده *patria* را بررسی می کند. پولس در افسسیان ماهیت فراگیر برنامه رستگاری خدا را مورد تجلیل قرار می دهد که دربرگیرنده همه چیز (افسسیان ۱: ۹ و ۱۰) و برای همه زمانهاست (افسسیان ۱: ۲۱). و در اینجا او مدعی می شود که هر خانواده ای بر روی زمین و آسمان متعلق به پدر می باشد و هر خانواده ای *patria* از پدر *patêr* نام می گیرد. این خبر بسیار خوبی است!

در این اندیشه تفکر کنید: خانواده شما علیرغم نقصها و قصور هایش متعلق به خداست. خانواده شما در چنگال ظالمانه سرنوشت گرفتار نیست بلکه در دستان مراقب خدا قرار دارد. خدا خانواده هایی که دارای کاستی هایی هستند را دوست می دارد. آنان نام الهی را بر خود دارند. آنان نشان مالکیت او را بر خود دارند.

پولس در افسسیان ۳: ۱۶ - ۱۹ از خدا می خواهد تا به ایمانداران تجربه غنای روحانی عطا کند که قدرت باطنی از طریق حضور روح را نشان می دهد (افسسیان ۳: ۱۶)، رابطه نزدیک و

صمیمی با مسیح که ساکن شدن او را در دلها متبادر می سازد (افسیسیان ۳: ۱۷) و یک هویت روحانی پابرجا و مطمئن که در زمین محبت ریشه دوانده است (افسیسیان ۳: ۱۷).

در حینی که پولس در پی حمد و سپاس به خدا برای برکات گسترده ای است که به ایمانداران ارزانی شده است، او نه تنها سه بُعد بلکه چهار بُعد را اضافه می کند - تا همه مقدّسان، به درازا و پهنا و ژرفا و بلندای محبت مسیح پی ببرند (افسیسیان ۳: ۱۸). او به وضوح مشخص می کند که این ابعاد در چه مواردی کاربرد دارند، اگرچه آنها به وضوح اندازه وسیع موضوعی مهم را توصیف می کنند.

این مطلب یک معمای جالب را برای دانش آموزان کتاب مقدس باقی می گذارد. آیا این ابعاد، حکمت خدا را توصیف می کنند؟ (با ایوب ۱۱: ۵ - ۹ مقایسه کنید، که از چهار بُعد استفاده می کند)، قدرت خدا (با افسسیسیان ۳: ۱۶، ۱۷ مقایسه کنید)، یا، شاید، معبد روحانی افسسیسیان ۲: ۱۹ - ۲۲ (با حزقیال ۴۳: ۱۳ - ۱۶ مقایسه کنید، که از چهار بُعد استفاده می کند؛ عاموس ۷: ۷، ۸؛ مکاشفه ۱۱: ۱، ۲).

شاید بهتر باشد که این چهار بعد از توصیف عظمت «محبت مسیح» (افسیسیان ۳: ۱۹) را با عبارت «درک درازا و پهنا و ژرفا و بلندای» (افسیسیان ۳: ۱۸) در موازات با عبارت بعدی، «محبت مسیح را بشناسیم» (افسیسیان ۳: ۱۹؛ رومیان ۸: ۳۵-۳۹ را مقایسه کنید) مشاهده کنیم. به هر حال مشاهده سخنان او خبر خوبی است.

۱۲ مرداد

پنجشنبه

جلال در کلیسا و در مسیح عیسی

پولس دعای خود را با مناجاتی مختصر و شعرگونه در حمد خدا به پایان می رساند. او برای چه خدا را حمد می گوید؟ افسسیسیان ۳: ۲۰ و ۲۱.

پولس دعای خود را برای ایمانداران ثبت می کند (افسیسیان ۳: ۱۶ - ۱۹). حال او بطور مستقیم و قدرتمندانه دعا می کند. دعای اختتامیه پولس سه سوال را بر می انگیزد: ۱. آیا این بخش از آیه «در کلیسا و در عیسی مسیح» بطور ناشایسته ای کلیسا را رفعت می دهد و با مسیح برابر می کند؟ (افسیسیان ۳: ۲۱).

در حالی که پولس بطور والایی به کلیسای افسسیسیان علاقه دارد، واضح است که مسیح، منجی کلیساست از آنجا که این مسیح است که در قلوب ایمانداران ساکن است (افسیسیان ۳: ۱۷). پولس در دعای اختتامیه، خدا را برای نجاتی که به کلیسا از طریق عیسی مسیح ارزانی شده است شکر می گوید.

۲. آیا عبارت «در تمامی نسلها، تا ابدالابد» (افسیسیان ۳: ۲۱) با بازگشت مسیح که در آن

وقفه ایجاد شده است آینده ای بی پایان و محصور در زمین را برای کلیسا به تصویر می کشد؟ افسسیان انتظار قوی برای آینده دارد.

برای مثال، افسسیان ۴: ۳۰ به روز نجات و رهایی می نگرند. همچنین، ایمانداران قدرت عظیم مسیح را در «عصر آینده» تجربه خواهند کرد (افسسیان ۱: ۲۱). دعای اختتامیه پولس را باید به عنوان تجلیل از قدرت بیکران مسیح دید که برای ایمانداران اعمال می شود. با نگاهی به دعای دوم پولس (افسسیان ۳: ۱۴-۲۱؛ را با افسسیان ۱: ۱۵-۲۳ مقایسه کنید)، می بینیم که پولس در قلمرو حفاظتی ملکوتی پدر قوت می یابد (افسسیان ۳: ۱۴، ۱۵) که آماده و حاضر بودن روح القدس (افسسیان ۳: ۱۶)، مشارکت خود مسیح (افسسیان ۳: ۱۷)، و بی کران بودن محبت بی حد و حصر مسیح (افسسیان ۳: ۱۸، ۱۹) را شامل می شود. این به قدری درست است که او چنین به تصویر می کشد که ایمانداران «از همه کمالات خدا» پُر شده اند (افسسیان ۳: ۱۹) و این واقعیت‌های روحانی را در پرستش تجلیل می‌کند و دوباره از غنای قدرت خدا که به مقدسین ارزانی می‌شود غرق در حیرت می‌شود.

هر زمان که فشار مشکلات، وسوسه‌ها یا تردیدها را احساس می‌کنیم، ممکن است به این روابط پرنشاط از دعاهای پولس روی آوریم. رسول زندانی، چشم ما را به افق بزرگ اهداف و فیض خدا باز می‌کند و به ما یادآوری می‌کند که در هر شرایطی از زمان فعلی، ما در نقشه نهایی خدا مشارکت داریم (افسسیان ۱: ۹، ۱۰) و قدرت او در ما فعال است.

چه برکاتی از جانب خداوند برای شما ارزشمند است؟ خواندن دعای شکرگزاری را تمرین کنید تا خدا را برای آنها ستایش کنید.

۱۳ مرداد

جمعه

اندیشه‌ای فراتر: از نوشته های الن جی وایت، فصل احیای مدرن را از کتاب نبرد عظیم صفحات ۴۶۱ - ۴۷۸ بخوانید.

چگونه می توانیم وضعیت روحانی رشد نکرده خود را با آیه ارائه شده هماهنگ کنیم [افسسیان ۳: ۱۴-۱۹] که کامل بودن دانش را توصیف می کند تا از امتیاز بهره مندی از آن برخوردار شویم؟

چگونه آسمان می تواند به ما نگاه کند، که از هر مزیت روحانی و دنیوی برخوردار بوده ایم تا بتوانیم در فیض رشد کنیم، در حالی که ما فرصت های خود را بهبود نداده ایم؟ رسول این کلمات را بکار نبرد تا ما را وسوسه یا فریب دهد، یا انتظارات ما را بالا ببرد، تا با دلسردی مواجه شویم. او این کلمات را نوشت تا به ما نشان دهد که اگر خواهیم وارث پادشاهی خدا بشویم، باید چگونه باشیم و چطور عمل کنیم. چگونه می توانیم با خدا همکاری کنیم چنانچه ناکارآمدی و عدم رشد را تجربه می کنیم؟

ما دانش امتیاز مسیحی را داریم و باید در پی درک عمیق روحانی در امور خدا باشیم که خداوند مشتاق است تا از آن برخوردار شویم.

آیا واقعا به کتاب مقدس ایمان داریم؟ آیا واقعا باور داریم که می توانیم به دانش خدا دست یابیم که در این متن به ما ارائه شده است؟ آیا به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردید ایمان داریم؟

آیا به کلامی که از سوی انبیا و رسولان توسط عیسی مسیح گفته شده است ایمان داریم که مولف تمامی انوار هدایت و برکات است و در او تمامی خزاین و کمالات ساکن است؟ آیا واقعا به خدا و پسر او ایمان داریم؟ - از مرجع زیر:

—Ellen G. White, The Advent Review and Sabbath Herald, October 1, 1889.

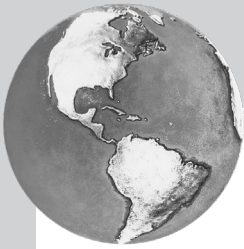
سوالاتی برای بحث:

۱. دعای اختتامیه پولس در افسسیان ۳: ۲۰ و ۲۱ را با دیگر دعاهاى اختتامیه در عهد جدید مقایسه کنید. رومیان ۱۱: ۳۳-۳۶; رومیان ۱۶: ۲۵-۲۷; فیلیپیان ۴: ۲۰; دوم پطرس ۳: ۱۸; یهودا باب ۲۴ و ۲۵. چه جریان فکری یا ایده ای در این آیات وجود دارد؟ چگونه می توانیم دیدگاه حمد و پرستشی را که به تصویر می کشند، اتخاذ کنیم؟

۲. چهار کاربرد از کلمه یونانی *aplerom* (کمال/پری) را در افسسیان مقایسه کنید. (افسسیان ۱: ۱۰ و ۲۳; افسسیان ۳: ۱۹; افسسیان ۴: ۱۳ را مقایسه کنید). بنظر شما چرا این ایده برای پولس از اهمیت زیادی برخوردار است؟

۳. از تمامی اقدامات خدا که پولس در افسسیان باب ۳ آن را می ستاید، الهام دهنده ترین آنها برای شما کدامند؟ چرا؟

۴. پولس نیمه اول کتاب افسسیان را همانگونه که شروع کرد با زبان دعا و نیایش به پایان می رساند (افسسیان ۱: ۳-۲۱). او از قدرت خدا، که از طریق مسیح و روح در زندگی ایمانداران حضور دارد، شادی می کند (افسسیان ۳: ۱۶-۲۱). همانطور که خانم الن جی وایت در بالا ذکر کرد، چگونه می توانیم این قدرت را در زندگی خود بهتر تجربه کنیم؟



مبارزه با کتاب مقدس (قسمت ۳)

نوشته‌ی اندرو مک‌چسنی

در آن شب آلمیرا پس از دیدن کابوسی از خواب بیدار شد و تصمیم گرفت شنبه آینده به کلیسای ادونتیست روز هفتم برود اما صبح با خودش فکر کرد: «من مسیحی نیستم و نمی‌توانم به آنجا بروم.» شب بعد نیز کابوس دیگری دید و دوباره تلاش کرد تا ببیند چه کاری می‌تواند انجام دهد. روز سبت او به کلیسای ادونتیست رفت.

پس از چند هفته، والدین آلمیرا متوجه شدند که او هر هفته در کلیسا حضور دارد و او را از رفتن منع کردند. سایر اقوام شنیدند و به او التماس کردند تا به کلیسا نرود. همسایه‌ها که او را در حال رفتن به کلیسا دیدند، عمداً از آپارتمان‌های خود بیرون می‌آمدند تا او را سرزنش کنند. رفتن به کلیسا به یک نبرد عمیقاً ناخوشایند در هر شنبه تبدیل شده بود اما آلمیرا از پرستش در کلیسا لذت می‌برد و به راه خود ادامه می‌داد. او در مورد عیسی یاد می‌گرفت و در او آرامش می‌یافت.

اما حضور این روح شیطانی در خانه ادامه داشت. مدام در شب می‌آمد. آلمیرا با صدای بلند شروع به دعا کرد: «در نام خون عیسی مسیح، من را از شیطان محافظت کن تا بتوانم بخوابم.» او سه ماه هر شب دعا کرد. دعاها روح را از بین می‌برد اما او همچنان می‌ترسید.

آلمیرا در مورد ترسش به کشیش ادونتیست گفت و او پیشنهاد کرد که کتاب مقدس را نیز با صدای بلند بخواند. هر زمان که حضور روح را حس می‌کرد، کتاب اشعیا باب ۴۳ را باز می‌کرد. او بطور خاص این وعده خداوند را دوست داشت: «اما اکنون خداوند، آفریننده تو ای یعقوب، و صانع تو ای اسرائیل، چنین می‌فرماید: «مترس، زیرا من تو را فدیه داده‌ام، و تو را به نام خوانده‌ام، پس از آن من هستی.» از آنجا که در نظرم گرانبها و محترمی، و چون تو را دوست می‌دارم، آدمیان را به عوض تو خواهم داد، و قوم‌ها را به عوض جان تو تسلیم خواهم کرد.» (اشعیا ۴۳: ۱-۴)

او همچنین در اشعیا ۴۹: ۲۴-۲۵ آسایش یافت: «آیا غنیمت از دست جنگاور بازگرفته شود؟ یا اسیران از چنگ ستم‌پیشه رهانیده گردند؟ اما خداوند چنین

می‌فرماید: آری، اسیران از چنگ ستم‌پیشه رهانیده خواهند گشت، و غنیمت از دست جنگاور بازگرفته خواهد شد. من با مخالفان تو مخالفت خواهم کرد، و من فرزندان تو را نجات خواهم داد.»

یک شب او تمام گناهانش را با صدای بلند نزد عیسی اعتراف کرد و پس از آن، بهتر از تمام شب‌های دیگر خوابید.

بالاخره آلمیرا از ترسیدن دست کشید. زمانیکه او کتاب مقدس می‌خواند و دعا می‌کرد، روح همیشه می‌رفت. اون متوجه شد اگرچه روح از او قوی‌تر است اما عیسی، از هر دوی آنها قوی‌تر است.

هفته آینده درباره آلمیرا بیشتر بخوانید. از شما بابت هدایای بشارتی که به توزیع انجیل در روسیه و سراسر جهان کمک می‌کند، سپاسگزاریم.

بدن یکپارچه مسیح



بعدازظهر سبت

برای مطالعه این هفته بخوانید: افسسیان ۴: ۱ - ۱۶؛ فیلیپیان ۲: ۳؛ مزمو ۶۸: ۱۸؛ اعمال رسولان ۲؛ اول قرنتیان ۱۲: ۴ - ۱۱؛ ۲۷ - ۳۰؛ اشعیا ۵: ۴.

آیه حفظی: «و اوست که بخشید برخی را به‌عنوان رسول، برخی را به‌عنوان نبی، برخی را به‌عنوان مبشر، و برخی را به‌عنوان شبان و معلم. تا مقدّسان را برای کار خدمت آماده سازند، برای بنای بدن مسیح» (افسسیان ۴: ۱۱ و ۱۲).

در یکی از افسانه‌های، ازوپ، داستان نویس یونان باستان به نام شکم و پا، «شکم و پا با هم بحث می‌کردند که کدامشان مهم ترند. پا می‌گفت آنقدر قوی است که شکم را به این سو و آن سو می‌برد و شکم در پاسخ گفت رفیق اگر من غذا را در خود جا نمی‌دادم که تو قوتی برای حرکت نداشتی. - از مرجع زیر:

—Lloyd W. Daly, *Aesop Without Morals* (New York: Thomas Yoseloff, 1961), p. 148.

اما پولس از بدن انسان استفاده کرد تا نکته‌ای اخلاقی را بیان کند. برای پولس، بدن انسان و کلیسا به‌عنوان بدن مسیح از اعضای گوناگونی با توانایی‌های مختلف تشکیل شده که همگی باید با هم برای بدن کار کنند تا تندرست باشد. در افسسیان ۴: ۱ - ۱۶ پولس از تمثیل بدن استفاده می‌کند که پیش از این بطور موثری آنرا بکار برد (رومیان ۱۲: ۳ - ۸، اول قرنتیان ۱۲: ۱۲ - ۳۱). مسیح اینک سر بدن است، و بدن را با افراد دارای «عطایا» تامین می‌کند که به متحد شدن بدن کمک می‌کنند، و هر عضو از بدن - عضو کلیسا - توانایی‌های خود را در معرض استفاده کل قرار می‌دهد.

تصویر پولس از یک بدن سلام و یکپارچه به ما کمک می‌کند تا هدف خدا را برای خود بفهمیم: تا بخشی از یک کلیسای یکپارچه سودمند در مسیح باشیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۱۲ اوت - ۲۱ مرداد آمادگی داشته باشید.

اتحاد روح

افسیسیان ۴: ۱ - ۱۶ را بخوانید. پولس چگونه ایمانداران را ترغیب می کند تا اتحاد در مسیح را پرورش دهند؟

پولس نیمه دوم افسسیان (باب ۴-۶) را با دعوتی هیجان انگیز به اتحاد آغاز می کند، اما در دو بخش کلی. نخست، در افسسیان ۴: ۱-۶ او از ایمانداران می خواهد که «وحدت روح» را با نشان دادن فضایل بنا کننده اتحاد پرورش دهند (افسیسیان ۴: ۱-۳). فراخوانی که با فهرستی شعرگونه از هفت «یک» [یک بدن، یک روح، یک امید، ...] همراه است، (افسیسیان ۴: ۴-۶). دوم، در افسسیان ۴: ۷-۱۶، پولس عیسیای ظفرمند و تعالی یافته را به عنوان منبع فیض در افرادی که هدایت انجیل را به اشتراک می گذارند معرفی می کند (افسیسیان ۴: ۷-۱۰) و توضیح می دهد که چگونه آنها به همراه تمامی اعضای کلیسا، به سلامت، رشد، اتحاد، و یکپارچگی بدن مسیح کمک می کنند.

پولس در حینی که فصل شروع می شود، از مسیحیان اینگونه دعوت بعمل می آورد: «بطریقی گام بردارید که شایسته دعوتی باشد که به آن فرا خوانده شده اید» (افسیسیان ۴: ۱). او فعل امری «گام بردارید» را بطور تلویحی برای نوع رفتار یا نوع زندگی بکار می برد. (افسیسیان ۲: ۲ و ۱۰، افسسیان ۴: ۱۷، افسسیان ۵: ۲ و ۸ و ۱۵ را ببینید). پولس به ایمانداران تاکید می ورزد تا رفتار متحدانه ای را ممارست کنند که بازتاب دهنده برنامه نهایی خدا باشد (افسیسیان ۴: ۹ و ۱۰). او در اینجا آن تاکید را با دعوت خود برای بکار بستن فضایی آغاز می کند که به وحدت منجر می شود (افسیسیان ۴: ۱ - ۳)، از قبیل فروتنی، حلم و شکیبایی. بیائید به هر یک از عبارتها نگاهی بیندازیم.

پولس در جایی دیگر در افسسیان ۴: ۲ با افزودن ایده «فروتن باشید و دیگران را از خود بهتر بدانید» (فیلیپیان ۲: ۳)، فروتنی را شرح می دهد. پس فروتنی می تواند نه به عنوان فضیلت منفی برای تحقیر نفس (کولیسان ۲: ۱۸، ۲۳ را ببینید) بلکه به عنوان فضیلت مثبتِ قدردانی و خدمت به دیگران تلقی شود.

نرمی و ملایمت (افسیسیان ۴: ۲ - ترجمه قدیم)، می تواند به عنوان خصلت تحت تاثیر حس خود بزرگ بینی قرار نگرفتن، اطلاق شود و همچنین به معنی خوش خلق، با ملاحظه و بی ادعاست. از مرجع زیر:

—Frederick Danker, ed., Greek-English Lexicon of the New Testament and Other Early Christian Literature, 3rd ed. (Chicago: University of Chicago Press, 2000), p. 861.

در آخر، شکیبایی (بردباری - ترجمه قدیم)، توانایی تحمل در مقابله با عصبانیت و یا

آزمایشات سخت است. پس این ویژگی‌ها، همگی حول موضوع اجتناب از خود خواهی و خود بزرگ‌بینی و در عوض تمرکز بر ارزش گذاردن بر دیگران جمع می‌شوند.

به صفات فروتنی، حلم و شکیبایی بیندیشید که بما کمک می‌کنند تا به عنوان یک امت متحد و یکپارچه باشیم. چگونه می‌توانیم این فضایل را رشد دهیم؟

۱۶ مرداد

دوشنبه

یکی بودن با هم در مسیح یگانه

پولس کدام هفت تا «یک‌ها» را در حمایت از موضوع اتحاد کلیسا ذکر می‌کند؟ او با این فهرست به دنبال چه نکته ای است؟ (افسیان ۴: ۴ - ۶).

فهرست هفت تا «یک‌های» پولس حسی شعرگونه دارد و می‌تواند پژواک سرودی باشد که در افسس بکار رفته بود. فهرست با اشاره به دو تا از «یک‌ها» شروع می‌شود: «یک بدن وجود دارد» (اشاره به کلیسا به عنوان بدن مسیح، افسسیان ۴: ۱۲ و ۱۶، افسسیان ۱: ۲۳، افسسیان ۵: ۲۳ و ۲۹ و ۳۰). و «یک روح» (افسیان ۴: ۴). سومین آنها «یک امید دعوت بخش» می‌باشد (افسیان ۴: ۴ را با افسسیان ۱: ۴ مقایسه کنید).

سپس سه جزء دیگر را ارائه می‌دهد، «یک خدا» (اشاره به مسیح)، «یک ایمان» (به معنی اعتقاداتی که مسیحیان به آن باور دارند، افسسیان ۴: ۱۳، کولسیان ۱: ۲۳، کولسیان ۲: ۷، غلاطیان ۱: ۲۳، اول تیموتائوس ۴: ۱ - ۶)، و «یک تعמיד» (با افسسیان ۵: ۲۶ مقایسه کنید) قبل از اینکه با شرحی بسیط از خدا بعنوان «یک خدا و پدر همه که فوق همه و در میان همه و در همه شما است» آنرا خاتمه دهد (افسیان ۴: ۶ - ترجمه قدیم).

پولس از طریق این وصف شعرگونه از خدای پدر چه چیزی را بیان می‌کند؟ خدا به دلیل این که «پدر همه» است، خالق می‌باشد.

مابقی جمله شرح می‌دهد که چگونه بعد از اینکه جهان آفریده شد، خداوند با «همه چیز» یعنی با هر چیزی که خلق شده است در ارتباط است. پولس با عقاید کفرآمیز پَن تئیزم [وحدت وجود] (که خدا را با طبیعت هویت می‌بخشد) [خدا و جهان هستی یکی هستند]، یا با پَن تئیزم [خدافراگردانی] (که استدلال می‌کند که جهان در وجود خداست گرچه آن وجود فرسوده نمی‌شود). در عوض او ادعای برتری دارد (که فوق همه چیز است)، فرمانروایی فعال است (که فوق همه چیز است) و در همه جا حضور دارد (کسی که در همه چیز است)، یعنی همان خدا.

به دقت به دو ایده در خصوص وحدت کلیسا توجه کنید (افسیان ۴: ۱-۶). اول، وحدت یک واقعیت روحانی است که ریشه در این هفت «یک» دارد، واقعیتی که باید مورد تمجید قرار گیرد (افسیان ۴: ۴-۶). دوم، این وحدت مستلزم شور و اشتیاق ما برای پرورش و رشد آن است (افسیان ۴: ۳).

اغلب کوتاهی و قصور ما در تحقق این وحدت، حزن آور است. با این حال، هر نقص و کاستی که داشته باشیم، باید از کار خدا در مسیح در متحد کردن کلیسا خوشحال باشیم، و از واقعیت الهیاتی «وحدت روح» خوشحال باشیم (افسیان ۴: ۳). انجام این کار به ما قدرت می‌دهد تا به کار سخت‌پیشبرد این وحدت بازگردیم، ولی با این اعتقاد جدید که با انجام چنین کاری، کار خدا را انجام می‌دهیم.

افسیان ۴: ۴ - ۶ را دوباره بخوانید. چه احساسی در شما ایجاد می‌کند؟ دانستن این مطلب یعنی اتحاد ما در خدا و با خدا از طریق مسیح چه حسی باید ایجاد کند؟

۱۷ مرداد

سه شنبه

مسیح اعتلا یافته، ارزانی کننده عطایا

با این حال، او بواسطه بخشش مسیح به هر یک از ما عطیه خاصی داده است. به همین دلیل است که کتاب مقدس می‌گوید:

«هنگامی که به عرش برین صعود کرد، اسارت را به اسیری برد و عطایا به مردم داد». توجه کنید که آیه می‌گوید «او صعود کرد». این به وضوح به این معنی است که مسیح نیز به دنیای پست ما نازل شد. و آن کسی که نازل شد، همان است که «از همه آسمانها بسی فراتر رفت، تا همه چیز را پُر سازد» (افسیان ۴: ۷-۱۰). در اینجا چه اتفاقی می‌افتد، و منظور پولس از این آیات چیست؟

پولس در اینجا از مزمور ۶۸: ۱۸ نقل قول می‌کند که می‌نویسد: «آنگاه که به عرش برین صعود کردی اسیران را به اسیری بردی و هدایا از آدمیان گرفتی، حتی از طغیانگران، تا که تو ای یهوه خدا در آنجا سکونت گزینی». مزمور ۶۸: ۱۸ خداوند، یهوه را به عنوان فرمانده ظفرمندی به تصویر می‌کشد که بر دشمنان خود پیروز شده است و بالای تپه ای می‌رود که پایتخت او توسط اسیران جنگی در آنجا بنا شده است (مزمور ۶۸: ۱ و ۲). سپس با دریافت هدایا از دشمنان مغلوب شده اش مورد تکریم قرار می‌گیرد (توجه کنید که پولس در اینجا تمثیل خود

را با عطایای مسیح تعالی یافته تنظیم می کند که متناسب با زمینه وسیعتری از مزبور است (مزبور ۶۸: ۳۵ را ببینید).

اگر توالی مزبور ۶۸: ۱۸ را دنبال کنیم، عروج یا همان صعود مسیح به آسمان (افسیسیان ۱: ۲۱ - ۲۳) - ابتدا بوقوع می پیوندد که به دنبال آن توسط عیسیای قیام کرده و متعالی شده، عطایایی نازل می کند که همه چیز را پر می کند. این روش پولس برای به تصویر کشیدن بارش روح القدس در روز پنطیکاست است (اعمال رسولان ۲ را ببینید). این دیدگاه توسط افسسیسیان ۴: ۱۱، ۱۲ تأیید می شود، که هدایایی را که عیسیای اعتلا یافته ارزانی نموده است به عنوان عطایای روح شناخته می شود.

«مسیح به اعلی علیین صعود کرد و اسیران را رهبری کرده و به مردم عطایایی ارزانی نمود. هنگامی که پس از عروج مسیح، روح همانطور که وعده داده بود، مانند تندبادی قدرتمند نازل شد و تمام مکانی را که شاگردان در آنجا جمع شده بودند پر ساخت، چه تأثیری ایجاد نمود؟ هزاران نفر در یک روز به مسیح ایمان آوردند». - الن جی وایت، شما قدرت خواهید یافت، صفحه ۱۵۸.

هر قدر هم که این چند آیه در افسسیسیان ژرف باشد، چگونه می توانیم بیاموزیم که از آنچه که مسیح برای ما انجام داده و انجام خواهد داد، تسلی بگیریم، به ویژه زمانی که او «همه چیز را از هر لحاظ پُر می سازد؟» (افسیسیان ۱: ۲۳)

۱۸ مرداد

چهارشنبه

عطایای عیسیای تعالی یافته

پولس با اقتباس از مزبور ۶۸: ۱۸، قیام و تعالی و ظفرمندی عیسی را به عنوانی عطایای ارزانی شده به قوم او از اعلی توصیف می کند. عیسیای متعال چه عطایایی را ارزانی می کند و برای چه هدفی؟ افسسیسیان ۴: ۱۱ - ۱۳.

پولس چهار گروه از افراد عطیه یافته را به عنوان بخشی از گنجینه اهدا شده توسط عیسیای تعالی یافته تشخیص می دهد که به کلیسایش ارزانی می کند: (۱) رسولان؛ (۲) انبیا؛ (۳) مبشران؛ (۴) شبانان و معلمان (ساختار عبارت یونانی این ها را به عنوان یک گروه تلقی می کند). مسیح این عطایا را برای به اتمام رساندن کار مهم ارزانی می کند: «تا مقدّسان را برای کار خدمت آماده سازند، برای بنای بدن مسیح» (افسیسیان ۴: ۱۲) و «تا زمانی که همه به یگانگی ایمان و شناخت پسر خدا دست یابیم و بالغ شده، به بلندای کامل قامت مسیح برسیم» (افسیسیان ۴: ۱۳).

این نکته آخر برای ادونتیست های اولیه که در حال تأمل در عطایای روحانی الن جی وایت بودند، اهمیت ویژه ای داشت. آیا کتاب مقدس عملکرد عطیه نبوت در کلیسا را فقط در زمان رسولان تأیید می کند؟ یا این عطیه تا بازگشت مسیح ادامه دارد؟

ادونتیست های اولیه پاسخ خود را در افسسیان ۴: ۱۳ یافتند و آن را از طریق داستانی در مورد ناخدای یک کشتی که مجبور بود دستورالعمل های ارائه شده برای یک سفر را دنبال کند، به اشتراک گذاشتند. وقتی کشتی به بندر نزدیک شد، ناخدا متوجه شد که در دستورالعمل قید شده که یک مسیر یاب برای کمک به هدایت کشتی سوار خواهد شد. برای مقید ماندن به دستورالعمل های اصلی، او باید به مسیر یاب اجازه دهد تا سوار شود و از راهنمایی های بیشتر ارائه شده اطاعت کند.

«اینک چه کسی به آن کتاب اصلی دستورالعمل ها توجه می کند؟ کسانی که مسیر یاب را نمی پذیرند، یا کسانی که او را همانطور که آن کتاب به آنها دستور می دهد، می پذیرند؟ خودتان قضاوت کنید.» - مرجع زیر:

—Uriah Smith, "Do We Discard the Bible by Endorsing the Visions?" Review and Herald, January 13, 1863, p. 52.

وقتی «شبانان» (یا «کشیشان»)، «معلمان» و «مبشران» را شناسایی می کنیم، باید مراقب باشیم، زیرا به این موقعیت ها در چارچوب زمانی خود فکر می کنیم. تا آنجا که قادر به تشخیص هستیم، در زمان پولس، همه اینها رهبران غیر روحانی بودند که به کلیساهای خانگی افسس خدمت می کردند (اول پطرس ۲: ۹؛ اعمال رسولان ۲: ۴۶؛ اعمال رسولان ۱۲: ۱۲ را مقایسه کنید).

اشعیا ۵: ۴ را بخوانید: «برای تاکستانم چه کاری دیگری باید انجام می دادم که در آن انجام ندادم؟» (ترجمه مستقیم). به این آیه در زمینه آنچه که خداوند از طریق خدمت الن جی وایت به ما داده است فکر کنید. چگونه اعمال می شود؟

۱۹ مرداد

پنجشنبه

رشد در مسیح

چه خطری بلوغ مسیح گونه را تهدید می کند؟ افسسیان ۴: ۱۴

پولس محیطی را درک می کند که بی شباهت به محیط ما نیست که در آن ایده های مختلفی مانند «باد تعالیم» و «نقشه های مکارانه» بر ایمانداران تحمیل می شود. او از سه مجموعه تصویر برای تشریح خطرات الهیات سرگردان استفاده می کند: (۱) نابالغی دوران

کودکی، «به طوری که دیگر کودک نباشیم». (۲) خطر در دریاهاى آزاد، که بواسطه امواج، ما را به این طرف و آن طرف پرتاب می کند و با هر باد تعالیم. (۳) مکر آدمیان که مانند قماربازها حيله گری می کنند. پولس به به طور استعارى از واژه یونانى kubeia تاس بازی به مفهوم حيله گری و فریب استفاده می کند.

پولس معتقد است که تفرقه یک نشانه مهم از خطاست: آنچه بدن را تغذیه می کند و رشد می دهد و به حفظ آن کمک می کند خوب است در حالی که آن چیزی که جسم را ضعیف می کند و آن را از هم جدا می سازد اهریمن است. با روی گرداندن از آموزه های تفرقه انگیز و روی آوردن به معلمان مورد اعتماد (افسیسیان ۴: ۱۱)، آنها به سوی بلوغ مسیحی واقعی پیش خواهند رفت و نقش های مؤثری در بدن مسیح ایفا خواهند کرد.

به چه طریقه ایی یک کلیسای سالم مانند یک بدن سالم کار می کند؟ افسسیان ۴: ۱۵ و ۱۶.

در افسسیان ۴: ۱-۱۶، پولس از اتحاد کلیسا دفاع می کند و مخاطبان را دعوت می کند تا بطور فعال آنرا رشد دهند. در حالی که وحدت یک اطمینان الهیاتی است (افسیسیان ۴: ۴-۶)، به سختکوشی ما نیاز دارد (افسیسیان ۴: ۳).

یکی از راههایی که اتحاد را پرورش می دهد این است که اعضای فعال بدن مسیح باشیم (افسیسیان ۴: ۷-۱۶). هر یک از ما عضوی از بدن است و باید سهمی را در سلامتی و رشد آن ایفا کند (افسیسیان ۴: ۷ و ۱۶).

همه ما باید از کار رسولان، انبیا، مبشران و شبانان - معلمان بهره مند شویم (افسیسیان ۴: ۱۱). اینها، مانند رباطها، تاندونها، و «مفاصل نگاهدارنده» (افسیسیان ۴: ۱۶)، عملکردی منسجم کننده و وحدت بخش دارند و به ما کمک می کنند تا با هم در مسیح رشد کنیم، که سر بدن است (افسیسیان ۴: ۱۳ و ۱۵).

برخی از «بادهای تعالیم» که امروز در کلیسای ما می وزند، کدامند، و چگونه می توانیم در برابر آنها محکم بایستیم؟ پاسخ خود را در روز سبت به کلاس بیاورید.

۲۰ مرداد

جمعه

اندیشه ای فراتر: دو یادداشت به ما کمک می کند تا مطالعه خود را از افسسیان ۴:

۷-۱۰ تعمیم بدهیم.

۱. ترجمه افسسیان ۴: ۹. برخی ترجمه ها اشاره بر این دارد که نزول قبل از صعود واقع می شود. برای مثال او «اول نزول کرده بود»- ترجمه قدیم.

ترجمه های دیگر، متن یونانی را با دقت بیشتری دنبال می کنند و موضوع زمان بندی صعود و نزول را باز می گذارند (مثلاً «آیا صعود او به این معنا نیست که او ابتدا به مناطق اسفل زمین نزول کرد؟» که امکان مشاهده را فراهم کرد، که در درس روز سه شنبه بیان شد، که

ترتیب روایتی مزبور ۶۸:۱۸ باید دنبال شود و ابتدا عروج مسیح به آسمان («صعود») و سپس «نزول» او در روح انجام شود.

۲. اسارت را به اسیری برد. با نقل قول ۶۸:۱۸ از کتاب عهد قدیم یونانی که سپتوجان نامیده می شود (ترجمه کهن یونانی عهد قدیم)، پولس از عبارتی در افسسیان ۴:۸ استفاده می کند که بطور تحت اللفظی اینگونه خوانده می شود «اسیر را به اسیری برد» (که در برخی ترجمه ها انعکاس یافته) ولی آن که بطور گسترده ای تایید شده این است که «او اسارت را به اسیری برد».

ادونتیست های روز هفتم اغلب این عبارت را برای اشاره به عمل مسیح برای بازگرداندن آنها با خود به آسمان، در هنگام عروج، درک کرده اند (متی ۲۷:۵۱-۵۳). اینها «بافه ای» (لاویان ۲۳:۱۰ - ۱۲) را تشکیل می دهند، نوبرهای بازخريدشدگان، که او در بازگشت به بارگاه های ملکوت به پدر تقدیم می کند. (کتاب مقدس تفسیری ادونتیستهای روز هفتم، جلد ششم صفحه ۱۰۲۲ را ببینید؛ آرزوی اعصار صفحه ۸۳۴ را با آرزوی اعصار صفحات ۷۸۵ و ۷۸۶ مقایسه کنید).

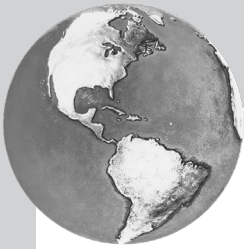
متناوباً، مطابق با کولسیان ۲:۱۵، می توان این آیه را به عنوان تصویری از غلبه مسیح بر دشمنانش - شیطان و فرشتگان شیطانی اش - در نظر گرفت که به عنوان اسیران شکست خورده به تصویر کشیده می شوند.

سوالاتی برای بحث:

۱. فهرست «عطایای روحانی» در افسسیان ۴:۱۱ را با فهرستهای اول قرن تیان ۱۲:۴-۱۱، ۲۷-۳۰؛ رومیان ۱۲:۴-۸؛ و اول پطرس ۴:۱۰، ۱۱ مقایسه کنید. چه تفاوت ها و شباهت هایی را مشاهده می کنید؟

۲. در کلاس، در مورد برخی از «بادهای تعالیم» که امروز در کلیسا می وزد صحبت کنید. توجه داشته باشید که چگونه پولس می گوید که ما نباید توسط این بادهای به این سو و آن سو برویم. چه راههایی وجود دارد که می توانیم به محافظت از خود و دیگران در کلیسا در برابر آسیب هایی که این بادهای می توانند به ما وارد کنند، کمک کنیم؟

۳. پولس از طریق افسسیان بر موضوع «وحدت» تأکید می کند. ولی آیا باید به هر قیمتی به دنبال وحدت باشیم؟ به عبارت دیگر، در چه مقطعی میل به وحدت می تواند نتیجه معکوس داشته باشد؟ بحث کنید.



یک فداکاری واقعی (قسمت ۴)

نوشته‌ی اندرو مک‌چسنی

حدود یکسال گذشت. آملیرا هر شب دعا می‌کرد و کتاب مقدس می‌خواند تا روح شیطانی را از خود دور کند. هر سبت به کلیسا می‌رفت و انتقادات دردناک و حتی تهدیدهای والدین، اقوام و همسایه‌ها را تحمل می‌کرد؛ اما بقیه زندگی‌اش دست نخورده باقی ماند. در طول هفته به مدرسه می‌رفت و اغلب شب‌ها و آخر هفته‌ها با دوستانش در کلوب‌ها مهمانی می‌گرفت.

آملیرا در ۱۸ سالگی به یک دوراهی در ایمان مسیحی خود رسید. او به سوالی برخورد که نتوانست به آن پاسخ دهد. او نمی‌توانست بفهمد چرا کتاب مقدس، مرگ عیسی را قربانی نامیده است. از نظر او، مرگ عیسی یک قربانی بنظر نمی‌رسید. درحالی‌که او ظالمانه مورد آزار و اذیت قرار گرفت و مصلوب شد، مطمئناً او می‌دانست که زنده خواهد شد، پس چگونه مرگ او یک قربانی بود؟ در مقابل، آملیرا هر سبت مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفت و احساس می‌کرد رابطه‌اش با والدین، اقوام و دوستانش را فدای عیسی کرده بود. او نمی‌دانست که داستانش چگونه به پایان می‌رسد. بنظر می‌رسید که او فداکاری بزرگتری کرده است.

مات و مبهوت برای یافتن جواب، دعا کرد: «ای عیسی، خوانده‌ام که باید آشکارا نگرانی‌هایم را به تو بگویم و تو به من جواب می‌دهی. اکنون درخواست من این است: من هر روز درباره زندگی تو در انجیل و کتاب «آرزوی اعصار» می‌خوانم. لطفاً برای من آشکار کن که مرگ تو بر روی صلیب چه معنایی دارد و چرا قربانی تو انقدر بزرگ است؟»

آملیرا واقعا نمی‌خواست انجیل یا «آرزوی اعصار» ال‌ن وایت را مطالعه کند اما خودش را مجبور کرد که هر روز هردو را بخواند. در ابتدا حین خواندن، با بی‌حوصلگی مبارزه می‌کرد. او ارتباط نزدیکی با عیسی نداشت. اگرچه در روز سبت پرستش می‌کرد، اما در طول هفته زندگی معمول خودش را می‌گذراند. آملیرا به خواندن ادامه داد و بالاخره جوابی برای پرسشش یافت. او در «آرزوی اعصار» اینگونه خواند: «شیطان با وسوسه‌های بی‌امان و وحشیانه‌اش، روح

عیسی را آزرده کرده بود. مسیح نمی‌توانست از مدخل گور چیزی را ببیند. امید و انتظار بیرون آمدن از گور بعنوان یک فاتح به او عرضه نشده بود و همچنین پذیرش قربانی از سوی پدر به او گفته نشده بود. مسیح از وهن گناه در نظر خداوند آگاه بود و می‌ترسید که گناه باعث جدایی ابدی او از خدا شود.» (ص ۷۵۴)

این اجابت دعای او بود. عیسی نیز ترسیده بود که برای همیشه بمیرد اما او آماده شده بود تا این ریسک را برای آلمیرا بپذیرد. این موضوع که عیسی نیز پایان خود را نمی‌دانست، همانطور که آلمیرا نیز نمی‌دانست داستانش چگونه بیان می‌یابد، او را شگفت زده کرد. اما عیسی زندگی ابدی‌اش را به خطر انداخته بود تا او را نجات دهد.

آلمیرا که از چنین عشق بی‌پایانی شگفت زده شده بود، قلب خود را برای دعا گشود و گفت: «عیسی، حتی اگر هیچکس دیگری روی زمین از تو پیروی نکند، من از تو پیروی خواهم کرد.»

او تصمیم گرفت تا قلبش را با غسل تعمید به عیسی دهد. هفته آینده درباره آلمیرا بیشتر بخوانید. از شما بابت هدایای بشارتی که به توزیع انجیل در روسیه و سراسر جهان کمک می‌کند، سپاسگزاریم.

زندگی شکل یافته توسط مسیح و گفتار الهام گرفته از روح



بعد از ظهر سبت

برای مطالعه این هفته بخوانید: افسسیان ۴: ۱۷ - ۳۲؛ کولسیان ۳: ۱ - ۱۷؛ زکریا ۳: ۳ - ۵؛ زکریا ۸: ۱۶؛ اشعیا ۶۳: ۱۰؛ رومیان ۸: ۱۶ و ۲۶ و ۲۷.

آیه حفظی: «شما آموختید که باید به لحاظ شیوه زندگی پیشین خود، آن انسان قدیم را که تحت تأثیر امیال فریبنده دستخوش فساد بود، از تن به در آورید. باید طرز فکر شما نو شود و انسان جدید را در بر کنید، که آفریده شده است تا در پارسایی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدا باشد» (افسسیان ۴: ۲۲ - ۲۴).

خوزه آنتونیو در شهر پالمای اسپانیا برای سالها بی خانمان و کارتن خواب بود. او با مو و ریش خاکستری آشفته اش پیرتر از ۵۷ ساله بنظر می رسید. روزی سالوا گراشیا که صاحب یک سالن آرایشگری بود پیش خوزه رفت و پیشنهاد کرد تا به سر و صورت آنتونیو صفایی بدهد. خوزه به همراه کارمندان موها و ریشهای آنتونیو را رنگ کرده فرم دادند. بعد به او لباس شیکی دادند و حالا صحنه نمایش آماده شده بود. او جلوی آینه قرار گرفت و اشک از چشمانش جاری شد. «این منم؟ خیلی فرق کردم. هیچکس نمیتونه منو بشناسه! بعد افزود: این قیافه منو تغییر نداد بلکه زندگیم رو هم عوض کرد».

پولس در افسسیان ۴: ۱۷ - ۳۲ استدلال می کند که ایمانداران تحولی کامل را تجربه کرده اند. آنان وجود کهنه خود را بیرون آورده اند و هویت جدیدی را قبول کرده اند. با این وجود تحول خوزه صرفاً ظاهری نبود. همانند خوزه باید «طرز فکر شما نو شود» (افسسیان ۴: ۲۳) تا «پارسایی و قدوسیت حقیقی» (افسسیان ۴: ۲۴) وارد زندگی شما بشود. این حالت بهترین و اوج تغییر می باشد.

*درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۱۹ اوت - ۲۸ مرداد آمادگی داشته باشید.

گرداب گناه

افسیسیان ۴: ۱۷ - ۳۲ را با کولسیان ۳: ۱ - ۱۷ مقایسه کنید. چگونه پولس ایمانداران را ترغیب می کند تا به گونه ای زندگی کنند که مشوق وحدت کلیسا باشد؟

در بخش قبل، افسسیان ۴: ۱-۱۶، موضوع پولس در خصوص وحدت کلیسا بود. وقتی افسسیان ۴: ۱ و افسسیان ۴: ۱۷ را با هم مقایسه می کنیم، متوجه می شویم که این دو اندرز تا چه اندازه در مورد چگونگی گام برداشتن یا سبک زندگی کردن به یکدیگر شباهت دارند. این شباهت نشان می دهد که پولس به همان موضوع می پردازد. موضوع وحدت و سبک زندگی است از آن پشتیبانی می کند، لیکن از نقطه نظری جدید و منفی تر به آن می پردازد.

در افسسیان ۴: ۱۷-۲۴، پولس سبک زندگی غیریهودی را که به نظر او تضعیف کننده وحدت است (افسیسیان ۴: ۱۷-۱۹)، با الگوهایی که به واقع زندگی مسیحی را پرورش می دهد، مقایسه می کند (افسیسیان ۴: ۲۰-۲۴). همانطور که انتقاد شدید پولس از سبک زندگی فاسد غیریهودیان را می خوانیم، باید عقیده او را به خاطر بیاوریم که غیریهودیان توسط خدا از طریق مسیح فدیة داده می شوند و در شراکت کامل با قوم خدا در می آیند (افسیسیان ۲: ۱۱-۲۲، افسسیان ۳: ۱-۱۳). پس در افسسیان ۴: ۱۷-۱۹، او توصیفی محدود و منفی از «یهودیان در جسم» را ارائه می دهد (افسیسیان ۲: ۱۱).

پولس تنها نگران گناهان یا رفتارهای خاص غیریهودیان نیست که در معرض نمایش قرار می دهند. او نگران الگوی رفتاری است که آنها از خود نشان می دهند، که سیر نزولی زندگی در چنگال گناه می باشد.

در کانون افسسیان ۴: ۱۷ - ۱۹ تصویری از یک روحانیت سرد و بی احساس وجود دارد: «عقل آنها تاریک شده است، و به علت جهالتی که نتیجه سخت دلی شان است، از حیات خدا به دور افتاده اند» (افسیسیان ۴: ۱۷، ۱۸). این روحانیت سرد سرچشمه کج فهمی است که در ابتدای آیه به آن اشاره شده است. «عقل آنها تاریک شده است، و به علت جهالتی که نتیجه سخت دلی شان است» (افسیسیان ۴: ۱۸ و ۱۹) و ممارست در فساد جنسی که در پایان آن است (آنان چون هر حساسیتی را از دست داده اند، خویشان را یکسره در هرزگی رها کرده اند، چندان که حریصانه دست به هر ناپاکی می آلاینند) (افسیسیان ۴: ۱۸ و ۱۹)

آنها که از خدا بیگانه شده اند، نمی دانند چگونه زندگی کنند، و جدا از فیض نجات بخش او، به سیر قهقرایی گناه و تباهی ادامه می دهند.

تجربه خود شما از قدرت گناه چه بوده است که همچنان فرد را به سیر نزولی گناه می کشاند؟

دوشنبه

۲۳ مرداد

تغییر چشمگیر لباس و پوشش

پولس در بازگویی داستان تحول مخاطبینش کدام نکته ضروری را به آنان خاطر نشان می سازد؟ (افسیان ۴: ۲۰ - ۲۴).

پولس پس از شرح وجودی غیریهودی سابق آنها (افسیان ۴: ۱۷ - ۱۹)، می گوید که «شما مسیح را اینگونه نشناخته اید» بلکه در عوض ادعا می کند که «شما مسیح را نشناخته اید!» (افسیان ۴: ۲۰ - ترجمه تطبیقی). با توجه به این نکته که مخاطبین «او را شنیدند» و «در او» (افسیان ۴: ۲۱) یا «توسط او» (ترجمه های دیگر) «تعلیم یافتند»، پولس بیشتر از پذیرفتن زندگی که توسط مسیح شکل یافته با عبارت «مطابق آن حقیقت که در عیسی است» دفاع می کند (افسیان ۴: ۲۱).

از دیدگاه پولس، کسی که ایمان می آورد با مسیح تماس شخصی برقرار می کند، رابطه ای که آنقدر شفاف و واقعی است که می توان آن را به عنوان «شناخت مسیح» توصیف کرد. ما شهادت می دهیم که عیسی از مرگ قیام کرده و تعالی یافته زنده است و در کنار ما حضور دارد. ما با آموزه ها و الگوی او شکل یافته ایم و به او به عنوان خداوند زنده خود وفاداریم. زندگی ما به روی راهنمایی و هدایت همیشه حاضر او از طریق روح و کلام گشوده است.

پولس به ما می گوید که پذیرفتن زندگی شکل یافته توسط مسیح مستلزم سه مرحله است که از طریق تمثیل پوشش لباس بیان می کند: (۱) در آوردن یا دوری از شیوه های کهنه زندگی (افسیان ۴: ۲۲) (۲) تجربه نو شدگی باطنی (افسیان ۴: ۲۳) (۳) پوشیدن یا در بر گرفتن الگوی زندگی خداگونه (افسیان ۴: ۲۴). تمثیل پولس از لباس در عهد قدیم بعنوان نمادی برای گناهکار بودن (برای نمونه مزمور ۷۳: ۶؛ زکریا ۳: ۳ و ۴؛ ملاکی ۲: ۱۶) و رستگاری است (برای نمونه اشعیا ۶۱: ۱۰، حزقیال ۱۶: ۸، زکریا ۳: ۴ و ۵).

در ایام کهن، مردان برای زیرپوش یک تونیک می پوشیدند که تا زانوی آنها بود و قبا یا ردایی بر تن می کردند تا آنها را از آفتاب محافظت کند. به همین ترتیب، زنان نیز تن پوش و قبا می پوشیدند. فرهنگ های منعکس شده در کتاب مقدس، فرهنگ های معیشتی زندگی بودند. لباس ها ارزشمند و گرانبها بودند و برای مدت طولانی نگهداری می شدند. داشتن بیش از یک دست لباس غیرعادی بود.

کیفیت و طرح آن لباسها معرف هویت و مقام پوشنده لباس بود. عوض کردن لباس، تغییر یک دست لباس به نوع دیگر، غیر معمول و مرتبط به واقعه ای مهم بود (و نه اتفاقی که در فرهنگهای امروز متداول است). پولس تغییر زندگی را به عنوان تغییر نوع لباس می داند که در چارچوب فرهنگی قرن اول بطور قابل توجهی چشمگیر بود.

چه تفاوت اساسی، بین آموختن درباره مسیح و آموختن شناخت مسیح وجود دارد؟

۲۴ مرداد

سه شنبه

گفتار وحدت بخش، و سرشار از فیض

اینک مهم ترین توصیه پولس در خصوص استفاده از گفتار در میان ایمانداران برای شما کدام است؟ چرا؟ (افسیسیان ۴: ۲۵ - ۲۹).

پولس بطور مکرر از ساختار جالبی در افسسیان ۴: ۲۵ - ۳۲ استفاده می کند که توسط افسسیان ۴: ۲۵ به تصویر کشیده شده است: یک فرمان منفی «دروغ را ترک کنید»؛ سپس یک فرمان مثبت «هر کس با همسایه خود سخن به راستی گوید»؛ و بعد یک دلیل منطقی «زیرا که ما همه، اعضای یکدیگریم» که به نظر می رسد به معنای این باشد: «زیرا ما اعضای یک بدن هستیم و به عنوان اعضای یک بدن با یکدیگر مرتبط هستیم». توصیه پولس به «راستگویی» دعوتی برای رویارویی با دیگر اعضای کلیسا با گفتن بدون تدبیر حقایق نیست. پولس به زکریا ۸:۱۶ اشاره می کند که گفتن حقیقت را به عنوان راهی برای تقویت صلح و دوستی ترغیب می کند.

از آنجایی که پولس در افسسیان ۴: ۳۱ از گفتار خشمگینانه و ناراحتی اجتناب می کند، کلام او در افسسیان ۴: ۲۶ هیچ اجازه ای برای ابراز خشم در میان جماعت را نمی دهد. در عوض، پولس خشم را غیر ممکن می داند، در حالی که بیان آن را با این حس محدود می کند: «هنگامی که خشمگین می شوید، گناه نکنید. مگذارید روزتان در خشم به سر رسد».

به نظر می رسد پولس موضوع سخنرانی خود را با یک فرمان منفی در مورد دزدان متوقف می کند: «دزد دیگر دزدی نکند» (افسیسیان ۴: ۲۸). به طور مثبت، دزد باید «با دستهای خود کاری سودمند انجام دهد» (افسیسیان ۴: ۲۸؛ همچنین اول قرنطیان ۴: ۱۲، اول تسالونیکیان ۴: ۱۱ را ببینید) مطابق با این منطق که، «بتواند نیازمندان را نیز چیزی دهد» (افسیسیان ۴: ۲۸). شاید پولس به دلیل ارتباط بین دزدی و سخنان فریبنده همانطور که در داستان حانیا و

سفیره در اعمال رسولان ۵: ۱-۱۱ نشان داده شده است، این کلمه را در مورد دزدان در اینجا آورده است. ایمان پولس به قدرت تغییردهنده مسیح آنقدر قوی است که چنین می اندیشد که دزدها افراد سودمندی شوند!

آنگاه پولس فرمان می دهد «دهانتان به هیچ سخن بد گشوده نشود» (افسیسیان ۴: ۲۹)، که واژه ای مخرب را توصیف می کند که بی وقفه زیانباری را بر لبان جاری می کند. پولس بطور مثبت هر گونه بیان منفی را که متوقف نشده است در نظر می گیرد ولی آن را با بیانیه ای جایگزین می کند که معرف سه معیار می باشد: (۱) برای بنای دیگران خوب باشد، (۲) نیازی را برآورده سازد، (۳) شنوندگان را فیض رساند (افسیسیان ۴: ۲۹). ایکاش تمامی گفتار ما اینگونه می بود!

۲۵ مرداد

چهارشنبه

روح القدس در زندگی ایمانداران

پولس در بحث در خصوص گناهان گفتاری در جامعه مسیحی، چه توصیه ای در مورد حضور روح القدس با ایمانداران دارد؟ افسسیان ۴: ۳۰.

پولس به طور همزمان هشداری دلهره آور و وعده ای دلگرم کننده ارائه می دهد. گناهان ما در برابر یکدیگر در کلیسا، کردار ناشایست کوچکی نیستند و از عواقب کمی برخوردار نمی باشند: آنچه روح القدس را محزون می سازد، استفاده نادرست ما از عطای گفتار خدا برای تخریب دیگران است (افسیسیان ۴: ۲۵-۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۲). این که پولس اشعیا ۶۳: ۱۰ را تکرار می کند، بر این هشدار جدی تأکید می کند: «اما ایشان عاصی شده، روح قدّوس او را محزون ساختند، پس برگشته، دشمن ایشان شد و او خود با ایشان جنگ نمود» - (ترجمه قدیم).

پولس در وعده ای اطمینان بخش تأیید می کند که روح القدس ایمانداران را از روزی که مسیح را پذیرفتند (افسیسیان ۱: ۱۳، ۱۴) تا «روز رستگاری» (افسیسیان ۴: ۳۰) مهربان می کند. رابطه روح با ایماندار شکننده نیست بلکه بادوام است. هنگامی که ایمانداران با استفاده از سلاح گفتار خداوند سوء استفاده کرده و حضور ساکن روح را نادیده می انگارند، گفته می شود که روح ترک نمی کند بلکه محزون می شود. روح قصد دارد تا زمان بازگشت مسیح، نزد ایمانداران حضور داشته باشد و آنها را تحت مالکیت و محافظت خدا قرار دهد.

پولس بر الوهیت کامل روح به عنوان «روح القدس خدا» تأکید می ورزد و با به تصویر کشیدن روح القدس به عنوان محزون، شخصیت روح را برجسته می کند. (همچنین رومیان ۸: ۱۶، ۲۶، ۲۷؛ اول قرنتیان ۲: ۱۰، ۱۳؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۱؛ غلاطیان ۵: ۱۷، ۱۸ را ببینید).

ما بایستی در مبحث راز الوهیت به دقت گام برداریم. روح با پدر و پسر یکی است و از

آن متمایز است. «روح اراده خود را دارد و بر این اساس انتخاب می‌کند. او را می‌توان محزون کرد و به او توهین کرد. چنین عباراتی برای یک قدرت یا نفوذ صرف مناسب نیست، بلکه ویژگی‌های یک فرد است.

آیا روح، فردی مثل من و شماست؟ نه، ما از عبارات محدود بشری برای شرح الوهیت استفاده می‌کنیم و روح چیزی است که بشر هرگز نمی‌تواند باشد». از مرجع زیر:

—Paul Petersen, *God in 3 Persons—In the New Testament* (Silver Spring, MD: Biblical Research Institute, 2015), p. 20.

این «روح القدس خدا» است که در چنان ارتباط صمیمی با ما زندگی می‌کند که اعمال ما نشان دهنده تاثیر آن بر ما است. ما زندگی را با عضوی از الوهیت به اشتراک می‌گذاریم که در رابطه‌ای با دوام نسبت به ما متعهد است که ما را تا پایان زمان مَهر می‌کند. پاسخ ایمانی ما به این حقیقت شگفت‌انگیز چه باید باشد؟

۲۶ مرداد

پنجشنبه

مهربانی (نه ترسوئی)

پولس با اشاره به روز رستگاری (افسیان ۴: ۳۰) از خوانندگان خود دعوت نموده است تا کاربرد کلامی خود را در چارچوب آمدن بازگشت دوباره مسیح در نظر بگیرند. بنابراین، افسسیان ۴: ۳۱، ۳۲ ممکن است به عنوان استفاده از گفتار در حین نزدیک شدن به آن رویداد بزرگ درک شود.

در راستای بازگشت مسیح در رابطه با گفتار از چه نگرش‌ها و رفتارهایی باید اجتناب شود؟ چه نگرش‌ها و رفتارهایی باید اتخاذ شود؟ افسسیان ۴: ۳۱ و ۳۲.

در آخرین توصیه افسسیان ۴: ۱۷-۳۲، پولس دوباره فرمانی منفی صادر می‌کند، این شش بدرفتاری را مشخص می‌کند که باید آنها را «از خود دور کنید» (افسیان ۴: ۳۱)؛ فرمانی مثبت برای مهربانی، دلسوزی، و بخشیدن (افسیان ۴: ۳۲)، و منطقی که در آنها نهفته است. ایمانداران باید یکدیگر را ببخشند «همانطور که خدا در مسیح شما را بخشید» (افسیان ۴: ۳۲). فهرست شش بدکاری با عبارات کلی و جامع، «هرگونه تلخی یا ترسوئی» و «هر گونه بدخواهی» آغاز و پایان می‌یابد. در این بین چهار اصطلاح دیگر وجود دارد: «خشم»، «عصبانیت»، «فریاد» و «ناسزاگویی» (افسیان ۴: ۳۱).

آخرین این ترجمه ها واژه یونانی aiblasphem می باشد که زبان انگلیسی آن را وام گرفته است و به معنی گفتار تحقیرآمیز بر علیه خدا یا کفرگویی است.

با این حال، عبارت یونانی، گفتاری را که خدا یا سایر انسان ها را بدنام می کند، به عنوان «تهمت» یا «بدگویی» معرفی می کند. در این فهرست، نگرش ها (تلخی، خشم، عصبانیت) به نظر می رسد که به گفتار خشم آلود تبدیل می شود (فریاد، ناسزا). در اصل، پولس گفتار مسیحی را غیر خشن می کند و از حالت نظامیگری در می آورد. نگرش هایی که باعث ایجاد سخنرانی عصبانی می شود و راهبردهای بلاغی و بدیعی که از آن استفاده می کنند باید از مجموعه گفتاری مسیحیان حذف شوند. شکوفایی و تقویت جامعه مسیحی زمانی محقق می شود (با افسسیان ۴: ۱-۱۶ مقایسه کنید) که این چیزها کنار گذاشته شود.

با این حال، گفتار اهریمنی آنقدر سرکوب نمی شود که جایگزینی برای آن باشد. گفت وگوها و کردار ما در میان خانواده مسیح - و فراتر از آن - از روی خشم رشد نمی کند، بلکه باید با محبت، مهربانی، و بخشش بر اساس بالاترین معیار ها باشد، یعنی بخششی که خدا در مسیح برای ما مهیا ساخته است.

پولس بخشش عمودی [از طرف خداوند] را ارائه می کند (که توسط خدا به ما ارزانی شده است) به عنوان مدلی برای بخشش افقی (که بموجب آن ما به دیگران ارزانی می کنیم؛ با کولسیان ۳: ۱۳؛ متی ۶: ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ مقایسه کنید).

به قدرت سخنان خود بیندیشید. چگونه می توانید از آنها برای اعتلا، تشویق، و بنا کننده ایمان استفاده کنید؟

۲۷ مرداد

جمعه

اندیشه‌ای فراتر: بگذارید گفتگوی شما طوری باشد که نیازی به توبه نداشته باشید. «روح قدوس خدا را محزون نسازید که توسط آن برای روز رهایی مَهر شده‌اید» ... اگر در دل محبت دارید، در پی ایجاد و بنای ایمان برادرت در مقدس ترین حالت خواهید بود. اگر حرفی زد که برای شخصیت دوست یا برادران زیان آور است، این بد گویی را تشویق نکنید. این کار خصم است. لطفاً به گوینده یادآوری کنید که کلام خدا این نوع گفتار را منع کرده است.» - از مرجع زیر:

—Ellen G. White, Advent Review and Sabbath Herald, June 5, 1888.

اگر شما و هر یک از اعضا تعهدی متشکل از عباراتی مانند موارد زیر را بپذیرید و زندگی کنید، جماعت کلیسایی شما چگونه تغییر می کند؟

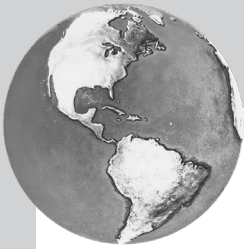
۱. آرزو می کنم تأثیر من در خانواده کلیسای ادونتیست روز هفتم و فراتر از آن مثبت، رفعت بخش، بنا کننده ایمان و ترفیع دهنده اخلاقیات باشد (افسسیان ۴: ۲۹).
۲. با یادآوری ندای مسیح برای اتحاد و محبت، انرژی بیشتری را برای انجام و بیان چیزهایی که فکر می کنم خوب هستند صرف می کنم تا اینکه به اشتباهات کسانی

- اشاره کنم که معتقدم اشتباه می کنند. (یوحنا ۱۳: ۳۴ و ۳۵؛ یوحنا ۱۷: ۲۰ - ۲۳؛ افسسیان ۴: ۱ - ۶؛ اول تسالونیکیان ۵: ۹ - ۱۱).
۳. اگر با فردی موافق نباشم بطور شفاف احترام خود را به هم ایمانی خود نشان می دهم. صداقت و تعهد او را نسبت به مسیح در نظر خواهم گرفت. دیدگاه متفاوت خود را با آرامش و نه با تندخویی بیان خواهم کرد (افسسیان ۴: ۳۱ و ۳۲).
۴. با خوشی تمام زندگی می کنم و بدنال هر فرصتی هستم تا اعضای کلیسایم را بنا کنم، در حینی که منتظر بازگشت مسیح هستم (افسسیان ۴: ۲۹ و ۳۰؛ غلاطیان ۶: ۲؛ عبرانیان ۱۰: ۲۴ و ۲۵).

سوالاتی برای بحث:

۱. پولس در افسسیان، یازده بار سه عضو الوهیت را به عنوان همکار نزدیک با هم برای نجات نوع بشر توصیف کرده است. چگونه این تأکید مکرر درک ما را از الوهیت نشان می دهد؟ افسسیان ۱: ۳ - ۱۴، افسسیان ۱: ۱۵ - ۲۳، افسسیان ۲: ۱۱ - ۱۳، افسسیان ۲: ۱۹ - ۲۲، افسسیان ۳: ۱ - ۱۳، افسسیان ۳: ۱۴ - ۱۹، افسسیان ۴: ۴ - ۶، افسسیان ۴: ۱۷ - ۲۴، افسسیان ۴: ۲۵ - ۳۲، افسسیان ۵: ۱۵ - ۲۰، افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰، (جایی که «خداوند»، افسسیان ۶: ۱۰ اشاره به مسیح دارد).

۲. چگونه اندرز پولس در مورد گفتار مسیحی (افسسیان ۴: ۲۵-۳۲) در عصر «ارتباطات کامپیوتری» که اغلب برای آزار و اذیت سایبری و ترور شخصیت های آنلاین ناشناس استفاده می شود، برای ما کاربرد دارد؟



شفای الهی حقیقی (قسمت ۵)

نوشته‌ی اندرو مک‌چسنی

آملیرا با پدر و مادرش صحبت کرد و گفت تصمیم دارد یک ادونتیست روز هفتم باشد. او همچنین به آنها درباره شرکت در کلاس های ممنوعه ماوراء الطبیعی، حضور روح شیطانی و کابوس های مداوم شبانه گفت.

مادر گریست و گفت: «اگر کلیسا به تو کمک می‌کند، برو.»

پس از گرفتن غسل تعمید، آملیرا دیگر هرگز مورد آزار روح قرار نگرفت.

امروزه آملیرا اچ. یالیشف ۴۶ ساله، معلم زبان شناسی در دانشگاه ادونتیست زاکوسکی در روسیه است. همسرش کمیل کی. یالیشف، که در اواخر دهه ۱۹۹۰ در حین تحصیل در زاکوسکی با او آشنا شده و ازدواج کرده بود، کشیش و معاون رئیس جمهور در امور دانشجویی در دانشگاه است. پیش از کار کردن در دانشگاه، این زوج به مدت یک دهه بعنوان مبلغ برای افراد غیرمسیحی در منطقه قفقاز شمالی روسیه -بخشی از پنجره ۴۰/۱۰- خدمت کردند. اخیرا این زوج مدرک تحصیلی عالی را از مرکز بین المللی مطالعات پیشرفته ادونتیست در فیلیپین، دریافت کردند.

آملیرا همچنین یک مادر است و قانونی در خانه دارد که همه کارتونها و کتاب هایی که به جادو اشاره دارند را ممنوع می‌کند. پس از تجربه شخصی اش با ارواح شیطانی، او باور دارد که چیزی با عنوان جادوی خوب و بد وجود ندارد. او گفت: «همه جادوها در را به روی شیطان و نیرو های شیطانی باز می‌کند.»

گاهی اوقات یکی از والدین از او می‌پرسد: «اگر فرزندانم کارتون نبینند، پس در مورد چه چیز هایی با دوستان خود صحبت کنند؟»

آملیرا به آنها می‌گوید اگر بخواهند صفحه نمایش در خانه داشته باشند، چیز های جالب تری برای تماشا و گفتگو، از جمله مستند هایی درباره حیوانات و طبیعت وجود دارد.

خواهر آملیرا، فانی، یک ادونتیست است و پدرشان پیش از مرگش، در روز های سبت با آنها پرستش می‌کرد. مادرشان که اکنون ۷۵ ساله است، مرتبا کتاب مقدس و نوشته های الن وایت را می‌خواند. او دیگر سردرد هایی که آملیرا امیدوار بود

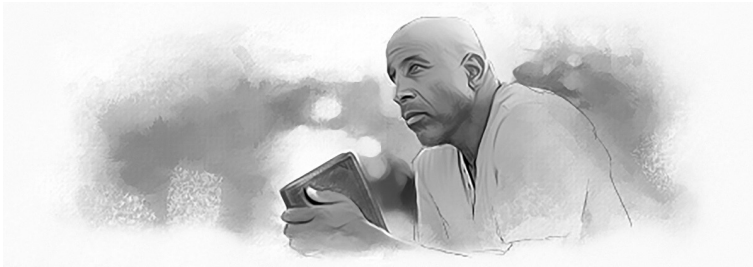
از طریق دوره های ماوراء الطبیعی درمان کند، ندارد. آلمیرا پس از غسل تعمید، شروع به آوردن مجلات سلامتی از کلیسا به خانه کرد. مادر آنها را خواند و کم کم سبک زندگی اش تغییر کرد. زمانیکه تنها چای سیاه می نوشید، آن را با آب شیرین جایگزین کرد و فعالیت فیزیکی را آغاز کرد. سردردها از بین رفت. آرزوی آلمیرا برآورده شده بود اما نه از راهی که او انتظار داشت. مادر شفا داده شد.

آلمیرا دعا می کند تا در بسیاری از زندگی ها، حضور شفا بخشی داشته باشد و می گوید: «گام جسورانه ای که برای دادن جانم به عیسی برداشتم، زندگی من را تغییر داد. به دختری لوس و خودخواه این امتیاز داده شده تا دست و پای عیسی شود. آرزوی من، خدمت به اوست.»

این داستان ماموریت، هدف شماره ۲ از برنامه راهبردی کلیسای ادونتیست، «من خواهم رفت»، را به تصویر می کشد که «تقویت و تنوع بخشیدن به گسترش ادونتیست در پنجره ۴۰/۱۰» می باشد.

IWillGo2020.org.

خردمندانه زیستن



بعد از ظهر سبت

برای مطالعه این هفته بخوانید: افسسیان ۵: ۱ - ۲۰؛ اول قرنتیان ۵: ۱ - ۱۱؛ مکاشفه ۱: ۱۶ - ۱۶؛ کولسیان ۴: ۵؛ امثال ۲۰: ۱؛ امثال ۲۳: ۲۹ - ۳۵؛ اعمال رسولان ۱۶: ۲۵.

آیه حفظی: «پس، بسیار مراقب باشید که چگونه رفتار می‌کنید، رفتاری نه چون نادانان بلکه چون دانایان. فرصتها را غنیمت شمارید، زیرا روزهای بدی است. پس نادان نباشید، بلکه دریابید که خواست خداوند چیست» (افسسیان ۵: ۱۵ - ۱۷).

مدتی پیش یک ظرف کریستال در انگلستان به حراج گذاشته شد. حراج کننده آن را «یک کوزه فرانسوی ارغوانی قرن نوزدهم» توصیف کرد که ارزش آن را ۲۰۰ دلار تخمین زده بود. دو نفر از خریداران آن کوزه را به عنوان یکی از ظروف فوق العاده کمیاب اسلامی شناسایی کردند. ارزش واقعی آن چقدر تخمین زده می‌شد؟ ۶/۵ میلیون دلار. چه چیزی باعث شد تا چنین معامله‌ای سریعاً صورت بگیرد و مناقضه دهنده مناقضه را برد و با کالا راهی شود؟ خریدار چیزی را می‌دانست که حراج‌گذار نمی‌دانست: ارزش واقعی کوزه.

پولس در افسسیان ۵: ۱ - ۲۰ آنچه که بت پرستان و ایمانداران برایش ارزش قائل می‌شدند را مقایسه می‌کند. بت پرستان برای بیهوده گوئی و غیبت (افسسیان ۵: ۴)، شربخواری (افسسیان ۵: ۱۸)، و بی‌عفتی و شهوت پرستی (افسسیان ۵: ۳ و ۵)، بعنوان گنجینه‌های بزرگ زندگی ارزش قائل می‌شدند. با این وجود ایمانداران می‌دانستند که روز نهایی ارزیابی فرا می‌رسد، زمانی که ارزش واقعی همه چیز آشکار خواهد شد (افسسیان ۵: ۵ و ۶).

ایشان در عوض اینکه به مهمانی و میگساری پردازند، بایستی در هر گونه نیکوئی، پارسائی و راستی در مسیح سرمایه گذاری کنند. (افسسیان ۵: ۹). از اینرو، پولس به آنان اصرار می‌ورزد که در آستانه آخرالزمان (همانطور که همه ما چنین می‌کنیم) آنچه که مسیح در داد و ستد زندگی به آنان عرضه می‌دارد را قاپ بزنند و از دست ندهند. (افسسیان ۵: ۱۵ - ۱۷).

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۲۶ اوت - ۴ شهریور آمادگی داشته باشید.

در عوض، «اجازه دهید تا شکرگزاری باشد»

در چه مفهومی پولس قصد دارد تا ایمانداران، اقتدا کنندگان و سرمشق گیران خدا باشند؟ افسسیان ۵: ۱ و ۲ را ببینید.

پولس ایمانداران افسس را تشویق می کند تا در محبت گام بردارند، فراخوانی که در این بخش مهم است (افسسیان ۵: ۸ و ۱۵ را ببینید). این گام برداشتن در محبت (افسسیان ۵: ۲) باید سرمشقی از محبت خود مسیح برای ما باشد (با افسسیان ۴: ۳۲ مقایسه کنید) که در قربانی کفاره او ابراز گردیده است. پولس چهار چیز را درباره آن ایثارگری تایید می کند: ۱. هم از محبت خدای پدر (افسسیان ۵: ۱) و هم از مسیح (افسسیان ۵: ۲) انگیزه یافته است. ۲. جایگزینی است توسط مسیح، که بجای ما مرد. مسیح قربانی منفعل نیست بلکه با اراده خودش برای ما قربانی شد؛ ۳. تحت شبیه سازی خدمات خیمه عهد قدیم، مرگ مسیح نیز یک قربانی است که برای خدا تقدیم شد؛ ۴. قربانی توسط خدا پذیرفته شد از آنجا که عطر خوشبویی بود (افسسیان ۵: ۲ را با خروج ۲۹: ۱۸؛ لویان ۲: ۹؛ فیلیپیان ۴: ۱۸ مقایسه کنید). آنگاه افسسیان ۵: ۳ - ۵ بخشی را در نگرانی از اخلاقیات در روابط جنسی بیان می کند. جوانان نو ایمان در افسس در خطر پسرفت از فراخوان مسیح و لغزش در رفتار جنسی می باشند که نافی شهادت مسیحی آنان می باشد (با اول قرنتیان ۵: ۱ - ۱۱؛ اول قرنتیان ۶: ۱۲ - ۲۰؛ دوم قرنتیان ۱۲: ۲۱ مقایسه کنید).

از یک سو فرهنگ یونانی - رومی قرن اول، فساد اخلاقی و هرزگی را که در جای دیگری در عهد جدید شرح داده شده، به نمایش می گذارد (اول قرنتیان ۶: ۹؛ غلاطیان ۵: ۱۹؛ افسسیان ۴: ۱۷ - ۱۹؛ کولسیان ۳: ۵ را ببینید).

به عنوان مثال، ضیافت های ثروتمندان به طور مرتب رفتارهایی را نشان می داد که پولس در افسسیان ۵: ۳-۱۴ آن را محکوم می کند: میخوارگی، ناسزا، تفریحات پرخطر، و اعمال غیراخلاقی. علاوه بر این، مراکز شهری، مکانهایی ناشناس و روسپی خانه هایی ایجاد کرده بودند که برای اعمال جنسی غیراخلاقی آماده شده بود.

از طرفی دیگر، بسیاری در آن جامعه، زندگی با فضیلتی داشتند و به عنوان مدافعانی که تاکید بر اخلاقیات داشتند خدمت می کردند. وقتی که عهد جدید فهرستی از فساد یا فضیلت و دستورالعملهای اخلاقی خانواده را تهیه می کند (برای نمونه افسسیان ۵: ۲۱ - ۶: ۹، کولسیان ۳: ۱۸ - ۴: ۱)، مولفان آن مضامینی را فراتر از فرهنگ یونانی - رومی منعکس می کنند. این جهان که همزمان فاسد و فاضل است کمک می کند تا نصایح پولس برای اجتناب از رفتار اخلاقی که توسط غیریهودیان ممارست می شد شرح داده شود و با این حال برای ایمانداران آرزو می کند تا رفتار محتاطانه ای داشته و در میان بیگانگان به جایگاه خوبی دست یابند.

گام برداشتن به عنوان فرزندان نور

پولس می نویسد «هیچ کس شما را به سخنان باطل فریب ندهد، زیرا که به سبب اینها غضب خدا بر ابنای معصیت نازل می شود» (افسیان ۵: ۶) - ترجمه قدیم. پولس کسانی که به گناهان مختلف بی شرمه یا بدون توبه می پردازند را بی عفت یا ناپاک یا شهوت پرست معرفی می کند (افسیان ۵: ۵).

او یک ارزیابی صریح ارائه کرده است: کسانی که در مسیح هستند و قرار است در پادشاهی آینده او شرکت کنند، نباید مانند دیگران رفتار کنند (افسیان ۵: ۵).

اینک او نگران تأثیر سخنان پوچ و مبتذل است. یعنی ممکن است ایمانداران با زبان بی پرده فریب بخورند و فکر کنند که گناه جنسی منع شده نیست، یا حتی ممکن است خودشان به چنین گناهانی کشیده شوند (افسیان ۵: ۶). پولس هشدار می دهد که چنین فریب خوردگی، داوری آخرالزمان خدا را به خطر می اندازد، «غضب خدا» که «بر سرکشان می آید» (افسیان ۵: ۶).

عبارت غضب خدا عبارتی چالش برانگیز است. این غضب یا خشم خدا در قیاس با بدخلقی های گوناگون بشری است (با افسسیان ۴: ۳۱ مقایسه کنید).

این واکنش خدای بردبار و عادل بر ضد اهریمنی های سرسختانه است و نه یک واکنش جنون آمیز و قلیان کننده به برخی از تخلفات جزئی. علاوه بر این، اشاره به غضب الهی اغلب در چارچوب هشدارهای کتاب مقدسی در خصوص آمدن داوری خداست (برای مثال مکاشفه ۶: ۱۲ - ۱۷؛ مکاشفه ۱۶: ۱ - ۱۶؛ مکاشفه ۱۹: ۱۱ - ۱۶). خدا نسبت به داوری خودش که می آید هشدار می دهد، یک عمل از روی فیض، از آنجا که انسانها «طبعاً فرزندان غضب» می باشند (افسیان ۲: ۳ - ترجمه قدیم).

چرا پولس ایمانداران را ترغیب می کند تا در گناه گناهکاران شریک یا سهیم نشوند؟ (افسیان ۵: ۷ - ۱۰).

پولس ترغیب می کند که همچون فرزندان نور رفتار کنید (افسیان ۵: ۸) و با فرمانی بیشتر ادامه می دهد: «بسنجید که مایه خشنودی خداوند چیست» (افسیان ۵: ۱۰). بت پرستان در پی لذت جویی از طریق بی عفتی یا هر گونه ناپاکی یا شهوت پرستی هستند (افسیان ۵:

۳). هدف ایماندار بطور شگرفی متفاوت است، که نه در پی کامجویی برای خود بلکه در صدد خشنودی خداست (رومیان ۱۲: ۱ و ۲؛ دوم قرنتیان ۵: ۹؛ عبرانیان ۱۳: ۲۱ را مقایسه کنید که از واژه یونانی مشابه euarestos خشنودی یا مقبول استفاده می کند). ایماندار در پی انعکاس ایثارگری مسیح است (در محبت گام بردارید همانگونه که مسیح ما را دوست داشت و خود را برای ما ارزانی نمود، افسسیان ۵: ۲).

برخی از «کلامهای پوچ و بیهوده ای» که در این دوران باید از آن دوری کنیم، چه هستند؟

۳۱ مرداد

سه شنبه

«ای خفتگان برخیزید!»

افسسیان ۵: ۱۱ - ۱۴ را بخوانید. پولس در اینجا چه هشدار قدرتمندی می دهد و این هشدار چگونه می تواند در وضعیت فعلی ما اعمال شود؟

برای درک افسسیان ۵: ۱۱ - ۱۴، سودمند خواهد بود که دو نصیحت مکرر پولس را مورد توجه قرار دهیم: (۱) به عنوان فرزندان نور به سبکی زندگی کنید که حرمت دهنده خدا باشد (افسسیان ۵: ۸ همچنین افسسیان ۵: ۱ و ۲ و ۴ و ۹ - ۱۰ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۴ را ببینید)؛ (۲) به سبک ضداخلاقی جنسی که بر علیه خداست زندگی نکنید و در کارهای بی ثمر تاریکی سهیم نشوید (افسسیان ۵: ۱۱؛ همچنین افسسیان ۵: ۳ و ۴ و ۵ - ۸ و ۱۲ را ببینید).

برای درک افسسیان ۵: ۱۱ می توانیم سفارش های موازی را از افسسیان ۵: ۸ - ۱۰ استخراج کنیم. ایمانداران باید در مقابل بی ایمانان به عنوان «نور در خداوند» و «فرزندان نور» زندگی کنند (افسسیان ۵: ۸). نکته کلی در این کار باید دیده شود، تا روشن شود که «ثمره نور، هر گونه نیکویی، پارسایی و راستی است» (افسسیان ۵: ۹). از اینرو پولس از راهبردی برای نشان دادن نیکویی خدا پشتیبانی می کند. بدینگونه که ایمانداران بایستی با نمایش دادن و جایگزین کردن عدالت همچون نوری، اعمال بیهوده تاریکی را در معرض دید همگان قرار دهند.

در عین حال ما می توانیم زبان شعرگونه و چالش برانگیز آیات ۱۳ - ۱۴ را به عنوان ادعایی بی باکانه از سوی پولس در مد نظر قرار دهیم که ایمانداران با نشان دادن «ثمره نور» (افسسیان ۵: ۹) می توانند جهانیان را برای ایمان آوردن به مسیح صید نمایند: «اما هر آنچه به وسیله نور افشا گردد، آشکارا دیده می شود. زیرا نور است که هر چیز را آشکار می کند. از این جهت گفته شده است: ای که در خوابی، بیدار شو، از مردگان برخیز، که مسیح بر تو خواهد درخشید» (افسسیان ۵: ۱۳ و ۱۴).

هنگامی که زندگی انسان انحطاط یافته در معرض نور قرار می گیرد، دنیاپرستان می توانند رفتار خود را به همان شکلی که هست ببینند (قابل رویت می شود)، عاری از آینده و غضب (افسیان ۵:۵، ۶)، و تحول از تاریکی به نور را تجربه کنند (زیرا هر چیزی در نور قابل رویت می شود) همان تحولی که خوانندگان ایماندار رساله افسسیان پولس تجربه کردند (افسیان ۵:۸). از شعر یا ریتمی که در افسسیان ۱۴ می باشد چه می توانیم بسازیم که از زبانی مرتبط یا قیام از مرگ در پایان زمان استفاده شده باشد (با افسسیان ۲: ۱ و ۵ مقایسه کنید) تا شیپور فراخوان برای بیداری از خواب روحانی باشد و حضور متحول کننده مسیح را تجربه کند؟ از آنجا که اشعیا ۶۰: ۱ - ۳ که پولس آن را انعکاس می دهد برای هدایت قوم اسرائیل خداست، می توانیم ریتم/شعر افسسیان ۵: ۱۴ (ب) را به عنوان درخواستی قدرتمند برای ایمانداران مسیحی ببینیم تا بیدار شوند که نقش آنان به عنوان مبشران - انتشاردهندگان نور مسیح در جهان تاریک است (با فیلیپیان ۲: ۱۴ - ۱۶، متی ۵: ۱۶ را با هم مقایسه کنید).

چگونه سبک زندگی ای را دنبال می کنید که می تواند آثار ظلمت و تاریکی را همان طور که هستند نشان دهد؟

۱ شهریور

چهارشنبه

از دست ندادن فرصتها

پولس افسسیان ۵: ۱ - ۲۰ را با دو دسته از نصیحت ها به پایان رسانده، که در افسسیان ۵: ۱۵ - ۱۷ و افسسیان ۵: ۱۸ - ۲۰ یافت می شود، و بخشی از آن را با حفظ پاکدامنی در امور جنسی کامل می کند. دسته اول با این نصیحت آغاز می شود که «بسیار مراقب باشید که چگونه رفتار می کنید، رفتاری نه چون نادانان بلکه چون دانایان» (افسیان ۵: ۱۵)، و مجددا تصریح می کند که «نادان نباشید، بلکه دریابید که خواست خداوند چیست» (افسیان ۵: ۱۶).

نصایح پولس را برای زندگی کردن به طریقی که منعکس کننده حکمت عابدانه و فهیمانه باشد (افسیان ۵: ۱۵ - ۱۷) مورد توجه قرار دهید. فرق بین گام جاهلانه و گام «خردمندانه» در چیست؟ همچنین «فرصت ها را غنیمت شمردن» به چه معنی است؟

پولس در افسسیان بطور مکرر از اصطلاح متداول «گام برداشتن» برای نحوه زندگی استفاده می کند (افسیان ۲: ۲ و ۱۰؛ افسسیان ۴: ۱ و ۱۷؛ افسسیان ۵: ۲ و ۸). در اینجا او از این اصطلاح برای ترغیب شاگردی یا مریدی سنجیده و هدفمند در مسیح استفاده می کند. «درست

همانطور که باید مراقب گام خود باشید، ای ایمانداران وقتی که در مسیر ناهموار یا تاریک گام برمی دارید باید با احتیاط نگاه کنید تا بدانید چگونه گام بردارید» (افسیسیان ۵: ۱۵).

بخاطر اینکه افسسیان ۵: ۱۵ تشابهی را در افسسیان ۵: ۱۷ می یابد می توانیم در آنجا بدنبال تعریفی از آنچه باشیم که زندگی همچون مردم فهیم و خردمند را متبادر می سازد. حکیم یا فهیم بودن این است که به فراتر از خودمان دست یابیم تا «اراده خدا را دریابیم» (افسیسیان ۵: ۱۷).

پولس همچنین با تصویری شفاف، شاگردی سنجیده و هدفمند در مسیح را ترغیب می کند. عبارت «فرصتها را غنیمت شمارید» (افسیسیان ۵: ۱۶) را با «زمان را دریابید» مقایسه کنید)، پولس از فعل exagorazo (با کولسیان ۴: ۵ مقایسه کنید) استفاده می کند. این عبارت که از اصطلاح بازاری مشتق شده شکل فشرده ای از «خریدن» می باشد و به معنی قاپیدن جنس ارزان است.

«زمان» در اینجا واژه یونانی kairos می باشد که لحظه ای از فرصت را توصیف می کند. «زمان» تا پایان آن، یک دوره وعده داده شده است تا بطور کامل از آن استفاده شود. همچنین به زمان چالش برانگیزی اشاره دارد زیرا دوران سخت و بدی است (افسیسیان ۵: ۱۶) را با افسسیان ۶: ۱۳ و غلاطیان ۱: ۴ مقایسه کنید) و بخاطر اینکه «روشهای این دنیا» تحت تسلط «رئیس قدرت هواست» (افسیسیان ۲: ۲).

در حالی که ایمانداران مسیح، چشم براه بازگشت دوباره مسیح هستند آنان در زمان سختی زندگی می کنند، دوره زمانی که پولس آنرا یک زمان خطرناک به تصویر می کشد زمانی است که اجر و پاداش در پی دارد. آنها باید در استفاده از زمان باقیمانده به همان اندازه مراقب باشند که جوینده کالا در یک حراجی از تخفیف های بسیار زیادی بهره مند می شود. اگرچه ما نمی توانیم نجات را خریداری کنیم، اما این تشبیه هنوز مناسب است: آنچه را که در مسیح به ما ارائه می شود فوراً بپذیرید.

۲ شهریور

پنجشنبه

دعای سرشار از روح (افسیسیان ۵: ۱۸ - ۲۰)

در افسسیان ۵: ۱۸-۲۰، پولس مسیحیان را تصور می کند که برای عبادت گرد هم آمده اند. او آنها را در حال انجام چه کاری در آن عبادت به تصویر می کشد؟

پولس در آخرین استدلال خود در افسسیان ۵: ۱-۲۰، ایمانداران را ترغیب می کند که از شراب که گُند کننده ذهن است اجتناب نموده و در عوض، حضور و قدرت روح را با هم تجربه کنند. پولس میگزاری را منع می کند (احتمالاً با نقل قولی از امثال ۲۳: ۳۱ در نسخه یونانی عهد

قدیم) که نشان می دهد او دستورات منع استفاده از الکل را که در ادبیات حکمت وجود دارد را به خاطر دارد (امثال ۲۰: ۱ امثال ۲۳: ۲۹ - ۳۵). اعمال اهریمنی که بعد از مستی پدیدار می شود شامل سخنان نسنجیده، گفتار مستهجن، بی فکری، فساد اخلاقی و بت پرستی است (افسیسیان ۵: ۳-۱۴). اینها بایستی با پرستش اندیشمندانه و از روح الهام شده خدا جایگزین شوند. توصیه پولس برای پُر شدن از روح یک نکته کلیدی است که با یک سری افعال در افسسیان ۵: ۱۹-۲۱ اصلاح شده است («سخن گفتن»؛ «سرود خواندن و مناجات»؛ «شکرگزاری»؛ «تسلیم شدن»).

پولس در اینجا توصیه به «پُر شدن از روح» (افسیسیان ۵: ۱۸) را به طور اشتراکی به کار می گیرد، و تصور می کند که ایمانداران در پرستش خدا با الهام از روح گرد هم می آیند که وحدت را پرورش می دهد (افسیسیان ۴) و در تضاد با رفتار خودمحورانه، و پرستش بت پرستانه است (افسیسیان ۵: ۱-۱۸). در این طرح پرستش اولیه مسیحیت، پرستش آهنگین غالب است. استدلال شده است که کلیسا در سرود متولد شد. و این متن، همراه با کولسیان ۳: ۱۶، بهترین مستندات را برای این ادعا فراهم می کند (اعمال رسولان ۱۶: ۲۵، یعقوب ۵: ۱۳ را مقایسه کنید). در اینجا عنصری «افقی» برای پرستش وجود دارد، زیرا با سرود خواندن اعضای کلیسا به یک معنا با یکدیگر «سخن می گویند» (افسیسیان ۵: ۱۹).

با این حال، هدف خاص از پرستش با موسیقی، راز و نیاز و گفتگو با خداوند است، که همانطور که در افسسیان ۵: ۲۰ نشان داده شده است، «خداوند عیسی مسیح» را مشخص می کند (مقایسه کنید با کولسیان ۳: ۱۶). شکرگزاری افسسیان ۵: ۲۰ که به موازات ستایش موسیقیایی افسسیان ۵: ۱۹ توصیف شده است، باید «به نام خداوند ما عیسی مسیح به خدای پدر تقدیم شود». در عبارت «سرودهای روحانی»، صفت «روح القدس» (یونانی pneumatikos) نقش روح القدس را در عبادت برجسته می کند، زیرا این اصطلاح آهنگهایی را توصیف می کند که از روح القدس الهام گرفته شده یا سرشار از آن هستند. پس طرح پولس از پرستش اولیه مسیحیت، هر سه عضو الوهیت را به عنوان شرکت کنندگان فعال به تصویر می کشد.

چطور می توانید با استفاده از موسیقی، تجربه پرستش خود را بهبود بخشید؟

۳ شهریور

جمعه

اندیشه‌ای فراتر: با نگرشی کلی به افسسیان ۵: ۱-۲۰، می بینیم که پولس موضع محکمی بر ضد گناه و اهریمن اتخاذ می کند، به خصوص در شکلی از رذالت های جنسی و گفتار نانسنجیده. او به هیچ وجه رفتارهای فساد انگیز در میان قوم خدا را نمی پذیرد. در عوض، او ایمانداران افسس را به پیروی از معیار عالی رفتاری فرا می خواند تا هویت خود را به عنوان «فرزندان محبوب» خدا و به عنوان «قدیسان» یا افراد مقدس شناسایی کنند (افسیسیان ۵: ۱-۱۰). او با شهامت اعتقاد دارد که هنگامیکه مسیحیان در جامعه چنین عملگری را اتخاذ

کنند، نوری به تاریکی می‌تابانند و همسایگان خود را از سبک‌های زندگی ویرانگر دور نموده و به فیض و حقیقت خدا جذب می‌کنند (افسسیان ۵: ۱۱-۱۴).

پولس چنین می‌پندارد که کلیسا با عهد جدید خود «همچون فرزندان نور گام بر می‌دارد» در حالیکه در انتظار بازگشت مسیح می‌باشد (افسسیان ۵: ۸ همچنین افسسیان ۵: ۱۵ و ۱۶ را ببینید) و با محفل عبادتی، با حضور مسیح متبارک می‌گردد (افسسیان ۵: ۱۴).

در حینی که با وضعیت جدید خود «به عنوان فرزندان محبوب» خدا و با مرگ مسیح بخاطر آنها (افسسیان ۵: ۱، ۲) انگیزه یافته و از روح پر می‌شوند (افسسیان ۵: ۱۸)، سرزندگی و خوشی در مشارکت آنان در پرستش تجلی می‌یابد، در حالی که با هم برای خداوند خود عیسی مسیح و خدای پدر سرودهای شکرگزاری بجا می‌آورند.

آنان با تمسک به واقعیت‌های ملکوتی، امید خود را برای آینده تجلی می‌بخشند که ریشه در داستانی دارد که خدا برای آنان انجام داده، انجام می‌دهد و از طریق خداوندشان عیسی مسیح به کمال می‌رساند (افسسیان ۵: ۱۸ - ۲۰).

با درک این روش، این آیات بسا فراتر از مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های مجزا در خصوص زندگی مسیحی است. این امر نبوی نبوی در خصوص هویت، تعهد، اجتماع و پرستش مسیحی در ایام آخر مبدل می‌گردد، دعوتی نبوی که سرشار از ترحم برای «ربودن فرصتها» در این روزهاست، برای پیشکشی که تا زمان بازگشت مسیح عرضه می‌شود (افسسیان ۵: ۱۶).

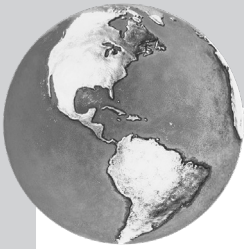
سوالاتی برای بحث:

۱. امروزه در مواجهه با فرهنگ رسانه‌ای که ارزش‌های خود را ۳۶۵/۷/۲۴ از طریق مجموعه‌ای از رسانه‌های منحنی تبلیغ می‌کند، چگونه ایمانداران می‌توانند معیارهای عالی پولس را اتخاذ کنند؟

۲. امروزه ایمانداران از چه راهبردهایی می‌توانند استفاده نموده و «بسنجند که چه چیزی مایه‌ی خشنودی خداوند است» (افسسیان ۵: ۱۰) و «بفهمند که اراده‌ی خدا چیست» (افسسیان ۵: ۱۷)؟

۳. فردی ممکن است چنین استدلال کند که نهی پولس از گفتار در خصوص رذالت‌های جنسی در میان ایمانداران (افسسیان ۵: ۳ و ۴)، به این معنی است که ما نباید در خصوص موضوع سوء رفتارهای جنسی و تجاوز بحث کنیم. چرا چنین نظری، نتیجه‌گیری نامناسبی می‌باشد؟

۴. جامعه معاصر ما به چه طریق‌هایی اعمال مشابه بت پرستی را انعکاس می‌دهند، مشابه با همان چیزهایی که پولس در عصر خود با آن‌ها سر و کار داشت؟



پوشک در لیست مواد غذایی

نوشته‌ی ایم‌ی مک‌هنری

صبح جمعه بود و مشغول خرید هفتگی از سوپرمارکت محلی در بیروت، لبنان بودم. همسرم پیتر درحال خریدن سیب و گرانولای موز برای پیاده روی آخر هفته پیشاهنگان بود و من مواد غذایی مورد نیاز خانواده را می‌خریدم. ما بعنوان مبلغ با تدریس زیست‌شناسی در دانشگاه خاور میانه خدمت می‌کنیم.

وقتی به طبقه بالا رفتم تا ماده ضدعفونی‌کننده و مایع ظرف‌شویی بردارم، نگاهی به قفسه پوشک انداختم و شخصی را دیدم که به پوشک‌ها نگاه می‌کند. با خودم فکر کردم که برای افرادی که در لبنان به پوشک احتیاج دارند، چقدر سخت است. شرایط اقتصادی به شدت دشوار است، بطوریکه پول لبنان بیش از ۹۰ درصد ارزش خود را در دو سال از دست داده و هزینه کالاها سر به فلک کشیده است. بیش از ۸۰ درصد مردم کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

ناگهان فرمانی در مغزم جرقه زد: «یک بسته پوشک بخر.» از این فکر ناگهانی تعجب کردم و پرسیدم: «خداوندا، آیا تو هستی؟ چرا من باید پوشک بخرم؟ کوچک‌ترین فرزند من ده ساله است.»

صدا دوباره در ذهنم تکرار شد:

"یک بسته پوشک بخر."

به سمت پله برقی حرکت کردم.

"خداوندا من حتی کسی را که بچه داشته باشد و به پوشک احتیاج داشته باشد

را نمی‌شناسم."

فرمان با اصرار بیشتری تکرار شد: "یک بسته پوشک بخر."

به قفسه پوشک برگشتم و دعا کردم: «خداوندا، من تعدادی پوشک می‌خرم و تو نیز باید بعداً به من نشان دهی این پوشک‌ها برای کیست. چه سائزی باید بردارم؟»

چند بسته پوشک سائز ۳ برداشتم و به خریدم ادامه دادم.

وقتی من و همسرم در ماشین یکدیگر را ملاقات کردیم به او گفتم: «اگر

بسته‌ای پوشک در صندوق عقب دیدی، تعجب نکن. خداوند به من گفت آنها را بخرم. آنها هدیه هستند اما هنوز نمی‌دانم برای چه کسی.» به سمت خانه حرکت کردیم.

روز بعد در کلیسا دوستی را دیدم که همسرش با خانواده‌های پناهنده در بیروت کار می‌کند. مدتی باهم گپ زدیم و از او پرسیدم: «فکر می‌کنی ممکن است همسرت کسی را بشناسد که به پوشک احتیاج داشته باشد؟ دیروز خداوند به من گفت که تعدادی بخرم و من نمی‌دانم آنها برای چه کسی هستند.» او قول داد که از همسرش بپرسد.

آن شب پیامی از او دریافت کردم که نوشته بود: «وقتی ماجرای شما درمورد پوشک‌ها را برای همسرم تعریف کردم، او گریه کرد. فردا او به ملاقات دو خانواده می‌رود که به پوشک نیاز دارند. آیا ما می‌توانیم امشب آنها را از شما بگیریم؟» اندکی بعد، درحالی‌که جلوی در یکدیگر را در آغوش گرفته بودیم و صحبت می‌کردیم، پوشک‌هایی که خدا در لیست خرید من قرار داده بود را به او دادم. متوجه شدم او با بیش از ۲۰ خانواده که به پوشک احتیاج دارند و توان خرید آن را ندارند، کار می‌کند. اکنون می‌دانم که پوشک را بیشتر در لیست خرید خود قرار دهم.

از شما بابت هدایای بشارتی خود که به گسترش انجیل در خاور میانه و سراسر جهان کمک می‌کند، متشکریم.

شوهران و همسران: باهم بر صلیب



بعد از ظهر سبت

برای مطالعه این هفته بخوانید: افسسیان ۵: ۲۱ - ۳۳؛ فیلیپیان ۲: ۳ و ۴؛ حزقیال ۱۶: ۱ - ۱۴؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۱ - ۴؛ پیدایش ۲: ۱۵ - ۲۵.

آیه حفظی: «ای شوهران، زنان خود را محبت کنید، آن گونه که مسیح نیز کلیسا را محبت کرد و جان خویش را فدای آن نمود. تا آن را به آب کلام بشوید و این گونه کلیسا را ظاهر ساخته، تقدیس نماید. و کلیسای درخشان را نزد خود حاضر سازد که هیچ لک و چین و نقصی دیگر نداشته، بلکه مقدّس و بی عیب باشد» (افسسیان ۵: ۲۵ - ۲۷).

پولس، افسسیان ۵: ۲۱ - ۳۳ را بر مبنای ایده تسلیم بودن ایمانداران به یکدیگر تدوین نموده (افسسیان ۵: ۲۱): سپس به همسران (افسسیان ۵: ۲۲ - ۲۴) و شوهران مسیحی (افسسیان ۵: ۳۳) اندرز می دهد.

در این اندرز امروز، دانش آموزان کتاب مقدس می توانند صدای مسیح قیام کرده را بشنوند که در خصوص روابط ما سخن می گوید. وقتی با وضعیت فعلی خود، افسسیان ۵: ۲۱ - ۶: ۹ را به عنوان شیوه ای تلقی کنیم که پولس آن را موضوع بزرگ نامه خود قرار داده تا شیوه ای عملی برای اتحاد و یکپارچگی در کلیسا ارائه دهد، متوجه می شویم که برای خانواده مسیحی تدوین گردیده اند. او با انتقادی شدید از ساختارهای اجتماعی معیوب بشریت کهنه (افسسیان ۴: ۲۲ را ببینید)، از این شادمان است که انسان جدیدی نیز خلق شده اند (به افسسیان ۲: ۱۵) که همچون مرواریدی در گستره صدف بشریت، با ساختار اجتماعی معیوب قرار گرفته اند. ایمانداران از میان این ساختارها، روح القدس را (افسسیان ۲: ۲۲ افسسیان ۳: ۱۶؛ افسسیان ۵: ۱۸ - ۲۱؛ افسسیان ۶: ۱۷ و ۱۸) که قدرت تازه ای است نشان می دهند و الگوی اخلاقی تازه ای از مسیح (افسسیان ۴: ۱۳ و ۱۵ و ۲۰ - ۲۴ و ۳۲؛ افسسیان ۵: ۲ و ۱۰ و ۱۷ و ۲۱ - ۳۳) را در معرض نمایش قرار می دهند که به محقق شدن برنامه نهایی خدا برای امت خود و دنیا اشاره می کند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۲ سپتامبر - ۱۱ شهریور آمادگی داشته باشید.

اندرز به همسران مسیحی

پولس با آیه ۲۱ باب ۵ افسسیان بحث خود را آغاز می کند که همچون لولایی عمل می کند، و افسسیان ۵: ۱ - ۲۰ را به افسسیان ۵: ۲۲ - ۳۳ وصل می کند و بموجب آن از این موضوع حمایت می کند که اعضای کلیسا تابع و تسلیم یکدیگر باشند (مرقس ۱۰: ۴۲ - ۴۵، رومیان ۱۲: ۱۰، فیلیپیان ۲: ۳ و ۴ را با هم مقایسه کنید).

وقتی پولس اعضای کلیسا را ترغیب می کند که از یکدیگر اطاعت کنند، منظورش چیست؟ چگونه می توانیم این ایده را درک کنیم؟ افسسیان ۵: ۲۱.

پولس همچنین از همسران مسیحی می خواهد تا «تسلیم شوهران خود باشید، همان گونه که تسلیم خداوند هستید» (افسسیان ۵: ۲۲) و روشن می کند که او در خصوص تسلیم بودن همسران به شوهرانشان بحث می کند (اول پطرس ۳: ۱ و ۵ را ببینید). وقتی که پولس می گوید که همسران باید به همان گونه تسلیم خدا باشند، آیا او منظورش این است که شوهر برای همسر نقش مسیح را دارد؛ یا در عوض منظور او این است که مسیح باید اوج تمرکز واقعی و تسلیم بودن او باشد؟

با نگاه به افسسیان ۶: ۷، جایی که از غلامان خواسته شده تا «با شور و شوق خدمت کنید، چنانکه گویی خداوند را خدمت می کنید نه انسان را» و در کولسیان ۳: ۱۸ جایی که از همسران خواسته شده تا تسلیم شوهرانشان باشند چنانکه تسلیم خداوند هستند، دیدگاه آخر ارجح است. همسران ایماندارانی هستند که در نهایت بایستی حرمت دادن به مسیح را راجح بر شوهرانشان بشمارند.

هم در کولسیان و هم در افسسیان، مسیح و تنها مسیح، به عنوان راس کلیسا تشخیص داده شده است و کلیسا بدن اوست (افسسیان ۱: ۲۲؛ افسسیان ۵: ۲۳؛ کولسیان ۱: ۱۸): «زیرا شوهر سر زن است، چنان که مسیح نیز سر کلیسا، بدن خویش، و نجات دهنده آن است» (افسسیان ۵: ۲۳). با قرینه سازی، شوهر «سر همسرش می باشد» (افسسیان ۵: ۲۳) و وفاداری کلیسا به مسیح به عنوان الگویی برای وفاداری زن نسبت به شوهرش می باشد. این آیه ازدواجی عاشقانه و دلسوزانه را به تصویر می کشد و نه ازدواجی که غیرمعمولی است. این آیه نباید به گونه ای تفسیر شود که هرگونه سوء رفتار خانگی در آن مجاز باشد.

در پرتو آنچه که اینک خواندیم چرا اندرز زیر برای بخاطر سپردن از اهمیت زیادی برخوردار است؟ اگر رفتار شوهری «با تندخویی، خشونت، قلدری، خودخواهی، سختگیری

و غیر قابل تحمل باشد، هرگز نباید این کلام بر زبان رانده شود که شوهر راس زن است و زن باید در همه چیز تسلیم او باشد. زیرا او خداوند نیست، او به معنای واقعی کلمه شوهر نیست»- الن جی وایت، خانه ادونتستی، صفحه ۱۱۷.

۶ شهریور

دوشنبه

کلیسا به عنوان عروس مسیح: قسمت ۱

افسیسیان ۵: ۲۵ - ۲۷ و ۲۹ را با داستان بچه سر راهی حزقیال ۱۶: ۱ - ۱۴ مقایسه کنید. پولس کدام یک از جزئیات داستان را در نوشته های خود بازتاب می دهد؟

همانطور که پولس، در افسسیان ۵: ۲۵-۲۷، ۲۹، استعاره عروسی-ازدواج خود را از کلیسا و رابطه آن با مسیح شکل می دهد، او خلاقانه از آداب و رسوم و نقش های یک عروسی دوره کهن استفاده می کند. در رابطه با کلیسا به عنوان عروس، مسیح داماد الهی است که:

(۱) کلیسا را به عنوان عروس دوست می دارد (افسیسیان ۵: ۲۵). ما هرگز نباید فراموش کنیم که عیسی، دل به ما سپرده است. او ما را دوست می دارد!

(۲) او خود را به عنوان شیربهای ما ارزانی نموده است. در چارچوب زمانی تمهیدات ازدواج کهن، داماد بایستی شیربهای عروس را می پرداخت که معمولاً مبلغی پول و چیزهای ارزشمند بود، آنقدر بزرگ که اقتصاد روستاهای کهن وابسته به آن رسم بود. در تجسم و در صلیب، او خود را به عنوان شیربهای عروس ارزانی نمود.

(۳) حمام عروس. آماده کردن عروس بخش مهمی از مراسم ازدواج عهد کهن بود. همانطور که امروز نیز چنین است ساقدوش های عروس و خویشاوندان مونث عروس او را برای مراسم آماده می کردند. گرچه پولس داماد الهی را به عنوان کسی معرفی کرده که عروس خود را برای ازدواج آماده می سازد! او آن کسی است که عروس را «با آب غسل» تطهیر و تمیز می نامید (افسیسیان ۵: ۲۶) که احتمالاً اشاره به تعمید می کند.

(۴) از کلام وعده سخن می گوید. این تطهیر «با کلام خدا» انجام شده است (افسیسیان ۵: ۲۶) که به کلام وعده ای اشاره می کند که داماد الهی با عروس خود سخن می گوید که شاید در زمینه بله برون و نامزدی باشد (افسیسیان ۱: ۳ - ۱۴ را با افسسیان ۲: ۱ - ۱۰ مقایسه کرده و به وعده های خدا به ایمانداران در زمان ایمان آوردن آنها توجه کنید).

بله برون، نسخه ایام کهن برای نامزدی عصر جدید است ولی مجموعه ای از مباحثات جدی تری بوده است که شامل نوشتن موافقت نامه درباره شیربها (از سوی شوهر) و جهیزیه بود (کالاهایی که عروس از سوی خانواده خود برای ازدواج می آورد).

(۵) آماده ساختن و آراسته کردن عروس. وقتی که سرانجام عروس به داماد خود نشان داده می شد او بطور حیرت انگیزی زیبا بود و با جلوه ای بی عیب و نقص ظاهر می شد (افسیان ۲۷). مسیح نه تنها عروس را می شوید؛ او را آماده و آراسته نیز می کند.

آیات بالا چگونه کمک می کند تا حس مسیح را در باره خودمان درک کنیم؟ چرا باید چنین امری را بسیار تسلی بخش بدانیم؟

۷ شهریور

سه شنبه

کلیسا به عنوان عروس مسیح: قسمت ۲

پولس چگونه از عوامل ازدواج کهن بهره می گیرد تا مسیحیان قرن‌تس را جذب کند؟ (دوم قرن‌تس ۱۱: ۱ - ۴).

پولس با استفاده از یکی از آخرین عوامل ازدواج کهن در افسسیان ۵: ۲۵ - ۲۷، مسیح را به عنوان فردی به تصویر می کشد که: (۶) عروس را (به خودش) تقدیم می کند. در ایام کهن عروس توسط پدرش یا یکی از اعضای بزرگ خانواده به داماد سپرده می شد. و هیچ وقت توسط داماد مشایعت نمی شد! در اینجا پولس اینگونه می انگارد که عیسی کلیسا را به عنوان عروس به خود تقدیم می کند.

پولس از رسوم و قواعد ازدواج بهره می گیرد تا رابطه مسیح را با کلیسا در الگوی توالی زمانی به نمایش بگذارد: ۱. بله برون یا خواستگاری. مسیح خود را برای کلیسا (به عنوان شیربهای عروس) تقدیم کرد و نامزد او شد (افسیان ۵: ۲۵).

۲. آماده شدن برای مراسم ازدواج. توجه داماد در تلاش های کنونی او برای تطهیر و پاکسازی عروس ادامه دارد (افسیان ۵: ۲۶).

۳. مراسم ازدواج. توجهات کنونی مسیح به جلوه گری عروس در ازدواج است (افسیان ۵: ۲۷). این آخرین بخش مربوط به جشن ازدواج عظیم او در بازگشت اوست زمانی که مسیح، داماد، خواهد آمد تا کلیسا را به عنوان عروس مطالبه نموده و به خود تقدیم کند (افسیان ۵: ۲۷ را با دوم قرن‌تس ۱۱: ۱ و ۲؛ کولسیان ۱: ۲۱ - ۲۳ و ۲۸ مقایسه کنید).

مراسم ازدواج های عهد کهن اغلب با حرکت دسته جمعی آغاز می شد (متی ۲۵: ۱ - ۱۳ را ببینید). داماد و همراهانش در خانه داماد یا در خانه جدید داماد جمع شده و مراسم باشکوه آغاز می شد. جمعیت با مشعل روشن و همراه با موسیقی شاد و طرب انگیز و شادی افزا به سمت خانه پدر عروس حرکت می کردند. آنها عروس را از آنجا تحویل گرفته به همراه خود در

مسیر، زن و شوهر را به خانه جدیدشان مشایعت می کردند، جایی که مهمانان در یک جشن یک هفته ای مستقر می شدند و مراسم عروسی به اوج خود می رسید، زمانی که عروس به داماد تقدیم می شد.

وقتی که پولس مسیح را به تصویر می کشد که کلیسا را به خودش تقدیم می کند، او به این راهپیمایی با شکوه و به لحظه تقدیم عروس اشاره می کند. با چنین کاری او فیلمی مهیج از بازگشت مسیح را بعنوان مراسم ازدواج آینده به نمایش می گذارد، زمانی که نامزدی طولانی مدت بین مسیح و کلیسایش به سر آمده و پیوند ازدواج آنها جشن گرفته می شود.

از این همه تصویرسازی های مثبت، شاد و امیدوارکننده چه پیامی برای خود می گیریم؟

۸ شهریور

چهارشنبه

همسرانتان را دوست بدارید

پولس از چه استدلالهای تازه ای استفاده می کند تا شوهران را تشویق کند که نسبت به همسران خود رفتار لطیف عاشقانه اتخاذ کنند؟ افسسیان ۵: ۲۸ - ۳۰.

قواعد پولس برای خانه های مسیحی (افسسیان ۵: ۲۱ - ۶: ۹) زمینه اجتماعی چالش برانگیزی را علنی می کند. در افسسیان ۵: ۲۸ - ۳۰، پولس شوهرانی را مورد خطاب قرار می دهد که اغلب مواقع از الگوی زمان پیروی می کردند و تصمیم می گرفتند تا از بدن خود نفرت داشته باشند (افسسیان ۲۸ و ۲۹ را ببینید) یعنی اینکه که همسران خود را مورد سوء رفتار قرار داده و کتک می زدند.

در فرهنگ یونانی - رومی ایام پولس، قدرت رسمی «پدر خانواده» (به زبان لاتین familias pater) بسیار وسیع بود. او می توانست همسر، فرزندان و غلامان خود را به شدت تنبیه یا حتی آنها را به قتل برساند و از حقوق قانونی خود برخوردار باشد (گرچه اجرای چنین اختیاری به شیوه های افراطی به طور فزاینده ای توسط افکار عمومی محدود و تقبیح شده بود).

پولس در افسسیان ۵: ۲۵ - ۲۷، به جزئیات الگوی غایی محبت پرداخته است، محبت مسیح برای کلیسا، الگویی بشدت متفاوت از آنچه که متداول بود را برای شوهران ارائه می کند. حال پیش از طرح مقدمات بحثی تازه، او بار دیگر به آن الگوی عالی اشاره کرده، از شوهران مسیحی می خواهد تا به همان طریقی که عیسی خود را برای عروس خویش یعنی کلیسا فدا کرد عمل کنند و به هر نوع نیاز او توجه کنند (افسسیان ۵: ۲۵ - ۲۷). پولس شوهران

مسیحی را به چالش می کشد تا از عمل کردن به رسوم فرهنگی زمان خود که از آنها انتظار می رفت دست کشیده و در پی تطبیق دادن شیوه عملکرد خود با محبت مشفقانه مسیح باشند. پولس در افسسیان ۵: ۲۸ - ۳۰ شالوده جدیدی را برای حمایت از محبت شوهران مسیحی نسبت به همسرانشان اضافه می کند: حُبّ خویشتن یا خویش نوازی. پولس یک قاعده کلی را ارائه می دهد: «هرگز کسی از بدن خود نفرت نداشته است» (دست کم بدیهی است که کسی اینگونه فکر نمی کند).

شوهران به خود لطمه نمی زنند یا بدن خود را کتک نمی زنند. در عوض با عشق و علاقه از آن مراقبت می کند. (افسسیان ۵: ۲۹). پولس با فرمان نهی از خشونت و تندی بر علیه همسران مسیحی، از شوهران مسیحی می خواهد تا خود را با همسرانشان برابر ببینند. پولس استدلال می کند که شما آنقدر با همسر خود یکی هستید که صدمه زدن به زن کمتر از خودآزاری نیست و اکثر افرادی که از عقل سلیم برخوردارند به چنین عملی مبادرت نمی ورزند. با عطف به الگوی مسیح، پولس استدلال می کند که مسیح خودش چنین مراقبت دلسوزانه ای را برای ارج و گرامی داشتن ایماندارانی که اعضای بدن او هستند اعمال می کند (افسسیان ۵: ۲۹ و ۳۰). پولس می گوید که برای همسر خود الگوی رفتاری باشید و به همان طریقی که با خود رفتار می کنید و نهایتاً به طریقی که مسیح با شما رفتار می کند، عمل کنید.

پولس به الگوی رفتاری برای همسران و شوهران اشاره می کند. از مسیح درباره محبت ورزیدن به افرادی که در حلقه خانوادگی شما هستند، چه می آموزید؟

۹ شهریور

پنجشنبه

مدل ازدواج «یک جسم»

روایت خلقت را در کتاب پیدایش ۲: ۱۵ - ۲۵ مطالعه کنید. در این داستان چه اتفاقی می افتد، قبل از اینکه بیانیه ای برای شوهر و همسر صادر شود که آنها «یک تن» هستند؟ (پیدایش ۲: ۲۴)

کلید کاربردی اندرز پولس به همسران و شوهران در پیدایش ۲: ۲۴ رصد می شود که (در افسسیان ۵: ۳۱) به اوج خود می رسد. پولس در حالی که بر داستان خلقت کتاب پیدایش غور می کند، نیازهای جامعه مسیحی و سلامت روابط خانوادگی در بین آنان را مورد توجه قرار می دهد. او در پیدایش ۲: ۲۴ پیامی

را می شنود که در طی اعصار طنین انداخته است. به تدبیر الهی، ازدواج بدین منظور بوده تا رابطه «یک تن» وجود داشته باشد، اتحاد زناشویی که در وحدت احساسی و روحانی بازتاب یافته است و وحدت احساسی و روحانی به روابط زناشویی معنا می بخشد.

توجه داشته باشید که پولس با انتخاب پیدایش ۲: ۲۴ بیانیه ای را در ارتباط با ازدواج انتخاب می کند که قبل از سقوط [آدم و حوا] برقرار بود و آن را در روابط بین شوهران و همسران مسیحی بکار می برد.

علی الخصوص در دنیای پسا سقوط ما، سوء رفتار در روابط زناشویی بین زن و مرد، این ایده را متبادر می سازد که اتحاد جنسی دلالت بر مطیع و مقهور بودن زن دارد.

پولس استدلال می کند که روابط زناشویی آنگونه که در پیدایش انعکاس یافته، تحت انقیاد بودن نیست بلکه اتحاد است. این مطلب تسلط مرد را نمادین یا واقعی نمی کند بلکه اتحاد شوهر و همسر را بیان می کند تا این حد که آنها «یک تن» هستند. می توانیم به افسسیان ۵: ۲۱ - ۳۳ و پیدایش ۲: ۲۴ نگاه کنیم و بعد بدنبال الهیات ازدواج و رابطه زناشویی، وارونگی فرهنگی و اصلاحگری باشیم.

پولس در همین زمینه در آیه بعدی از «سِرِّ عظیم» (افسسیان ۵: ۳۲ - ترجمه قدیم) سخن به میان می آورد. این مطلب دو جهت از استعاره دوگانه پولس را شامل می شود که در خصوص آن بحث می کند: ازدواج مسیحی در پرتو نور رابطه مسیح با کلیسایش قابل درک است (افسسیان ۵: ۳۲) و رابطه مسیح با کلیسایش در پرتو نور ازدواج مسیح قابل فهم است (افسسیان ۵: ۳۲).

مساوات در ازدواج مسیحی را می توان با رابطه مسیح و کلیسایش قیاس نمود. علاوه بر این با کنکاش رابطه مسیح و کلیسا از طریق لنزهای ازدواج مسیحی که از دلسوزی و مراقبت برخوردار باشد، ایمانداران به وضوح تازه ای درخصوص رابطه مشترک خود با مسیح نائل می شوند.

افسسیان ۵: ۳۳ به چه طریقهایی به عنوان خلاصه ای اجمالی از اندرز پولس در افسسیان ۵: ۲۱ - ۳۲ عمل می کند؟ اگر متاهل هستید، چگونه می توانید در پی محقق ساختن بیشتر این اصول در ازدواجتان باشید؟

۱۰ شهریور

جمعه

اندیشه ای فراتر: فصل «مسئولیت های زندگی در تاهل»، از کتاب شهادتهایی برای کلیسا، جلد ۷، صفحات ۴۵ - ۵۰ و همچنین فصل «وظایف و تعهدات متقابل» از کتاب خانه ادونتستی، صفحات ۱۱۴ - ۱۲۰، از نوشته های الن جی وایت را بخوانید.

الن جی وایت بطور مستمر شریکان زندگی را ترغیب می کند تا از تلاش برای کنترل یکدیگر دست بر دارند: «سعی نکنید تا یکدیگر را تسلیم خواسته های خود کنید. شما نمی توانید چنین کنید و عشق و محبت را نسبت به هم حفظ کنید. مهربان، صبور، بردبار، با ملاحظه و مودب باشید». - خانه ادونتستی، صفحه ۱۱۸.

او مستقیماً به تفسیر و کاربرد کولسیان ۳: ۱۸ (و افسسیان ۵: ۲۲ - ۲۴ اشاره می کند):

«سوالی که اغلب پرسیده می شود، «آیا همسران نمی توانند از خود اراده ای داشته باشند؟» کتاب مقدس بطور صریح بیان می کند که شوهر سر خانواده است.

«ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید». اگر این دستور در اینجا ختم شود می توانیم بگوئیم که زنان از جایگاه خوبی برخوردار نیستند... بسیاری از شوهران کلام را بطور مقطعی می خوانند، «همسران تسلیم شوهران باشید»، ولی آخر همان دستور را هم باید بخوانیم که می گوید، «چنانکه در خداوند شایسته است» (کولسیان ۳: ۱۸). خدا ملزم می دارد که همسر بیش از پیش خداترس بوده و او را جلال دهد.

«تسلیم بودن در کل تنها باید در برابر خداوند عیسی مسیح باشد که او را به عنوان فرزند خود با هزینه بیکران زندگی خود خریداری کرده تنها یک نفر هست که در مرتبه والاتری از شوهر نسبت به زن ایستاده؛ که رهایی دهنده اوست و تسلیم بودن زن به شوهرش باید آنگونه باشد که خداوند مطرح نموده - «چنانکه در خداوند شایسته است». - خانه ادونتستی، صفحات ۱۱۵ و ۱۱۶.

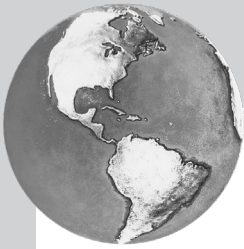
سوالاتی برای بحث:

۱. تصور کنید که فردی بحث می کند که افسسیان ۵: ۲۱ - ۲۳ آیه ای از مد افتاده است که بیش از این روابط مسیحی را مورد خطاب قرار نمی دهد از آنجا که مدلی از ازدواج را تحمیل می کند که بر اقتدار و تسلط شوهر تمرکز دارد. چگونه به این مطلب واکنش نشان می دهید؟ چه عواملی از این آیه می تواند به پاسخ شما کمک کند؟

۲. اندرز پولس در افسسیان ۵: ۲۱ - ۳۳ چگونه می تواند برای افرادی کلید حل مشکل باشد که خود را در چالش و مشکلات سخت روابط زناشویی گرفتار می یابند؟

۳. برخی از مسیحیان مشاجره می کنند که داستان خلقت در پیدایش باب های ۱ و ۲ صرفاً یک استعاره تشبیهی است و اینکه به آنچه که به واقع اتفاق افتاده نزدیک نیست که میلیاردها سال از تکامل می گذرد. استفاده پولس از داستان در مورد اینکه چقدر به معنای واقعی کلمه آن داستان را پذیرفته است، چه چیزی به ما می آموزد؟

۴. بر روی مفهوم و محتوای اصطلاح «یک تن» بیشتر تامل کنید. این عبارت چگونه به ما کمک می کند تا تقدس ازدواج را بهتر درک کنیم و چرا زوج های متاهل باید هر کاری که ممکن است برای حفظ این تقدس انجام دهند؟



ملاقات با زندانیان در اسپانیا

نوشته‌ی گابریل دیاز

فعالیت مورد علاقه من، کار با زندانیان است. هرچایی که تاکنون بعنوان کشیش خدمت کرده‌ام، در بخش امور زندانیان بوده‌ام. ابتدا در سرزمین مادری‌ام کلمبیا و اکنون در اسپانیا.

در طول دو دهه گذشته، من از چهار زندان، از جمله زندان فوق امنیتی زنان در پایتخت اسپانیا، مادرید، بازدید کرده‌ام. سه سال مذاکره با مسئولان زندان طول کشید تا به این زندان ۴۰۰ نفره دسترسی پیدا کنم. مقامات زندان بالاخره در سال ۲۰۱۹ برای اولین بار به من اجازه دادند تا وارد زندان شده و مراسم پرستش از ساعت ۵:۳۰ تا ۷ عصر هر پنجشنبه را برگزار کنم. در اولین مراسم، تنها یک خانم شرکت کرد اما او بسیار مشتاق و مایل به گوش دادن به حرف‌هایم بود.

به آن خانم گفتم: «از ملاقات با شما بسیار خوشحال هستم. آمدن به اینجا من را لبریز از شادی می‌کند اما ما باید دعا کنیم تا افراد بیشتری را نیز ملاقات کنیم.» ما از خداوند خواستیم تا افراد بیشتری را به جلسات پنجشنبه‌ها بیاورد. وقتی برای چهارمین جلسه رسیدم، ۱۰ خانم منتظر من بودند! اما اکنون، هر هفته ۶۰ خانم در جلسات شرکت می‌کنند. سن آنها از ۲۲ تا ۷۰ سال است. برنامه پرستشی ما به سه قسمت تقسیم می‌شود: سرود و دعا، زمانی برای خانم‌ها جهت به اشتراک گذاشتن شهادت‌های شخصی خود به نام «معجزه خود را نام ببرید» و مطالعه کتاب مقدس.

وقتی با آنها صحبت می‌کنم، همواره به آنها یادآوری می‌کنم که خداوند، پدر آنها در بهشت است و به آنها می‌گویم: «خداوند شما را همچون دختران خود می‌بیند.»

در تمام سال‌های خدمتم بعنوان یک کشیش، هرگز شاهد عبادت و ستایشی همچون آنچه در زندان می‌دیدم، نبوده‌ام. این عبادت و ستایش، خیلی قدرتمند بود. خانم‌ها در دعا‌های خود بسیار صداقت و خلوص نیت دارند. گاهی اوقات حتی بیشتر از جلسات روز سبت، مشتاق جلسات روز پنجشنبه هستم. زمانی که باهم می‌گذرانیم کوتاه است، بنابراین هر خانم می‌تواند شهادت

شخصی خود را روی کاغذ بنویسد، آن را به جلسه بیاورد و در پایان آن را به من بدهد. این کاغذها مملو از ستایش خداوند است که چگونه زندگی آنها را تغییر داده است. من اکنون تعداد زیادی از این کاغذها دارم.

گروهی از اعضای کلیسا نیز با این خانم‌ها ملاقات دارند و آخر هفته‌ها به آنها کتاب مقدس آموزش می‌دهند. آنها تنها می‌توانند از پشت شیشه ملاقات داشته باشند و اجازه ندارند مثل من، وارد زندان شوند؛ اما با همه این‌ها، ما شاهد نتیجه‌ای ثمربخش هستیم. تعداد زیادی از خانم‌ها قلب خود را به عیسی دادند و ما نیز با خانواده‌های آنها ارتباط برقرار کرده‌ایم.

این داستان ماموریت، هدف شماره ۲ از برنامه راهبردی کلیسای روز هفتم ادونتیست، «من خواهم رفت» را نشان می‌دهد که «تقویت و تنوع بخشیدن به ادونتیست‌ها، در میان گروه‌های دست نیافتنی و کم دسترسی» می‌باشد.

برای اطلاعات بیشتر به این سایت مراجعه کنید:

IWillGo2020.org.

تمرینِ علُو و فاداری نسبت به مسیح



بعد از ظهر سبت

برای مطالعه این هفته بخوانید: افسسیان ۶: ۱ - ۹؛ مرقس ۱۰: ۱۳ - ۱۶؛ کولسیان ۳: ۲۱؛ اول پطرس ۲: ۱۸ - ۲۵؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۰؛ کولسیان ۳: ۲۴ و ۲۵.

آیه حفظی: «و شما ای اربابان، با غلامان خود همین‌گونه رفتار کنید، و از تهدیدشان دست بردارید، زیرا می‌دانید او که هم ارباب ایشان است و هم ارباب شما، در آسمان است، و نزد او کسی را بر دیگری برتری نیست» (افسسیان ۶: ۹).

در سال ۲۰۱۸ اثری در موزه کتاب مقدس در واشنگتن دی سی نظر بسیاری از بازدیدکنندگان را به خود جلب کرد. این یک کتاب مقدس خلاصه شده ای بود که برای آموزش اصول ایمان تدوین شده بود و در عین حال هر بخشی از آن که اندیشه شورش را در ذهن بردگان ایجاد می کرد را حذف کرده بود. این کتاب که در سال ۱۸۰۸ منتشر شد، نه تنها بی سر و ته بود بلکه نود درصد از عهد عتیق و پنجاه درصد از عهد جدید را نیز حذف کرده بود. از ۱۱۸۹ فصل از کتاب مقدس، تنها ۲۳۲ فصل باقی مانده بود.

بنظر می رسد که آیات باقیمانده، برای تقویت اهریمن های برده داری منتشر شده بود. مقدار زیادی از روایتهای خبر خوش کتاب مقدس حذف شده بود ولی آیاتی که کاملاً درست نخورده باقی مانده بود، شامل آیاتی می شد که اغلب برای ساکت کردن بردگان یا غلامان، مورد سوء استفاده می گرفت، همچون: «ای غلامان، اربابان زمینی خود را با احترام و ترس، و با اخلاص قلبی، اطاعت کنید، چنانکه گویی از مسیح اطاعت می کنید» (افسسیان ۶: ۵).

امروزه، در زمان و فرهنگ ما، چالش مهم خواندن افسسیان ۶: ۱-۹ در چارچوب داستان کامل رستگاری است، همانطور که در کتاب مقدس کامل آشکار شده است. وقتی می بینیم پولس ارزشهای انجیل را در ساختارهای اجتماعی معیوب زمان خود اعمال می کند، چه چیزی می توانیم یاد بگیریم؟

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۹ سپتامبر - ۱۸ شهریور آمادگی داشته باشید.

نصیحت به فرزندان

پولس چه اندرزی به فرزندان می دهد، و چگونه از عهد عتیق برای پشتیبانی از نصیحت خود بهره می گیرد؟ افسسیان ۶: ۱ - ۳. (همچنین متی ۱۸: ۱ - ۵ و ۱۰؛ مرقس ۱۰: ۱۳ - ۱۶ را ببینید).

برای اینکه بتوانیم نصایح پولس به فرزندان را بطور کامل درک کنیم، باید تصور کنیم که این نصایح در کلیساهای خانگی آبر شهر و پر رونق افسس قرائت می شوند. کلمه «فرزندان» (به یونانی tekna ta) می تواند به طیف وسیعی از سنین اشاره داشته باشد، زیرا فرزندان تا زمانی که پدر به ۶۰ سالگی برسد (طبق سنت یونانی) یا تا زمان مرگ او (به رسم رومیان) تحت تکلف و قیمومیت پدر باقی می ماندند.

این فرزندان گرچه هنوز کوچک بودند تا تحت تربیت والدین قرار بگیرند (افسسیان ۶: ۴) ولی به اندازه کافی بزرگ بودند تا با حقی که از آن برخوردارند به شاگردی مسیح در آیند. ما می شنویم که پولس از بچه هایی که در جماعت های مسیحی پرستش می کنند درخواست می کند تا «در خداوند» از والدینشان اطاعت نموده و به آنها احترام بگذارند (افسسیان ۵: ۲۲؛ افسسیان ۶: ۴ و ۵ و ۷ - ۹ مقایسه کنید). ما در اینجا دعوت شده ایم تا به فرزندانی که خودشان شاگرد مسیح هستند احترام بگذاریم و آنها را به عنوان مشارکت کنندگان فعال در پرستش بپذیریم. این باعث می شود که این آیه به یک زیربنایی برای والدین و برای بشارت به فرزندان تبدیل شود.

دستور پولس برای اطاعت مطلق نیست. وقتی دستورات والدین «با الزامات مسیح در تضاد باشد آنگاه گرچه ممکن است دردناک بنظر بیاید، آنها [فرزندان] باید از خدا اطاعت نموده و عواقب آن را به او بسپارند». - الن جی وایت، خانه ادونتستی، صفحه ۲۹۳.

پولس نصیحت خود را به بچه ها با استناد به فرمان پنجم کامل می کند و شهادت می دهد که او برای ده فرمان به عنوان مرجع رهنمود برای ایمانداران مسیحی، ارزش والایی قائل است. (یک ویژگی مشهود از افسسیان ۴: ۱ - ۶: ۹؛ خصوصا افسسیان ۴: ۲۵ و ۲۸؛ افسسیان ۵: ۳ - ۱۴). او نقل قول خود را از آیه («پدر و مادر خود را احترام بگذارید»، افسسیان ۶: ۲) آغاز می کند، سپس نظریه ای مهم را در آن می گنجاند («که این نخستین حکم با وعده است»، افسسیان ۶: ۲)، و بعد آن را کامل می کند («تا کامیاب شوی و بر زمین عمر طولانی کنی»، افسسیان ۶: ۳). فرمان پنجم حامل شهادتی است که حرمت دادن به والدین بخشی از تدبیر خدا برای بشرت است تا نسبت به آن مجاهدت ورزد. احترام قائل شدن برای والدین، هرچند بطور کامل ممکن نباشد لیکن مروج تندرستی و سلامتی است.

توصیه به والدین

افسسیان ۶: ۴ و کولسیان ۳: ۲۱ را با هم مقایسه کنید. کولسیان ۳: ۲۱ برای اجتناب از آزردن فرزندان چه انگیزه ای ایجاد می کند؟

سیراخ [حکمت یسوع بن سیراخ] یک متن یهودی در ایام پولس بود که به پدران توصیه می نمود تا چطور با پسرانشان رفتار کنند:

«کسی که پسرش را دوست دارد، او را اغلب تازیانه بزنید. . . . اگر بچه را نوازش کنید او شما را ارباب خواهد نمود؛ اگر با او بازی کنید شما را محزون خواهد کرد. . . . پسر را تأدیب کن و یوغ او را سنگین کن تا از بی شرمی او آزرده نشوی» (سیراخ ۳۰: ۱، ۹، ۱۳).

اندرز پولس حاوی لحن های بسیار متفاوتی است. او در ابتدا فرمانی منفی به پدران می دهد: «ای پدران، فرزندان خود را خشمگین مسازید»، سپس فرمانی مثبت می دهد، «بلکه آنها را با تعلیم و تربیت خداوند بزرگ کنید» (افسسیان ۶: ۴). در ایام پولس، پدران از قدرت کامل قانونی بر فرزندان خود برخوردار بودند زیرا فرزندان جزیی از مالکیت او به حساب می آمدند. پدران از این حق برخوردار بودند تا خشونت شدیدی تا حد مرگ بر فرزندان خود اعمال کنند. بواقع، از جهاتی اقتدار پدر بر فرزندانش از اختیارات ارباب بر غلامانش فراتر می رفت. پولس چنین اقتداری را تایید نمی کند بلکه بطور برجسته ای روابط خانوادگی را روشن و ماهیت آن را تغییر می دهد.

در چارچوب وفاداری اعلی به مسیح، پولس از پدران مسیحی دعوت می کند تا در اعمال قدرت، تجدید نظر کنند، زیرا فرزندانی که خشمگین می شوند، در موقعیت مناسبی از پذیرش «تعلیم و تربیت خداوند» قرار نخواهند داشت (افسسیان ۶: ۴).

«پدران و مادران، شما در خانه نماینده خدا برای اصلاح و تربیت هستید. شما باید اطاعت را مطالبه کنید نه اینکه طوفان کلمات باشید بلکه با مهربانی و خلق و خویی محبانه رفتار کنید.... «در خانه خوش مشرب و دلپسند باشید. از هر کلمه ای که باعث تحریک رفتاری نامقدس شود، پرهیز کنید.» (ای پدران، فرزندان خود را تحریک نکنید تا خشمگین شوند» این یک دستور الهی است....

«کلام خدا هیچ مجوزی برای شدت برخورد یا سرکوب کردن سرکشی فرزندان صادر نکرده

است. فرمان خدا در خانه و در حکمرانی ملتها از قلبی که از محبت ازلی برخوردار است جاری می شود». - الن جی وایت، هدایت کودک، صفحه ۲۵۹.

گرچه محتوای درس در اینجا با والدین و فرزندان سر و کار دارد، ولی چه اصولی را می توان از این متون بدست آورد که بتواند بر نحوه برخورد ما با دیگران تأثیر گذار باشد؟

۱۴ شهریور

سه شنبه

بردگی در ایام پولس

نصیحت به غلامان و اربابان را در آیات زیر بخوانید: افسسیان ۶: ۵ - ۹؛ کولسیان ۳: ۲۲ - ۴؛ ۱؛ اول قرنتیان ۷: ۲۰ - ۲۴؛ اول تیموتائوس ۶: ۱ و ۲؛ اول پطرس ۲: ۱۸ - ۲۵. این نصیحت را چگونه می توانید خلاصه کنید؟

شنیدن خطابه پولس به اربابان برده دار مسیحی و تصور اینکه غلام مسیحی و ارباب مسیحی آنها که در کلیساهای خانگی افسس با هم نشسته اند، شگفت انگیز است. برده داری در دنیای یونانی-رومی می تواند از جنبه های مهمی با نسخه بعدی در دنیای جدید متفاوت باشد. برده داری بر یک گروه قومی متمرکز نبود. گاهی اوقات به بردگان شهری و خانگی امتیازهایی برای تحصیل داده می شد و می توانستند به عنوان معمار، پزشک و فیلسوف کار کنند.

گاهی اوقات آزادی برای این بردگان خانگی پس از یک دوره محدود خدمت رخ می داد، اگرچه اکثر بردگان هرگز آزادی خود را به دست نیاوردند. در تلاش برای تصدیق چنین تفاوت هایی، تعدادی از نسخه های اخیر کتاب مقدس، عبارت یونانی *doulos*، واژه «برده» را در افسسیان ۶: ۵-۸، به عنوان «غلام» ترجمه کرده اند.

گذشته از این، بردگی در هر زمان، در هر فرهنگ، در هر شرایطی، اهریمنی نابخشودنی است و خداوند بر اساس عدالت بیکران خویش، برده داران را داوری و محکوم خواهد کرد - و در این خصوص می توانیم شاکر باشیم.

شنیدن فغان برده سابق، پوبلیلیوس سایروس آزاردهنده است: «میری زیباتر است تا اینکه به عنوان یک برده تحقیر شوی» با توجه به گستره کامل این واقعیت ها، ترجمه *doulos* به عنوان «برده» ترجیح داده می شود، به خصوص که این بردگان تحت تهدید و اربابان خود زندگی می کردند (افسسیان ۶: ۹).

برده داری در دنیای پولس همیشه وجود داشت. او آن را نه به عنوان یک اصلاح‌گر اجتماعی، بلکه به عنوان یک شبان که به ایمانداران توصیه می‌کند که چگونه با واقعیت‌های کنونی کنار بیایند و دیدگاه جدیدی با محوریت دگرگونی فرد ایماندار ارائه کنند مطرح می‌کند که بعداً می‌تواند پیامدهای گسترده‌تری برای جامعه بطور کلی داشته باشد:

«دیدگاه او آزاد کردن بردگان در امپراتوری روم نبود. بلکه دیدگاه او در مورد چیزی غیر از آزادی قانونی بردگان بود، یعنی ایجاد مشارکت جدید مبتنی بر خواهر و برادر بر اساس فرزندخواندگی به عنوان فرزندان خدا. . . . برای پولس، انقلاب اجتماعی باید در کلیسا، در بدن مسیح، در سطح محلی، و در کلیسای خانگی و خانواده مسیحی رخ دهد.» - از مرجع زیر:
—Scot McKnight, *The Letter to Philemon* (Grand Rapids, MI: Eerdmans Publishing Company, 2017), pp. 10, 11.

یکی از لکه های ننگ بزرگ تاریخی مسیحیت این است که چگونه برخی از این عبارات کتاب مقدس در مورد برده داری برای توجیه این اهریمن استفاده شده است. چه پیام ترسناکی را باید در مورد اینکه با چه دقتی باید کلام خدا را تحلیل و بکار بگیریم، برداشت می‌کنید؟

۱۵ شهریور

چهارشنبه

غلامان مسیح

پولس با دستورالعمل‌های مفصل خود غلامان مسیحی به چه چیزی ملزم می‌دارد؟
افسیسیان ۶: ۵ - ۸.

پولس از غلامان مسیحی می‌خواهد تا از اربابان خود اطاعت کنند و خدمتی عالی و با خلوص نیت ارائه دهند. آنچه قابل توجه است اشاره مکرر او به یک جایگزینی بزرگ است که از آنها می‌خواهد. آنها نباید ارباب خود را به جای مسیح قرار دهند و با او بیعتی ببندند که فقط متعلق به مسیح است.

در عوض، در تعهدات و وفاداری که انگیزه خدمات قلبی و عالی آنها را فراهم می‌کند، آنها باید مسیح، خداوند، را جایگزین ارباب خود کنند. پولس در ترغیب این جایگزینی اساسی، درکی متحول یافته و مسیحی از رابطه ارباب و برده را ارائه می‌دهد.

به چندین روش توجه کنید که پولس این جایگزینی را به آنها تاکید می‌کند:

* اربابی آنها توسط پولس، به «اربابان زمینی» تنزل رتبه یافته و به ارباب واقعی و آسمانی اشاره می‌کند (افسیسیان ۶: ۵).

* آنها باید اینگونه خدمت کنند: «اربابان زمینی خود را با احترام و ترس، و با اخلاص قلبی، اطاعت کنید، چنانکه گویی از مسیح اطاعت می‌کنید» (افسیسیان ۶: ۵).

* پولس این جایگزینی را به وضوح اینگونه استدلال می‌کند که غلامان مسیحی باید اربابان خود را بگونه ای خدمت کنند که گویی مسیح را خدمت می‌کنند (افسیسیان ۶: ۶).

* در ارائه خدمت خود، آنان باید «همچون غلامان مسیح، خواست خدا را با دل و جان به جای آورند» (افسیسیان ۶: ۶).

* پولس خدمتی را دعوت می‌کند که انگیزه مثبت داشته و «چنانکه گویی خداوند را خدمت می‌کنند نه انسان را» (افسیسیان ۶: ۷).

غلامان مسیحی برای خدمت خود از روی خلوص نیت باید انتظار اجر کامل از مسیح را در زمان بازگشت او داشته باشند.

آنها کار خود را برای او انجام داده اند و ممکن است از او انتظار پاداش داشته باشند، ایده ای مخصوصاً جذاب برای کسانی که در دام این موسسه هولناک افتاده اند. یک برده ممکن است توسط یک ارباب زمینی احساس کند که از او قدردانی نشده است یا بدتر از آن (مقایسه کنید با اول پطرس ۲: ۱۹، ۲۰). با این حال، غلام ایماندار، اربابی دارد که توجهش به «هر کار نیکی است» (افسیسیان ۶: ۸) و پاداش او تضمین شده است.

هر چقدر هم که آرزو داشته باشیم که کتاب مقدس آشکارا این عمل وحشتناک را محکوم کند، ولی اینطور نیست. با این وجود، با استفاده از سخنان پولس در این زمینه در مورد اینکه چگونه با افرادی که خودمان با آنها کار می‌کنیم، چه اصولی را باید رعایت کنیم؟

۱۶ شهریور

پنجشنبه

اربابانی که غلام هستند

در گفتار نهایی پولس به بردگان «خواه غلام باشد خواه آزاد» (افسیسیان ۶: ۸)، واژه «آزاد» اشاره به اربابان می‌کند، و به پولس اجازه می‌دهد تا آنها را نصیحت کند در حالی که غلامان و اربابان را اینگونه تصور می‌کند که همگی بطور برابر در روز داوری در پیشگاه مسیح ایستاده اند (دوم قرنتیان ۵: ۱۰؛ کولسیان ۳: ۲۴، ۲۵ را مقایسه کنید).

با فرض اینکه شما یک ارباب برده مسیحی هستید که به خواندن افسسیان در کلیسای خانگی خود گوش می‌دهید، چگونه می‌توانید به این توصیه ای که در حضور غلامان شما ارائه شده است واکنش نشان دهید؟ افسسیان ۶: ۹.

پولس برای اربابان، اربابان برده دار، نصیحتی کنایه انگیز دارد، که در تضاد شدید با سرور می باشد که در زبان یونانی ارباب ترجمه شده که عادت به «تهدید کردن» بردگان خود داشتند. در صورتی که در خداوند [سرور] یا مسیح تبعیضی وجود ندارد. چرا که اگر رفتار تبعیض آمیز داشته باشند توسط خدا داوری خواهند شد.

پولس از اربابان می خواهد که «همین کار را با آنها انجام دهند»، یعنی مانند مسیح بوده و رفتار تبعیض آمیز نداشته باشند که این خواسته برای صاحبان برده قرن اول تکان دهنده بود. اربابان باید با تبعیت از مسیح نسبت به غلامان خود با حُسن نیت رفتار کنند، همان چیزی که پولس از غلامان نیز خواسته بود (افسیسیان ۶: ۵ - ۸). او به ایشان می گوید تا دست از تهدید و ارباب غلامان خود بردارند، رفتاری که در آن زمان متداول بود و اربابان از مجازات های گوناگونی استفاده می کردند که شامل کتک زدن (اول پطرس ۲: ۲۰)، تجاوز جنسی، فروختن (و جدا شدن از عزیزانشان)، کار سخت، گرسنگی دادن، غل و زنجیر، داغ کردن، و حتی مرگ بود.

پولس از دستورات خود با دو انگیزه حمایت می کند که اربابان را فراتر از ساختارهای اجتماعی جهان یونانی-رومی نگاه می کند:

۱. آنها و بردگان فرضی خود، غلام یک سرور هستند (با علم به اینکه او [مسیح] هم ارباب آنها در زمین و هم در آسمان است، با کولسیان ۴: ۱ مقایسه کنید)؛ ۲. ارباب [سرور] آسمانی، همه را بدون جانبداری داوری می کند. از آنجایی که ارباب [مسیح] خودش کسانی را که به عنوان برده در نظر گرفته می شوند را در موقعیتی برابر با دیگران می بیند، آنها نیز باید چنین کنند (با فلیمون ۱۵ و ۱۶ مقایسه کنید).

زبان پولس در افسسیسیان بخصوص برای بردگان مسیحی دلگرم کننده است: فرزندخواندگی (افسیسیان ۱: ۵)؛ رهایی (افسیسیان ۱: ۷)؛ وارث (افسیسیان ۱: ۱۱ و ۱۴؛ افسسیسیان ۳: ۶)؛ تخت نشینی با عیسی (افسیسیان ۲: ۶)؛ هموطن مقدسان شدن و عضو خانواده خدا شدن (افسیسیان ۲: ۱۹ را با ۳: ۱۴ و ۱۵ مقایسه کنید) و عضوی جدانشدنی از بدن مسیح (افسیسیان ۳: ۶؛ افسسیسیان ۴: ۱ - ۱۶ را ببینید).

تمامی آموزه های افسسیسیان ۶: ۵-۹ به طور موثری، روابط بین بردگان و اربابان را توضیح می دهد، از جمله اندرز در مورد نحوه گفتار (افسیسیان ۴: ۲۵-۳۲) و اخلاقیات در روابط زناشویی (افسیسیان ۵: ۱-۱۴).

۱۷ شهریور

جمعه

اندیشه ای فراتر: پولس برای فرزندان، به عنوان هم ایمانان در مسیح، احترام قائل است (افسیسیان ۶: ۱ - ۳) که نگرانی ما را در خصوص نحوه عملکرد با بچه ها بگونه ای مورد توجه قرار می دهد که امروزه در دنیا با آنان رفتار می شود. کلام او به پدران (افسیسیان ۶: ۴) از ما دعوت می کند تا مسئولیتهای خود را به عنوان والدین مورد توجه قرار دهیم.

به کار بردن نصایح پولس در مورد بردگان (افسیسیان ۶: ۵-۸) و به ویژه توصیه های او به اربابان (افسیسیان ۶: ۹) چالش برانگیزتر است، زیرا الگوهای اجتماعی برای بسیاری از ما قابل

قبول نیست، زیرا می دانیم که بردگی به هر شکلی که باشد یکی از بزرگترین مفسد اخلاقی است. با این حال، از آنجایی که این کلمات الهام شده بخشی از کتاب مقدس می باشند، امروزه باید در مورد چگونگی بکارگیری آن‌ها فکر کنیم. ما به همراه ایمانداران افسس در قرن اول، از این امتیاز و مسئولیت برخورداریم که ارزش‌های انجیل را در روابط خود به کار ببریم. سوالات بحثی زیر برای تقویت آن کار مهم طراحی شده است.

سوالاتی برای بحث:

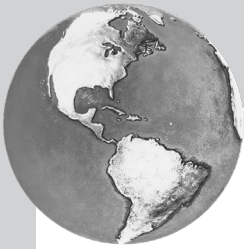
۱. برای ادونتیست‌ها محبت به فرزندان به عنوان شاهی از «قومی که برای خداوند آماده است»، چه مفهومی دارد؟ لوقا ۱: ۱۷ (برگرفته شده از ملاکی ۴: ۶).

۲. احترام آشکار پولس برای بچه‌ها سوالی را پیشنهاد می‌کند که به تحقیق نیاز دارد: مسئولیت ما برای تعمیم دادن مراقبت مسیح از بچه‌هایی که خشونت تجاوز جنسی و شرارت را در نوباوگی تجربه کرده اند چیست؟ با توجه به پژوهش‌ها در خصوص «تأثیر عمیق تجربیات نامطلوب دوران کودکی»^{*}، مسئولیت ما در قبال آنها چیست؟
[*https://www.cdc.gov/violenceprevention](https://www.cdc.gov/violenceprevention)

۳. با اشاره به احترام پولس به کودکان و شفقت عیسی نسبت به آنها، کلیسا چه مسئولیت‌هایی برای پرورش و محافظت از کودکان تحت مراقبت خود دارد؟ چه سیستم‌ها و رویه‌هایی برای انجام این کار باید وجود داشته باشد؟

۴. توصیه پولس به بردگان و اربابان، افسسیان ۶: ۵-۹، اغلب در مورد روابط بین کارمندان و کارفرمایان به کار می‌رود. از چه جهاتی این ممکن است مناسب باشد؟ چه خطراتی در انجام این کار وجود دارد؟

۵. برده داری با وجود بیش از ۴۰ میلیون نفر برده در جهان همچنان یک واقعیت دردناک است (طبق «شاخص جهانی برده داری»^{**})، به عنوان انسان‌های آزاد که نیاکان روحانی آنها قاطعانه به لغو برده داری متعهد بودند، وظایف ما به عنوان پسران و دختران خدا در قبال این بردگان چیست؟
[**http://www.globalslaveryindex.org](http://www.globalslaveryindex.org)



کتاب و سواری

نوشته‌ی اندرو مک‌چسنی

الکسی آروشانیان، ۳۳ ساله، اوکراینی و مقیم لهستان، درحالی‌که دیرش شده بود، می‌دوید. او نصاب پنجره است و تازه کارش را تمام کرده بود. او مجبور شد در پمپ بنزین توقیفی داشته باشد تا بتواند با همسرش به خرید عصرگاهی بروند. در پمپ بنزین، الکسی متوجه مرد جوانی شد که تلاش می‌کرد موتورش را راه بیندازد اما هرچه تلاش کرد، بی‌فایده بود. یک کیف بزرگ و عایق در پشت موتورش، نشان می‌داد که او در حال تحویل غذا است. الکسی چندان خوب لهستانی صحبت نمی‌کرد اما نمی‌خواست این فرصت کمک کردن را از دست بدهد. او در حالی‌که باک را پر و هزینه‌اش را پرداخت می‌کرد، به مرد جوان می‌اندیشید. او به ماشینش برگشت و پنجره را باز کرد و پرسید: «چه شده؟»

مرد جوان لهستانی بود. او گفت: «موتورش استارت نمی‌خورد.» الکسی عضو گروهی از اعضای کلیسا بود که کتاب «نبرد عظیم» «الن وایت را توزیع می‌کردند. از آنجایی که افراد کمی حاضر به پذیرش بودند، کار سختی بود و الکسی این موقعیت را فرصت مناسبی می‌دید. او کتاب را به سمت مرد جوان گرفت و گفت: «من برای تو هدیه‌ای دارم. این یک کتاب مسیحی است که شامل تاریخ مسیحیت، از اولین مسیحیانی است که پس از بازگشت مسیح به بهشت، از حقیقت و همینطور وقایعی که در پایان جهان رخ خواهد داد، دفاع کردند. بنظرم برای تو جالب خواهد بود.»

مرد جوان کتاب را از او پذیرفت و تشکر کرد. الکسی به ماشینش بازگشت و با خودش فکر کرد: «می‌توانم او را رها کنم. وظیفه‌ام را بعنوان یک مسیحی انجام نداده‌ام. کتاب را به او دادم اما نیازش را برطرف نکردم.»

در حالی‌که در ماشینش را باز می‌کرد، گفت: «من می‌توانم تو را به محل تحویل برسانم.»

مرد جوان با تعجب پرسید: «واقعاً؟»

الکسی پاسخ داد: «البته. من درک می‌کنم که چه حسی داری. تو را می‌رسانم.»

مرد جوان کیف حاوی غذا را برداشت و الکسی پس از ۲ مایل (۳ کیلومتر)، او را به آدرس مورد نظرش رساند.

مرد جوان پرسید: «آیا منتظرم می‌مانی؟»

الکسی پاسخ داد: «البته. من تو را آورده‌ام.»

در راه برگشت به پمپ بنزین، مرد جوان از مهربانی الکسی شگفت زده شده بود و گفت: «در لهستان تعداد بسیار کمی از مسیحیان توقف و کمک می‌کنند، اما تو یک مسیحی اوکراینی هستی که به من کمک کردی.»

الکسی درباره محبت خداوند صحبت کرد و گمیل با دقت گوش داد. وقتی به پمپ بنزین رسیدند، یکی از همکاران گمیل، برای تعمیر موتورش رسیده بود. از آنجایی که همکار گمیل آمده بود و دیگر نیازی به کمک نداشت، الکسی آنجا را ترک کرد.

الکسی برای قرار با همسرش دیر کرده بود اما ارزشش را داشت. او بخاطر یک قرار الهی دیر کرده بود.

هدایای آخرین سبت این سه ماهه، به بخش ترانس اروپایی که لهستان را دربرمی‌گیرد، اختصاص دارد. از شما برای برنامه ریزی جهت اهدای یک هدیه سخاوتمندانه، سپاسگزاریم.

دعوت برای ایستادگی



بعد از ظهر سبت

برای مطالعه این هفته بخوانید: افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰؛ تثنیه ۲۰: ۲ - ۴؛ رومیان ۱۳: ۱۱ - ۱۴؛ اول تسالونیکیان ۵: ۶ - ۸؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۳ و ۲۴.

آیه حفظی: «باری، در خداوند، و به پشتوانه قدرت مقتدر او، نیرومند باشید. اسلحه کامل خدا را بر تن کنید تا بتوانید در برابر حيله‌های ابلیس بایستید» (افسسیان ۶: ۱۰ و ۱۱).

خادم با چشمانی از حدقه بیرون زده از اقامتگاه خود خارج می شود و منظره ای نگران کننده را می بیند - ارتشی بزرگ، مجهز و متخاصم با «سربازان، اسب ها و ارابه ها در همه جا». هنگام صحبت با ایسح نبی، او این خبر را با لکنت زبان همراه با سؤالی از روی وحشت می پرسد: «آه، آقا، حالا چه کنیم؟»

ایسح پاسخ داد: «نترس! . . . نترس، تعداد کسانی که با ما هستند بیشتر از آنهاست!» پاسخی که چهره خادم را متعجب میسازد. ایسح در حالی که او را به خود نزدیک می کند، برای او دعا می کند: «ای خداوند، چشمان او را باز کن تا ببیند!» دعای نبی بلافاصله مستجاب می شود. خادم دوباره به باروها قدم می گذارد، اما این بار پرده حجاب بین دیده و غیب برداشته می شود. او اکنون نه یک ارتش، بلکه دو ارتش را می بیند. «خداوند چشمان جوان را گشود، و چون به بالا نگریست، دید کوهها پر از اسبها و ازابه‌های آتشین در اطراف ایسح هستند» (دوم پادشاهان ۶: ۱۵-۱۷).

پولس با نگارش افسسیان ۶: ۱۰-۲۰ دعا می کند تا ایمانداران بینایی بهتری داشته باشند تا بتوانند واقعیت کامل نبرد بزرگ را مشاهده نموده و از آنچه که برایشان آشکار می شود، امید یابند.

* درس این هفته را بخوانید تا برای سبت ۱۶ سپتامبر - ۲۵ شهریور آمادگی داشته باشید.

سخنرانی میدان جنگ

نتیجه گیری هشدار دهنده پولس در نامه اش در افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰ را مطالعه کنید که آژیر خطر را به صدا در می آورد. فریاد و شعار مبارزه پولس برای امروز ما که مبارزان نبرد عظیم هستیم چه معنایی دارد؟

پولس نامه به افسسیان را با فراخوانی برای نبرد خاتمه می دهد که به ایمانداران اصرار می ورزد تا در جبهه کلیسا بر ضد شریر موضع بگیرند (افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰). او با تشویقی فراگیر شروع می کند که «در خداوند قوی باشید» (افسسیان ۶: ۱۰)، که او آن را به عنوان فراخوانی تکرار می کند تا «اسلحه تمام خدا را بر تن کنید» (افسسیان ۶: ۱۱).

او با هدفی مشخص از این دعوت حمایت می کند (توانایی ایستادن بر ضد خدعه های شیطان، افسسیان ۶: ۱۱) و یک دلیل منطقی را ارائه می دهد: نبرد با قوای قدرتمند و ارواح شریر است (افسسیان ۶: ۱۲).

سپس پولس به تفصیل، مجدداً مجوز استفاده از سلاح را صادر می کند. ایمانداران باید «اسلحه کامل خدا را بر تن کنند» تا در میدان جنگ پایدار بمانند (افسسیان ۶: ۱۳)، کمر بند، سینه بند، کفش، سپر، کلاهخود، و شمشیر را ببندند (افسسیان ۶: ۱۴-۱۷). پولس ایمانداران را که اکنون کاملاً مسلح و آماده ورود به کارزار هستند دعوت می کند تا کاری را انجام دهند که سربازان در میدان نبرد کهن می توانستند انجام دهند - و آن کار دعا کردن است (افسسیان ۶: ۱۸-۲۰).

پولس با تکرار توصیه های جنگی یا سخنرانی های شروع نبرد در عهد عتیق، از مأموریت کلیسا از نقطه نظر درگیری نظامی و سلاح صحبت می کند. پولس در اولین فرمان جامع خود به این امر اشاره می کند: «در خداوند، و به پشتوانه قدرت مقتدر او، نیرومند باشید» (افسسیان ۶: ۱۰).

توصیه ها جنگی در عهد عتیق (برای نمونه تثنیه ۲۰: ۲ - ۴؛ داوران ۷: ۱۵ - ۱۸؛ دوم تواریخ ۲۰: ۱۳ - ۲۰؛ دوم تواریخ ۳۲: ۶ - ۸؛ نحمیا ۴: ۱۴ و ۱۹ و ۲۰ را ببینید) بر این ایده تأکید می کنند که توفیق اسرائیل در میدان جنگ بستگی به برتری سلاح هایش و یا تعداد بیشتر نیروهای متخاصم ندارد.

بلکه پیروزی در نتیجه تکیه به حضور و قدرت خدا بدست می آید. رمز موفقیت در اطمینان به خود نبود بلکه اعتماد راسخ به قدرت خدا و تمهیدات او برای توفیقشان بود. پولس این مضامین را برجسته می سازد که ایمانداران را ترغیب کند تا: (۱) در تداوم مأموریت و رسالت کلیسا کوشا باشند؛ (۲) به قدرتهای پنهانی که بر زندگی و شهادتشان تأثیر می گذارد دقت نظر داشته باشند؛ (۳) نسبت به تمهیدات الهی برای توفیقشان آگاه باشند؛ و (۴) همواره اهمیت وحدت و همکاری را در میان ایمانداران خاطر نشان سازند.

اخطار پولس مبنی بر اینکه ما نه با گوشت و خون بلکه با دشمنان ماوراء طبیعی می جنگیم، چه چیزی را باید به ما در خصوص تنها امید ما به پیروزی، بیاموزد؟

۲۰ شهریور

دوشنبه

قوت یافتن در مسیح

پولس نامه خود را با یک فراخوان قدرتمند به نبرد به پایان می رساند که موضوعات و ایده های مهم برای نامه را به عنوان یک مجموعه کلی گرد هم می آورد. او با اعلام موضوع کلی نتیجه گیری که با لحن فریاد جنگی یک فرمانده ارائه می شود، شروع می کند: «باری، در خداوند، و به پشتوانه قدرت مقتدر او، نیرومند باشید» (افسیسیان ۶: ۱۰). مابقی آیه، افسسیان ۶: ۱۱-۲۰، این موضوع بزرگ را به تصویر کشیده و باز می کند.

افسیسیان ۶: ۱۰-۲۰ را دوباره بخوانید. چگونه واقعیت نبرد بزرگ را که شامل قدرت های ماوراء طبیعی واقعی می شود، به عنوان محوری برای نقطه نظرات پولس می بینید؟ چرا حفظ این حقیقت حیاتی در گام برداری های روزانه ما با خدا از اهمیت زیادی برخوردار است؟

پولس مسیح را به عنوان قوت ایمانداران تشخیص می دهد، با این عبارت که «خلاصه ای برادران من، در خداوند و در توانایی قوت او زورآور شوید» (افسیسیان ۶: ۱۰ - ترجمه قدیم) از آنجا که «خداوند» اشاره به مسیح دارد، موضوعی که در افسسیان تداوم دارد (افسیسیان ۲: ۲۱؛ افسسیان ۴: ۱ و ۱۷؛ افسسیان ۵: ۸؛ افسسیان ۶: ۱ و ۲۱). «قدرت کلیسا در توانایی مطلق خداوند قیام کرده خود نهفته است، او که فرمانده نبردهای کلیساست». - از مرجع زیر: —G. G. Findlay, *The Epistle to the Ephesians* (New York: Ray Long & Richard R. Smith, 1931), p. 398.

پولس از قالب تکرار در افسسیان ۶: ۱۰ استفاده می کند و از مترادف های قدرت و توانایی برای تأکید و برجسته ساختن نقطه نظر خود استفاده می کند: قدرتی که باید توسط کلیسا به نمایش گذاشته شود، در ایمانداران فطری [درونی] نیست، بلکه برگرفته [بیرونی] است. این قدرت از جانب خداوند، از مسیح می آید. پولس در اینجا محتوای مهم نامه را خلاصه می کند، یعنی قدرت خدا که با ایمانداران به اشتراک گذاشته شده است (افسیسیان ۱: ۱۹-۲۲؛ افسسیان ۲: ۴-۶؛ افسسیان ۳: ۱۶، ۱۷). قدرت هر نبرد کنونی و آینده را باید در همبستگی ایمانداران با مسیح قیام کرده و رفعت یافته یافت.

در حالی که فرمان اولیه، مسیح را به عنوان کسی که در ارائه قدرت فعال به ایمانداران اعلام می کند (افسیان ۶: ۱۰)، هر سه عضو الوهیت در تقویت آنها برای مبارزه روحانی با شریک در کارند. خدا (پدر) سلاح های خود را به عنوان «زره خدا» در دسترس قرار می دهد (افسیان ۶: ۱۱، ۱۳؛ با اشعیا ۵۹: ۱۷ مقایسه کنید).

پیش از این، پولس روح را به عنوان عامل فعال در تقویت ایمانداران معرفی کرده است. پولس دعا کرد تا خدا «بر حسب غنای جلال خود به شما عطا فرماید تا به مدد روح او قوی و نیرومند شوید» (افسیان ۳: ۱۶). در اینجا، این روح است که شمشیر را تامین می کند، «شمشیر روح، که کلام خداست» (افسیان ۶: ۱۷). همچنین، ایمانداران باید «همیشه در روح» دعا کنند (افسیان ۶: ۱۸). پولس آرزو می کند که شنوندگانش درک کنند که خدای تثلیث به طور کامل در تجهیز آنها برای نبرد با این قدرت های اهریمنی مشغول باشد.

۲۱ شهریور

سه شنبه

نبرد عظیم در نامه های پولس

رومیان ۱۳: ۱۱ - ۱۴ و اول تسالونیکیان ۵: ۶ - ۸ و دوم قرنتیان ۱۰: ۳ - ۶ را بخوانید. این آیات با افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰ چگونه مقایسه می شوند؟ فکر می کنید که پولس برای چه از این نوع تشبیهات استفاده می کند؟

پولس در نامه خود بطور مکرر از زبان نظامی و تصویری/تشبیهی استفاده می کند و از ایمانداران دعوت می کند تا از این مثالهای نظامی برای اتحاد و انسجام یافتن تقلید کنند. در حالی که افسسیان ۶: ۱۰-۲۰ طولانی ترین و متمرکزترین کاربرد او را نشان می دهد، زبان نظامی یکی از راه های اصلی او برای درک داستان انجیل است.

مسیح رفعت یافته که بر «ریاستها و قدرتها» بر صلیب به پیروزی دست یافته (کولسیان ۲: ۱۵) اینک نتایج آن پیروزی را از موقعیت خود به عنوان خداوند متعال بر قدرت ها به دست می آورد (فیلیپیان ۲: ۹-۱۱). مسیح با بکارگیری پیروان خود به عنوان جنگجویان در جنگ کیهانی، لشکریان نور را به سوی روز بزرگ پیروزی رهبری می کند (اول قرنتیان ۱۵: ۵۴-۵۸، دوم تسالونیکیان ۲: ۸، رومیان ۱۶: ۲۰).

با جمع بندی کاربردهای پولس از نمادگرایی نظامی، می بینیم که او تضاد بین خیر و شر را به عنوان «یک جنگ عرشی طولانی مدت می داند: نبردهایی بین دو ارتش که در طول اعصار با یکدیگر روبرو می شوند تا زمانی که یکی از طرفها در رویارویی نهایی پیروز شود» - از مرجع زیر: Peter W. Macky, St. Paul's Cosmic War Myth: A Military Version of the Gospel (New York: Peter Lang Publishing, Inc., 1998), p. 1.

مضمون غالب جنگ کیهانی پولس نیز بخشی از تار و پودهای تنیده شده در افسسیان است. پولس در فراخوان برای مسلح شدن (افسسیان ۶: ۱۰-۲۰)، عناصری از درگیری کائنات را که قبلاً از آنها استفاده کرده است، گرد هم می آورد:

خداوند برای توأمند سازی ایمانداران به آنان «قدرت» بی نظیری می دهد (افسسیان ۱: ۱۸-۲۰؛ افسسیان ۳: ۱۶، ۲۰)؛ پیروزی و تعالی مسیح بر قدرت ها (افسسیان ۱: ۲۰-۲۳)؛ ایمانداران به عنوان یک ارتش زنده شده از مردگانی که زمانی مرده بودند، اما اکنون به واسطه هویت خود با مسیح متعال قدرت یافته اند و می توانند با ارباب تاریکی سابق خود مبارزه کنند (افسسیان ۲: ۱-۱۰)؛ نقش کلیسا در آشکار ساختن عذاب آینده آنها به قدرتها (افسسیان ۳: ۱۰)؛ استفاده از مزمور ۶۸: ۱۸ برای نشان دادن مسیح به عنوان جنگجوی الهی و پیروز (افسسیان ۴: ۷-۱۱)؛ و دعوت به ایمانداران برای «پوشیدن» لباس انجیل (افسسیان ۴: ۲۰-۲۴) را ببینید). وقتی فراخوانده می شویم تا «زره کامل» خدا را بپوشیم، به خوبی آماده ایم تا نقش اصلی درگیری عرش را درک کنیم، اما، همچنین، باید در این اطمینان که در پیروزی نهایی مسیح مشارکت داریم، ثابت قدم و راسخ بایستیم.

برخی از راه هایی که شما شخصاً واقعیت این درگیری عرش را تجربه کرده اید، و همچنین در مورد پیروزی ای که می توانیم برای خود در عیسی ادعا کنیم، چه می باشند؟ چرا درک پیروزی او برای ما برای امید و تجربه ما بسیار اساسی است؟

۲۲ شهریور

چهارشنبه

ایستادن در میدان نبرد ایام کهن

افسسیان ۶: ۱۰-۲۰ را بخوانید و هر بار که پولس از شکلی از فعل ایستادن استفاده می کند توجه کنید. چرا این ایده اینقدر برای او مهم است؟

ما باید استعاره نظامی پولس را در چارچوب میدان نبرد کهن درک کنیم. «ایستادن» به چه معنا بود (افسسیان ۶: ۱۱، ۱۳، ۱۴)؟ آیا این فعل تنها از حالت دفاعی سخن می آورد؟ شعارهای جنگی در نوشته های توسیدید که یکی نویسندگان نامدار کلاسیک در ادبیات جنگ است سه اقدام پی در پی که بایستی بوقوع بپیوندد تا یک جبهه به پیروزی برسد را برجسته می سازد: (۱) «سربازان بایستی به دشمن نزدیک شوند» یعنی آنان باید راهپیمایی کنند تا با دشمن روبرو شوند؛ (۲) آنگاه آنان باید حمله کرده و پایدار باشند یا در جبهه خود

«محکم بایستند» و با دشمنانشان جنگ تن به تن کنند؛ (۳) در نهایت آنان «باید دشمن را شکست دهند». - از مرجع زیر:

(see Thucydides, *The Peloponnesian War* [New York: E. P. Dutton, 1910], 4.10.1-5).

لحظه کلیدی یک نبرد عهد کهن با دومین اقدام از این سه عمل رخ داد، زمانی که دو گروه از متخصصین با یکدیگر برخورد کردند در «یک صدای وحشتناک از برخورد برنز، چوب و استخوان شکسته شده»، که گزنفون نویسنده باستانی از آن به عنوان «متلاشی شدن وحشتناک» یاد می کند. —Victor Davis Hanson, *The Western Way of War* (New York: Oxford University Press, 1989), pp. 152, 153.

استوار ایستادن، در موضع پا بر جا ماندن در این لحظه استراتژیک، چالش بزرگ نبرد عهد کهن بود. در نبرد نزدیکی که در پی خواهد آمد، هر طرف به دنبال فرصتی برای «یورش» بود. فراخوان پولس برای مسلح شدن بازتاب دهنده نبردی است که به موجب آن سربازان به هم رسیده بودند و در جنگ رو در رو به هم صدها ضربه می زدند و ضربه می خوردند. - از مرجع زیر: —Victor Davis Hanson, *The Western Way of War*, p. 152.

این مطلب با ترسیم پولس از نبرد کلیسا با دشمنانش به عنوان یک مسابقه کشتی (افسیسیان ۶: ۱۲؛ درس پنجشنبه را ببینید) و در استفاده او از شکل فشرده فعل «ایستادن» در آیه ۱۳ تأیید می شود: «تا بتوانید در روز شریر مقاومت کنید» (ترجمه قدیم را نیز ببینید). این وضعیت، راحتی و آسایش نیست! بنابراین، «ایستادن» به معنای درگیر شدن شدید در نبرد، استفاده از هر سلاح در نبردهای رو در رو است، نکته ای که از تصویر نظامی در توصیه قبلی پولس آشکار می شود که «در یک روح با یک ذهن دوش به دوش یکدیگر برای ایمان [عقیده] انجیل محکم بایستید» (فیلیپان ۱: ۲۷).

عبرانیان ۱۲: ۴ را بخوانید. این آیه چگونه کمک می کند تا معنی و منظور ایستادن در خداوند را درک کنید؟ ماهیت اتحاد جمعی در این ایستادگی چیست؟

۲۳ شهریور

پنجشنبه

مبارزه بر علیه قدرتهای اهریمن

به نظر شما هدف پولس از فهرست کردن عناوین مختلف برای قدرت های ارواح شریر که در افسسیان ۱: ۲۱، افسسیان ۳: ۱۰، و افسسیان ۶: ۱۰-۲۰ به تصویر کشیده شده است، چیست؟

پولس، با استفاده از یک کلمه یونانی برای مبارزه بین کشتی گیران (palê) «کشتی گرفتن» را توصیف می کند (افسیسیان ۶: ۱۲). از آنجایی که کشتی گرفتن به عنوان آمادگی عالی

برای جنگیدن در نظر گرفته می شد، این توصیف مناسبی از جنگ علیه سلاح و جنگ تن به تن است که هنگام درگیری ارتش ها انجام می شود. پولس بر واقعیت مبارزه رو در روی ایمانداران با قدرت های شیطانی تأکید می کند.

در اینجا عناوینی است که او به آنها می دهد:

افسیان ۱۲:۶	افسیان ۱۰:۳	افسیان ۲۱:۱
ریاستها	ریاستها	هر ریاست یا هر رئیس
حاکمیتها	حاکمیتها	هر حاکمیت
خداوندگاران این دنیای تاریک		هر نیرو
فوجهای ارواح شریر در جایهای آسمانی		هر حاکمیتی
		هر نامی

پولس در شرح جامع خود (هر نامی که نامیده شده باشد، افسسیان ۱: ۲۱؛ فوجهای شریر جایهای آسمانی، افسسیان ۶: ۱۲) تایید می کند که همه قوای ماوراء الطبیعه و شریر زیر پاهای مسیح هستند (افسیان ۱: ۲۱).

با این حال، در هر نبردی، دست کم گرفتن نیروهای طرف مقابل هرگز راهبرد خوبی نمی باشد. پولس هشدار می دهد که ما فقط با دشمنان انسان مقابله نمی کنیم، بلکه با «فوجهای ارواح شریر در جایهای آسمانی» (افسیان ۶: ۱۲)، که توسط یک فرمانده حيله گر یعنی شیطان رهبری می شود، مقابله می کنیم (افسیان ۶: ۱۱).

با این وجود، در حالی که باید در برابر دشمنان قدرتمند خود هوشیار باشیم، لازم نیست از آنها هراس داشته باشیم. خدا در نبرد در کنار ما حاضر است (افسیان ۶: ۱۰) و بهترین سلاح ها، زره خودش، «زره خدا» را در اختیار ما قرار داده است (افسیان ۶: ۱۱؛ مقایسه کنید اشعیا ۵۹: ۱۵-۱۷). او حقیقت، عدالت، صلح، ایمان، و نجات و روح القدس خود را در اختیار ما قرار داده است (افسیان ۶: ۱۳-۱۷). از آنجایی که خدا پیشاپیش ما می رود و از سر تا پا به زرهی که مهیا کرده ما را مجهز نموده، نمی توانیم شکست بخوریم (رومیان ۱۶: ۲۰؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۳، ۲۴؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۸).

واقعیت این قدرت های شیطانی فراطبیعی - که ما خودمان در برابر آنها کاملاً درمانده هستیم - در مورد اینکه چرا باید خداوند عیسی را که نه تنها بزرگتر از این قدرت هاست، بلکه قبلاً آنها را شکست داده است، چه درسی به ما می آموزد؟

۲۴ شهریور

جمعه

اندیشه ای فراتر: «کار ما یک کار تهاجمی است، و به عنوان سربازان وفادار عیسی، باید پرچم آغشته به خون را به سنگرهای دشمن حمل کنیم. ما نه با گوشت و خون، بلکه با حکومت ها، با قدرت ها، با حاکمان تاریکی این جهان، با شرارت روحانی در مکان های بلند

می‌جنگیم. اگر بخواهیم اسلحه‌هایمان را به زمین بگذاریم، بیرق خون‌آلود را زمین بگذاریم و به اسارت و بندگی شیطان در آئیم، شاید بتوانیم از درگیرها و مصیبت‌ها خلاص شویم. اما این آرامش ظاهری تنها به قیمت از دست دادن مسیح و ملکوت به دست خواهد آمد. ما نمی‌توانیم صلح را در چنین شرایطی بپذیریم. بگذارید جنگ و نبرد تا پایان تاریخ زمین ادامه یابد، نه صلحی که از طریق ازداد و گناه بدست آمده باشد»- از مرجع زیر:

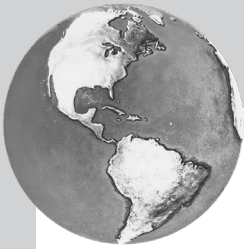
—Ellen G. White, *The Review and Herald*, May 8, 1888.

افسیان ۶: ۱۰-۲۰ چگونه با کتاب مکاشفه مرتبط می‌شود؟ این آیه همان دیدگاه اساسی از وقایع روزهای آخر یا آخرت شناسی را به نمایش می‌گذارد که موضوع نبرد در کتاب مکاشفه است (مکاشفه ۱۲، مکاشفه ۱۶: ۱۲-۱۶، مکاشفه ۱۹: ۱۷-۲۱، مکاشفه ۲۰: ۷-۱۰ را ببینید). در هر دو موضوع وقایع روزهای آخر و آخرت شناسی، قوم خدا مورد هجوم دشمنی هستند که «در جایهای آسمانی» بطور «فعال و قدرتمند در عصر حاضر» حضور دارند. در هر دو، قوم خدا با «تصویر ابدیت آینده» تشویق می‌شوند. علاوه بر این، «هر دو سناریو به صراحت به نبرد نهایی اشاره می‌کنند، زمانی که دشمن به طور کامل مغلوب می‌شود و پس از آن دوران جدید برای همیشه برقرار می‌گردد»، عصر جدیدی که در آن «شرایط با شکوه نهایی برای قوم خدا» و «عذاب ابدی برای دشمن» آشکار خواهد شد- از مرجع زیر:

(See Yordan Kalev Zhekov, *Eschatology of Ephesians* (Osijek, Croatia: Evangelical Theological Seminary, 2005), pp. 217, 233–235.)

سوالاتی برای بحث:

۱. چه زمانی به وضوح با قدرت‌های تاریکی روبرو شده‌اید؟ در آن مواقع مفیدترین راهبردها چه بوده است؟
۲. با آگاهی از افسسیان ۶: ۱۰-۲۰، چگونه به کسی خدمت می‌کنید که به نظر می‌رسد تحت ستم «نیروهای ارواح شرارت» است (افسیان ۶: ۱۲)؟
۳. چگونه می‌توانیم «نیرنگهای شریر» را تشخیص دهیم و از آن دوری کنیم (افسیان ۶: ۱۱)؟ به عنوان مثال، چقدر احساس می‌کنید که آماده‌اید که از ایمان خود دست بکشید، زیرا احساس می‌کنید بیش از حد گناهکار، بسیار فاسد هستید و نمی‌توانید نجات پیدا کنید؟ چه کسی این فکر را در سر شما قرار می‌دهد - مسیح یا نیروهای تاریکی؟ به خصوص در چنین مواقعی، چرا باید بسیاری از وعده‌های شگفت‌انگیزی که در عیسی به ما داده شده است را ادعا کنید؟



پیدا کردن کلمات مناسب

نوشته‌ی اندرو مک‌چسنی

الکسی آروشانیان شهروند اوکراینی ۳۳ ساله که در لهستان زندگی می‌کند، متوجه یک کتاب مقدس و چندین کتاب مذهبی دیگر در آپارتمان خاکی شد که در حال نصب پنجره‌های خانه او بود.

الکسی عضو گروهی از اعضای کلیسا بود که کتاب «نبرد عظیم» الن وایت را توزیع می‌کردند. از آنجایی که افراد کمی حاضر به پذیرش بودند، کار سختی بود. او برای داشتن فرصتی که بتواند کتاب را در این خانه به اشتراک بگذارد، دعا کرد. سپس خانم صاحب خانه که ۴۰ ساله بود و تنها زندگی می‌کرد، به او چای تعارف کرد. همانطور که آن خانم کارهایش را انجام میداد، الکسی نشست و چایش را نوشید. او درحین انجام کارهایش، آواز می‌خواند. الکسی برای اینکه چه کار بکند، دعا کرد.

سرانجام گفت: «می‌بینم که عاشق کتاب خواندن هستید.»
خانم گفت: «بله، من عاشق مطالعه هستم. احتمالاً متوجه شدید که تلویزیون ندارم. من دائم در حال مطالعه‌ام.
خانم به کار و خواندنش ادامه داد. الکسی فکری داشت. او پرسید: «آیا شما مسیحی هستید؟»

خانم پاسخ داد: «بله، من در گروه کر کلیسا می‌خوانم»
الکسی با دادن آدرس تنها کلیسای ادونتیست روز هفتم در پایتخت لهستان، ورشو، گفت: «من به کلیسا خیابان فوکسال ۸ نیز می‌روم. من یک پروتستان، یک ادونتیست روز هفتم هستم.»
الکسی که دید آن زن با دقت گوش می‌دهد، جسورتر شد و گفت: «من می‌خواهم کتابی در مورد تاریخ مسیحیت به شما هدیه بدهم. این کتاب واقعا جذاب است.»

آن خانم پذیرفت تا کتاب را مطالعه کند.
در همان حال که الکسی، جعبه ابزارش را به سمت ماشین می‌برد، نگران بود

که وقتی با کتاب برگردد، او در را برایش باز نکند؛ اما آن خانم مجدداً به او خوش آمد گفت. او آشکارا تحت تاثیر صحافی زیبای جلد قرار گرفت و به سرعت کتاب را ورق زد. الکسی می‌توانست از حالت چهره‌اش متوجه شود که او با همه چیزهایی که می‌دید، موافق نیست.

الکسی گفت: «این به شما بستگی دارد که آنچه در کتاب است را بپذیرید یا رد کنید.»

خانم کتاب را پذیرفت و گفت: «خیلی متشکرم»

آن دو کمی دیگر صحبت کردند و زمانیکه الکسی او را ترک کرد، لبریز از شادی بود. او بسیار خوشحال بود که توانسته راهی برای دادن کتاب به آن خانم پیدا کند.

او گفت: «من می‌توانستم ساکت بمانم. او حق داشت تصمیم بگیرد که کتاب را بپذیرد یا خیر. وظیفه من تنها این بود که کتاب را به او پیشنهاد دهم.»

هدایای آخرین سبت این سه ماهه، به بخش ترانس اروپایی که لهستان را دربرمی‌گیرد، اختصاص دارد. از شما برای برنامه ریزی جهت اهدای یک هدیه سخاوتمندانه، سپاسگزاریم.

برقراری صلح و آرامش



بعد از ظهر سبت

برای این هفته مطالعه کنید: افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰؛ اول پطرس ۴: ۱؛ اول پطرس ۵: ۸؛ اشعیا ۵۹: ۱۷؛ اشعیا ۵۲: ۸ - ۱۰؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۶ - ۱۸.

آیه حفظی: «افزون بر این همه، سپر ایمان را بگیرید، تا بتوانید با آن، همه تیرهای آتشین آن شرور را خاموش کنید. کلاهخود نجات را بر سر نهید و شمشیر روح را که کلام خداست، به دست گیرید» (افسسیان ۶: ۱۶ و ۱۷).

جان بونیان در کتاب کلاسیک مناجاتی خود بنام رشد زائر، در حالی که در زندان بود، اینگونه نوشت که مسیحی برای ورود به انبار تسلیحات جنگی همراهی می‌شود و «همه تجهیزات [سلاح] که پروردگارشان برای زائران فراهم کرده بود، به عنوان مثال شمشیر، سپر، کلاهخود، سینه بند و دعاها و کفشی که فرسوده نمی‌شود» به او نشان داده می‌شود. و در اینجا به اندازه‌ای تسلیحات جنگی بود که از این تعداد مردان بیشماری برای خدمت به خداوند می‌توانستند از آنها استفاده کنند. قبل از رفتن فرد مسیحی، او دوباره به انبار مهمات جنگی برده می‌شود، جایی که «از سر تا پایش را با تجهیزاتی که [غیرقابل نفوذ] بود، پوشانده می‌شود، مبدا در راه با یورش‌هایی مواجه شود».

نوشته بونیان در سال ۱۶۷۸ متنی که حدود ۱۶۰۰ سال قبل از آن توسط پولس رسول نوشته شده بود را به خاطر می‌آورد: رساله پولس به افسسیان، که همچنین در زندان نوشته شده بود. در آن، پولس رسول بزرگ تبشیر، یک ارتش بزرگ، کلیسا را تصور می‌کند که از اسلحه خانه خدا بازدید می‌کند و سر تا پا به زره کامل الهی مجهز می‌شود. اصطلاح یونانی panoplia زره کاملی است که سر تا پا را فرا می‌گیرد. اسلحه خانه خدا به اندازه کافی بهترین سلاح‌ها را در خود جای داده است تا هر سربازی در ارتش او «از سر تا پا با فولاد شمالی پوشیده شود»، زیرا آنها برای برقراری صلح به نام او حرکت می‌کنند».

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۲۳ سپتامبر ۱ مهر آماده‌گی داشته باشید.

کلیسا: یک ارتش متحد

افسیسیان ۶: ۱۰ - ۲۰ را بخوانید. پولس از کدام نوع جنگ سخن می گوید که کلیسا در آن گرفتار است؟ آیا پولس در وهله نخست فقط نبرد روحانی یک فرد ایماندار با شرارت را به تصویر می کشد یا به جنگ جمعی کلیسا بر ضد شرارت اشاره می کند؟

پیروزی در نبردهای یونانی و رومی به همکاری سربازان در واحد نظامی و خصوصا به حمایت از یکدیگر در اوج نبرد بستگی داشت. فردگرایی در نبرد به عنوانی ویژگی جنگجویان بربری بود که سرنوشت شوم شکست را در پی داشت.

دلایل مهمی برای حمایت از این ایده وجود دارد که پولس، مطابق با این درک معمول نظامی، در وهله اول به نبرد مشترک کلیسا علیه شرارت در افسسیان ۶: ۱۰-۲۰ می پردازد:

۱. آیه، اوج نامه ای است که کلا درباره کلیساست. عجیب خواهد بود که پولس نامه خود را با تصویری از یک جنگجوی مسیحی تنها در حال نبرد با دشمنان تاریکی به پایان برساند؛

۲. در خاتمه آیه، پولس رفاقت هم‌رزمی مسیحیان را در فراخوان خود برای دعا «برای همه مقدسین» برجسته می سازد (افسیسیان ۶: ۱۸ - ۲۰)؛

۳. مهم‌تر از همه، در اوایل این نامه، وقتی پولس در مورد قدرت‌های شر صحبت می‌کند، آنها را در برابر کلیسا قرار می‌دهد، نه فرد ایماندار: «تا آنکه الحال بر ارباب ریاستها و قدرتها در جایهای آسمانی، حکمت گوناگون خدا به وسیله کلیسا معلوم شود» (افسیسیان ۳: ۱۰).

از این‌رو، افسسیان ۶: ۱۰-۲۰ یک رزمنده منفرد و تنها را در حال مقابله با شریر به تصویر نمی‌کشد. در عوض، پولس به عنوان یک فرمانده، کلیسا را به عنوان یک ارتش خطاب می‌کند. او ما را فرا می‌خواند تا زره کامل خود را برداریم و به عنوان یک ارتش متحد، با قدرت و بطور متحد نبرد را به پیش ببریم.

پولس تصمیم می‌گیرد تا تاکید سراسری خود را بر کلیسا به پایان برساند، که شامل شرحی از کلیسای پایدار به عنوان بدن مسیح است (افسیسیان ۱: ۲۲، ۲۳؛ افسسیان ۴: ۱-۱۶)، ساختمان/معبد خدا (افسیسیان ۲: ۱۹-۲۲) و عروس مسیح (افسیسیان ۵: ۲۱-۳۳)، با استعاره نهایی کلیسا به عنوان ارتش خدای زنده. از آنجایی که ما به «روز شر» نزدیک می‌شویم (افسیسیان ۶: ۱۳) که مراحل پایانی نبرد طولانی‌مدت علیه شریر می‌باشد، وقت آن نیست که در مورد تعهد خود به خدا یا وفاداری خود به یکدیگر به عنوان سرباز هم‌خدمتی گیج و خواب آلود باشیم.

ما به عنوان یک بدن متحد، [یا واحد متشکل] از چه راه‌هایی می‌توانیم در این نبرد بزرگ

با یکدیگر همکاری کنیم تا به هر شکلی که باشد، در مبارزات خود علیه شریر به یکدیگر یاری برسانیم؟

۲۷ شهریور

دوشنبه

کمر بند و زره

تصور پولس از ایمانداران در آمادگیشان برای نبرد بر علیه شریر چگونه است؟ افسسیان ۶: ۱۴؛ همچنین اول پطرس ۴: ۱؛ اول پطرس ۵: ۸؛ رومیان ۸: ۳۷ - ۳۹ را ببینید.

هشدار پولس در خصوص یک نبرد شدید (افسسیان ۶: ۱۳) خوانندگان را برای آخرین فراخوان او آماده می کند تا بپاخورند (چهارمین فراخوان او را با افسسیان ۶: ۱۱ و ۱۳ مقایسه کنید) که فراخوانی مفصل است تا خود را مسلح کنند (افسسیان ۶: ۱۴ - ۱۷). پولس اقدام برای «بستن کمر بند» را توصیف می کند (با اشعیا ۱۱: ۵ مقایسه کنید).

لباس‌های قدیمی و گشاد قبل از کار یا جنگ باید به دور کمر بسته می‌شد (لوقا ۱۲: ۳۵، ۳۷؛ لوقا ۱۷: ۸ را ملاحظه کنید). پولس تصور می کند که ایماندار مانند یک سرباز رومی زره پوشیده است و از کمر بند نظامی چرمی با روکش فلزی تزئینی آن و سگک آن شروع می کند. از کمر بند تعدادی بند چرمی که با روکش فلزی پوشانده شده بود آویزان بود، که با هم «سپر» را تشکیل می‌دادند که به عنوان نشان درجه منظور جلوه بصری پوشیده شده بود. این وظیفه اصلی، پوشیدن لباس‌ها و نگاه داشتن سایر اقلام در جای خود بود.

حقیقت از ایمانداران سرچشمه نمی‌گیرد؛ بلکه هدیه‌ای از جانب خداست (نجات را در افسسیان ۲: ۸ مقایسه کنید). با این حال، این ایده فرضی که تجهیزاتی دور بدن بسته و آویخته شود، هیچ گونه تأثیر متحول کننده‌ای بر زندگی آنها نمی‌گذارد. آنها باید ملبس به حقیقت خدا باشند و آن را «پوشند»، و از این موهبت الهی استفاده و آن را تجربه کنند. آنها آنقدر حقیقت خدا را در اختیار ندارند که حقیقت خدا آنها را در اختیار دارد و از آنها محافظت می‌کند.

پولس بعداً ایمانداران را ترغیب می‌کند که «زره عدالت» را بپوشند (با اول تسالونیکیان ۵: ۸ مقایسه کنید). مانند کمر بند حقیقت، منشأ الهی دارد و بخشی از زره خداوند است که نقش او را به عنوان جنگجوی الهی ایفا کنیم (اشعیا ۱۷: ۵۹).

زره پوش که در روزگار پولس توسط سربازان استفاده می‌شد، جوشن (حلقه‌های آهنی کوچک و در هم تنیده)، زره فلزی (فلزهای کوچک از جنس برنز یا آهن) یا نوارهایی از آهن بود که روی هم چفت شده بودند.

این زره پوش یا سینه بند [سپَر] از اعضای حیاتی بدن در برابر ضربات و نیشترهای دشمن محافظت می‌کرد. به روشی مشابه، ایمانداران باید محافظ و سپَر روحانی ارائه شده توسط عطیه محافظ خدا یعنی عدالت را تجربه کنند. در افسسیان، پولس عدالت را با قدوسیت، نیکی و حقیقت مرتبط می‌داند (افسسیان ۴: ۲۴، افسسیان ۵: ۹)، و آن را کیفیت رفتار عادلانه و خوب با دیگران، به ویژه با اعضای کلیسا می‌داند.

به چه طریقی ایده نیکویی، قدوسیت و حقیقت را برای محافظت تجربه کرده اید؟

۲۸ شهریور

سه شنبه

کفش‌ها: کلیسا به آرامش و صلح می‌رسد

یک سرباز رومی که برای نبرد آماده می‌شد، یک جفت صندل نظامی محکم به پا می‌کرد. آن صندل یک کفی چندلایه دارای میخ‌های ناهموار داشت که به سرباز کمک می‌کرد تا بر زمین محکم بایستند و «ایستادگی» کند (افسسیان ۶: ۱۱، ۱۳، ۱۴). پولس این کفش نظامی را با زبانی از اشعیا ۵۲: ۷ توضیح می‌دهد، که لحظه‌ای را جشن می‌گیرد که پیکی این خبر را می‌آورد که نبرد یهوه از جانب قومش پیروز شده است (اشعیا ۵۲: ۸-۱۰) و اکنون صلح برقرار است: «چه خوشی بزرگی است دیدن پیام آوری که از فراز کوه‌ها به زیر می‌آید، و مژده صلح را می‌آورد. او پیروزی را اعلام می‌کند» (اشعیا ۵۲: ۷).

پولس هشت مرتبه در افسسیان صلح را برجسته می‌کند. آن را مرور کنید. چرا وقتی به صلح بسیار علاقه مند است از استعاره نظامی با جزئیات استفاده می‌کند؟ افسسیان ۱: ۲؛ افسسیان ۲: ۱۴ و ۱۵ و ۱۷؛ افسسیان ۴: ۳؛ افسسیان ۶: ۱۵ و ۲۳.

پولس از صلح به عنوان کار مسیح تجلیل می‌کند، «صلح ما»، کسی که بشارت صلح را «به شما که دور بودید و به آنان که نزدیک بودند» موعظه می‌کند (افسسیان ۲: ۱۴-۱۷)، و یهودیان و غیریهودیان را به عنوان یک «انسان جدید» در کنار هم جمع می‌کند. (افسسیان ۲: ۱۵). با زنده نگه داشتن داستان انجیل نجات مسیح و کار خلاقانه او در ایجاد صلح، با جشن پیروزی او در گذشته و نگاه به فریاد پیروزی در آینده، ایمانداران کفش بر پا می‌کنند و آماده نبرد می‌شوند. مانند رسول در اشعیا ۵۲: ۷، ایمانداران، پیام آورانی هستند که پیروزی مسیح و صلح او را اعلام می‌کنند.

پولس، با این حال نمی خواهد تا سلاح های نظامی در دست بگیریم. به همین دلیل است که او ایمانداران را به عنوان پیام آوران «انجیل صلح» توصیف می کند (افسیان ۶: ۱۵). او همچنین نمی خواهد که ایمانداران در روابط خود با دیگران مانند یک جنگجو باشند، زیرا او بر وحدت، تقویت گفتار و مهربانی تأکید کرده است (به ویژه افسسیان ۴: ۲۵-۵: ۲ را ببینید). کلیسا باید با به کارگیری اسلحه خانه [تجهیزات] انجیل از فضایل مسیحی (فروتنی، صبر، بخشش، و غیره) و اعمال (دعا، عبادت) اجر صلح را بردارد. چنین اعمالی راهبردی هستند و به نقشه بزرگ خدا برای متحد کردن همه چیز در مسیح اشاره می کنند (افسیان ۱: ۹، ۱۰).

چگونه متن زیر به ما کمک می کند تا بفهمیم تصورات نظامی پولس در زندگی ما به عنوان ایماندار چه معنایی دارد؟ «خدا از ما می خواهد که زره بپوشیم. ما زره شائول را نمی خواهیم، بلکه زره کامل خدا را می خواهیم. سپس می توانیم با قلب هایی مملو از لطافت، شفقت و محبت شبیه مسیح شده و کار را به پیش ببریم.» - از مرجع زیر: Ellen G. White, [Australasian] Union Conference Record, July 28, 1899

۲۹ شهریور

چهارشنبه

سپر، کلاهخود، شمشیر

ایمانداران به عنوان مبارزان در نبرد بزرگ چه زمانی و چگونه باید از سپر، کلاهخود و شمشیر استفاده کنند؟ افسسیان ۶: ۱۶ و ۱۷.

پولس، یک سپر بزرگ و مستطیل شکل سرباز رومی را به تصویر می کشد. آن سپراز چوب ساخته شده و با چرم پوشانده شده است، لبه های آن به سمت داخل خمیده است تا در برابر حملات از جانب محافظت کند. وقتی سپرها در آب خیس می شدند، «می توانستند . . . تیرهای آتشین» که قیراندود و شعله ور شده بودند را خاموش کنند.

توصیف پولس از «سپر ایمان» منعکس کننده استفاده عهد عتیق از سپر به عنوان نماد خداست که از قوم خود محافظت می کند (پیدایش ۱۵: ۱، مزمور ۳: ۳). گرفتن «سپر ایمان» (افسیان ۶: ۱۶) به معنای وارد شدن به نبرد عرشی با تکیه و توکل به خداست، که به نمایندگی از ایمانداران می جنگد (افسیان ۶: ۱۰)، بهترین سلاح ها را فراهم می کند (افسیان ۶: ۱۱)، و کسی است که پیروزی را تضمین می کند.

در همان زمان، کلاهخود جنگی رومی از آهن یا برنز ساخته می شد. به کاسه ای که از سر محافظت می کرد صفحه ای در پشت برای محافظت از گردن، محافظ گوش، برآمدگی پیشانی و صفحات لولایی برای محافظت از گونه ها اضافه شد. با توجه به حفاظت اساسی که کلاه

ایمنی ارائه کرده است، «کلاخود نجات» (افسیان ۶: ۱۷) نمادی از تجربه نجات کنونی ایمانداران در همبستگی با مسیح قیام کرده، صعود کرده و رفعت یافته است (افسیان ۲: ۶-۱۰). پوشیدن «کلاخود نجات» به معنای انکار ترس از قدرت های ارواح بسیار رایج در آن زمان است و در عوض، اعتماد به قدرت عالی مسیح را تداعی می کند (افسیان ۱: ۱۵-۲۳، افسسیان ۲: ۱-۱۰ را مقایسه کنید).

قلم نهایی زرهپوش «شمشیر روح، که کلام خداست» (افسیان ۶: ۱۷)، که به شمشیر کوتاه و دو لبه سربازان رومی اشاره دارد. تاکتیک معمول نبرد پرتاب دو نیزه (که پولس ذکر نکرده است) و سپس کشیدن شمشیر و حمله، با استفاده از شمشیر کوتاه در یک حرکت پیشرونده بود. شمشیر ایمانداران «شمشیر روح» است، زیرا توسط روح تأمین می شود، سلاحی که به عنوان «کلام خدا» شناخته می شود. پولس به عنوان فرمانده جلو می رود و فراخوانی برای مسلح شدن صادر می کند و وعده های امید و پیروزی را از فرمانده کل الهی بیان می کند. این وعده ها، که در افسسیان ۶: ۱۰-۲۰ صادر شده اند، «کلام خدا» را به عنوان سلاح اصلی در نبرد علیه شر تشکیل می دهند. پس «کلام خدا» به وعده های کلی انجیل اشاره دارد که آنرا در کتاب مقدس می یابیم.

حتی اگر این تصاویر نظامی را دوست نداشته باشیم، این تصاویر در خصوص اینکه این جنجال بزرگ واقعا چقدر واقعی است و چقدر باید آن را جدی بگیریم چه می آموزد؟

۳۰ شهریور

پنجشنبه

تمرین دعای میدان نبرد

پولس در پایان توصیه های جنگی خود، ایمانداران را به عنوان سرباز ترغیب می کند که در دعای حیاتی و مستمر «برای تمام مقدسین» (افسیان ۶: ۱۸) و برای خود به عنوان سفیر زندانی شرکت کنند (افسیان ۶: ۱۹، ۲۰). این فراخوان را می توان به عنوان بندی اضافی از تصویرسازی نظامی در نظر گرفت، زیرا صدا کردن خدا (یا خدایان) در دعا یک عمل رایج در میدان جنگ عهد کهن بود. برای ذکر مثالی از کتاب مقدس: به دنبال توصیه جنگی یحزئیل، یهوشافاط «تمامی یهودا و ساکنان اورشلیم» را در سجده کردن «در حضور خداوند و پرستش خداوند» رهبری می کند (دوم تواریخ ۲۰: ۱۸). در حالی که دعا هفتمین زره نیست، اما بخشی جدایی ناپذیر از پند و استعاره نظامی پولس در نبرد است.

در اولین درخواست از دو دعا، پولس از مخاطبان می خواهد که در دعای پرشور، عاجل و پایدار «برای همه مقدسین» شرکت کنند (افسیان ۶: ۱۸). اگر کلیسا می خواهد در نبرد خود با قدرت های شیطانی موفق باشد، باید از طریق دعای الهام شده از روح، وابستگی و تکیه به خدا را تمرین کند.

درخواست دوم پولس برای خودش می باشد: «و همچنین برای من» (افسیان ۶: ۱۹). او دعا می کند تا خدا پیام درست را به او عطا کند (تا کلام به من داده شود)، در زمان مناسب (در گشودن دهانم)، که به روش صحیح (با اعلام جسورانه) ارائه شود. و پرداختن به مهمترین موضوع، «راز انجیل» (افسیان ۶: ۱۹). این عبارت آخر به چیزی اشاره دارد که ما می توانیم آن را «راز آشکار» مداخله خدا در مسیح برای رهایی غریبهودیان همراه با یهودیان بدانیم (افسیان ۳: ۱-۱۳ را ببینید)، که ایجاد «یک انسان جدید» است (افسیان ۲: ۱۵ را ببینید). همچنین (افسیان ۲: ۱۱-۲۲) به عنوان نشانه ای از برنامه جامع «برای اتحاد همه چیز» در مسیح است (افسیان ۱: ۱۰).

فراخوان برای دعا در آیات زیر را از عهد جدید مرور کنید. کدامیک به بیشترین نحو به شما الهام می بخشد؟ چرا؟ لوقا ۱۸: ۱-۸؛ فیلیپیان ۴: ۶؛ کولسیان ۴: ۲؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۶-۱۸.

جمعه

۳۱ شهریور

اندیشه‌ای فراتر: «یک ارتش در نبرد ممکن است دچار تشویش و ضعیف شود، مگر اینکه همگی بطور هماهنگ کار کنند. اگر سربازان بطور متهورانه و از روی بی فکری و ناهماهنگی عمل کنند، آنها مجموعه ای از اتم های مستقل خواهند بود. آنها نمی توانند کار یک بدنه سازمان یافته را انجام دهند. پس سربازان مسیح باید هماهنگ عمل کنند. از همگسستگی و فردگرایی آنها نباید مورد تشویق قرار گیرد. اگر این کار انجام شود، قوم خداوند به جای هماهنگی کامل، یک فکری، یک هدفی، و تلاش برای یک هدف بزرگ، تلاش‌هایشان بی‌ثمر، و زمان و توانایی‌های خود را هدر خواهند داد. اتحاد قدرت است. چند روح تبدیل شده که هماهنگ عمل می کنند، برای یک هدف بزرگ، تحت یک سر عمل می کنند، و در هر نبرد و رویارویی به پیروزی می رسند»-. از مرجع زیر:

—Ellen G. White, Spalding and Magan Collection, p. 121.

اهمیت اینکه پولس خود را «سفیری در زنجیر می خواند»، چیست؟ (افسیان ۶: ۲۰). سفیران یا پیک ها اغلب نقش های چالش برانگیزی را در طی نبرد ایفا کرده اند به همین صورت وصف حال پولس از خودش با استعاره نظامی اش مناسب آن شرایط محیطی است که در آن قرار داشت. با پیک ها یا قاصدان باید با احترام رفتار می شد که متناسب با شان فرد یا کشوری بود که او را اعزام کرده بود.

بنابراین به زنجیر کشیده شدن سفیر، بی احترامی مطلق به فرمانروای گیتی محسوب می شود. با این حال، از آنجایی که سفیران، یک «گردنبدن زنجیر با نشان رسمی» بر گردن می آویختند، ذکر پولس از «زنجیر» ممکن است «با لحنی کنایه آمیز» توأم باشد، که در آن او زنجیر خود را «زینتی می داند که باید بطور خاص بر گردن انداخته شود»-. از مرجع زیر:

—David J. Williams, Paul's Metaphors: Their Context and Character (Peabody, MA: Hendrickson, 1999), p. 152.

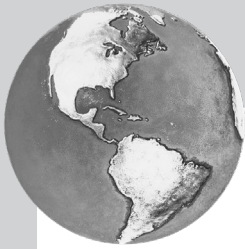
سوالاتی برای بحث:

۱. در گوشه ای از جهان از هم گسسته و در حال جنگ، برای شما و کلیسایتان «برقراری صلح» چه معنایی دارد؟ چگونه می توانیم عامل صلح در جهانی باشیم که به طور فزاینده ای از ویژگیهای تهاجم و خشونت برخوردار است؟

۲. چه «تیرهای آتشین» خاصی به سمت شما پرتاب می شود؟ چگونه می توانید اطمینان حاصل کنید که «سپر ایمان» برای خاموش کردن آنها وجود دارد؟

۳. گاهی اوقات از «مبارزان دعا» سخن بمیان می آوریم. چگونه می توانیم «خدمت دعا» را بر اساس افسسیان ۶: ۱۸-۲۰ انجام دهیم؟

۴. با مجروحان میدان نبرد بزرگ چگونه رفتار کنیم؟ چگونه باید با ایماندار مسیحی که در اوج نبرد از ترس فرار می کند یا آشکارا به طرف مقابل تسلیم می شوند، رفتار کنیم؟



قدرت چند کلمه

نوشته‌ی اندرو مک‌چسنی

زمانیکه که درگیری مسلحانه در سال ۲۰۲۲ در سرزمین مادری او، اوکراین، اتفاق افتاد، الکسی آروشانیان با امنیت در آن سوی مرز در لهستان زندگی می‌کرد. او نصاب پنجره بود و سال‌های زیادی در آنجا کار کرده بود اما اقوام زیادی در اوکراین داشت و نگران آنها بود.

او یکی پس از دیگری با اقوامش تماس گرفت تا وضعیت آنها را بررسی کند و اگر کمکی از او برمی‌آید، برایشان انجام دهد. او با خاله لیودا تماس گرفت: «حالت چطور است خاله لیودا؟»

او پاسخ داد: «خداروشکر، همه چیز خوب است و ما در پناهگاه هستیم.» او گفت دخترش ناستیا و پسر کوچکش قصد داشتند به پناهندگان در مرز در لهستان بپیوندند. در شرایط نرمال، این سفر یک روز طول می‌کشید اما الان دو الی سه روز طول می‌کشد.

الکسی پرسید: «آیا آنها به ورشو می‌آیند؟ به آنها بگویید با من تماس بگیرند. می‌توانند تا هر زمان که بخواهند پیش من بمانند. من می‌توانم آنها را در مرز ملاقات کنم.»

کمی بعد یکی دیگر از بستگان از اوکراین تماس گرفت تا بگوید ناستیا و پسرش در لهستان هستند. آنها مرز را رد کرده و نزد خانواده‌ای لهستانی که خانه خود را به روی آنها باز کرده بودند، اقامت داشتند. بسیاری از مردم لهستان، سخاوتمندانه به پناهندگان مسکن موقت ارائه می‌کردند.

الکسی با ناستیا تماس گرفت و قول داد که دنبال او و پسرش می‌رود. ناستیا و پسرش منتظر بودند که الکسی به آن خانه رسید. صاحب خانه ۶۰ ساله، ناستیا و پسرش را تا ماشین همراهی کرد. ناستیا درحالیکه سوار ماشین می‌شد، به نشانه خداحافظی دست تکان داد و الکسی نیز صندوق عقب ماشین را باز کرد تا وسایل او و پسرش را در آن جای دهد. وقتی درب صندوق عقب باز شد، چشمش به نسخه‌های زیادی از کتاب «نبرد عظیم» الن وایت افتاد. الکسی عضو

گروهی از اعضای کلیسا بود که این کتاب را توزیع می‌کردند. افراد کمی حاضر به پذیرش بودند و کار سختی بود ازین رو او همیشه تعداد زیادی از این کتاب را در صندوق عقب ماشینش نگه می‌داشت. الکسی کتاب را برداشت و به آن مرد ۶۰ ساله گفت: «من یک هدیه برای شما دارم.»

مرد با کنجکاوی پرسید: «چجور هدیه‌ای؟»

الکسی پاسخ داد: «این یک کتاب مسیحی است که شامل تاریخ مسیحیت، از اولین مسیحیانی است که پس از بازگشت مسیح به بهشت، از حقیقت و همینطور وقایعی که در پایان جهان رخ خواهد داد، دفاع کردند. بنظرم برایتان جالب خواهد بود.»

مرد کتاب را پذیرفت و سپس الکسی را به گرمی در آغوش گرفت و گفت: «سپاسگزارم.»

الکسی بی نهایت خوشحال بود. او هرگز انتظار نداشت که به این راحتی باشد و گفت: «این کار اراده خداوند بود. تنها کاری که باید انجام می‌دادم این بود که چند کلمه کوتاه صحبت کنم و او کتاب را گرفت. من دعا کردم که او کتاب را بخواند و همچنین همسر و فرزندانش نیز آن را بخوانند. امیدوارم آن را بپذیرد. این کتاب بسیار جذاب است.»

هدایای آخرین سبت این سه ماهه، به بخش ترانس اروپایی که لهستان را دربرمی‌گیرد، اختصاص دارد. از شما برای برنامه ریزی جهت اهدای یک هدیه سخاوتمندانه، سپاسگزاریم.

افسیان در قلب



بعد از ظهر سبت

برای این هفته مطالعه کنید: افسسیان باب ۱ تا باب ۶.

آیه حفظی: «زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید - و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست و نه از اعمال، تا هیچ‌کس نتواند به خود ببالد. زیرا ساخته دست خداییم، و در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم» (افسیان ۲: ۸ - ۱۰).

گردشگران لندن از طریق چشم لندن که جاذبه‌های لندن را از بالای چرخ و فلک به نمایش می‌گذارد، به ارتفاع صعود می‌کنند. از ارتفاع ۱۳۷ متری بالای رودخانه تایمز [تلفظ فارسی] می‌توانید همه چیز را ببینید: ساعت بیگ بن، ساختمان پارلمان، و کاخ‌های تاریخی و کلیساهای جامع. برای پژوهشگر عهد جدید نیکولاس توماس «تام» رایت، «نامه به افسسیان در رابطه با بقیه نامه‌های پولس بیشتر شبیه چشم لندن است. این طولانی‌ترین یا تاثیرگذارترین نوشته‌های او نیست، اما منظره‌ای خیره‌کننده از کل چشم‌انداز را ارائه می‌دهد. از اینجا، همانطور که چرخ فلک می‌چرخد، منظره‌ها یکی پس از دیگری از یک مضمون در مقابل چشم حرکت می‌کند» - مرجع زیر:
—Paul for Everyone: The Prison Letters (London: S.P.C.K. [Society for Promoting Christian Knowledge Publishing], 2004), p. 3.

پولس در افسسیان بر مسائل و مشکلات محلی متمرکز نمی‌کند. آنچه در نامه خوانده می‌شود اینگونه است که گوئی پولس ایمانداران را در هر کجا و کلیساهای محلی را در هر جایی که وجود دارند مورد خطاب قرار می‌دهد. حس جاودانگی نامه اجازه می‌دهد تا «منظره نفس‌گیری» که پولس ارائه می‌دهد به جهان و اندیشه ما یورش برد. همانطور که هر فصل را مرور می‌کنیم، بیایید از ذهن این سوال را بپرسیم: چه حقایق مهمی در افسسیان گنجانیده شده است که باید به زندگی ما ایمانداران شکل و قالب بدهد؟

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۳۰ سپتامبر - ۸ مهر آمادگی داشته باشید.

ما در مسیح متبارک هستیم

شخصی افسسیان را همچون رشته کوه های البرز با قله رفیع دماوند عهد جدید توصیف کرده است. پولس به عنوان راهنمای کوهنوردی، ما را به یک صعود سریع از قله افسسیان باب ۱ می برد. نفس ما بند می آید و از منظره بالای قله شگفت زده می شویم.

بر روی افسسیان باب ۱ تأمل کنید. چه چیزی بطور خاص به شما الهام می بخشد؟ چه قله هایی را می بینید؟

افسسیان ۱: ۳-۱۴ مانند نقشه ای بر قله کوه عمل می کند که ارتفاع ها را از افق مشخص می کند، زیرا پولس ما را به مکان متبارک در چشم انداز وسیع نقشه نجات هدایت می کند. این مناظر، گستره کامل تاریخ نجات، از ابدیت گذشته، از طریق اعمال پر فیض خدا در مسیح، تا آینده ابدی را پوشش می دهد.

رستگاری ایمانداران بواسطه خدا، بازتاب دهنده اقدامات اولیه الهی است که «قبل از تأسیس جهان» (افسسیان ۱: ۴) انجام شده است، که اکنون در زندگی ما در حال انجام است (افسسیان ۱: ۷، ۸، ۱۳، ۱۴ را ببینید). این راهبردهای پیش از آفرینش در پایان زمان، به طور کامل انجام خواهند شد (افسسیان ۱: ۹، ۱۰).

آنگاه همه چیز هم در آسمان و بر زمین گرد هم آمده یا در مسیح متحد می شوند و نقشه خدا برای کاملیت زمان محقق خواهد شد (افسسیان ۱: ۱۰). سپس نقشه اسرارآمیز خدا را بطور کامل تجربه خواهیم کرد (افسسیان ۱: ۹).

در حال حاضر، می توانیم اطمینان خاطر داشته باشیم که نجات با محوریت مسیح که در آن قرار داریم، بخش مهمی از برنامه گسترده خدا برای رستگاری «همه چیز» است.

بر بالای کوه الهام بخش شکرگزاری. در افسسیان ۱: ۱۵-۱۹، پولس در حالی که دعا می کند تا ایمانداران، نجاتی را تجربه کنند که خدا برای آنها در نظر گرفته است، خدا را شکر می کند. ما خود را در یک صعود شیب دار دیگر می یابیم، در حالی که او ما را به سمت بالا به سوی مسیح قیام کرده، معراج رفته و اعتلا یافته هدایت می کند، که برای همیشه بر هر قدرت قابل تصویری حکومت می کند (افسسیان ۱: ۲۰-۲۳).

از طریق فیض خدا که در مسیح عیسی بیان شده است، می توانیم در این روز، در بالای قله این کوه زندگی کنیم!

افسیان ۱: ۴ به ما می گوید که مسیح «ما را پیش از وجود جهان در او برگزید تا در حضور او در محبت، مقدس و بی‌عیب باشیم». به مفهوم آن فکر کنید. برگزیدگی در او قبل از وجود جهان! این مطلب چه امید بزرگی در رابطه با آرزوی خدا برای نجات شما بوجود می آورد؟

۳ مهر

دوشنبه

برای جامعه رستگار شده ایم

همانطور که افسسیان باب ۲ را می خوانید، به دنبال پاسخ به این سؤال باشید: خدا از طریق پسرش عیسی مسیح برای ما چه کرده است؟

«لیکن خدا...» این دو کلمه باید امیدبخش ترین کلماتی باشد که بشر شناخته است. در افسسیان ۲: ۱-۱۰، پولس گذشته تلخ مخاطبان خود را توصیف می کند. آنها با شریک شدن در مخمصه همه بشریت، به عصیان بر ضد خدا متمایل شدند، زندگی آنها تحت سلطه گناه و شیطان بود (افسیان ۲: ۱-۳).

«اما خدایی که در رحمانیت دولتمند است...» و خدا برای آنها و ما چه کرد؟ ۱. او ما را با مسیح زنده کرد - رستاخیز مسیح از آن ماست. ۲. او ما را با مسیح متعال ساخت - عروج مسیح از آن ماست. ۳. در آسمان، او ما را با مسیح بر تخت نشاند - تاجگذاری مسیح از آن ماست (افسیان ۲: ۴-۷).

ما فقط نظاره گر وقایع زندگی مسیح نیستیم که گیتی را تغییر داد! خدا این اعمال چشمگیر را انجام می دهد، نه به دلیل هر شایستگی که داریم، بلکه به خاطر فیض او (افسیان ۲: ۸، ۹)، و او قصد دارد که ایمانداران را با عیسی انسجام بخشد تا «کارهای نیک» انجام دهند (افسیان ۲: ۱۰).

اگر افسسیان ۲: ۱-۱۰ تعلیم می دهد که ما در همبستگی با عیسی زندگی می کنیم، افسسیان ۲: ۱۱-۲۲ تعلیم می دهد که ما در همبستگی با دیگران نیز به عنوان بخشی از کلیسای او زندگی می کنیم. مرگ عیسی هم فواید عمودی دارد، هم رابطه ایماندار را با خدا برقرار می کند (افسیان ۲: ۱-۱۰)، و هم فواید افقی، و روابط ما را با دیگران استحکام می بخشد (افسیان ۲: ۱۱-۲۲).

عیسی از طریق صلیب خود، همه چیزهایی که ایمانداران غیریهودی را از یهودیان جدا می کند، از بین می برد، از جمله استفاده نادرست از شریعت برای بیشتر کردن جدایی (افسیان ۲: ۱۱-۱۸). عیسی همچنین معبدی شگفت‌انگیز و جدید که متشکل از ایمانداران است بنا می کند. غیریهودیان که زمانی از عبادت در مکان‌های مقدس محروم بودند، اکنون به

ایمانداران یهودی می‌پیوندند تا یکی شوند. ما نیز بخشی از کلیسای خدا می‌شویم، «معبدی مقدس در خداوند» (افسیان ۲: ۱۹-۲۲).

با فیض خدا، شما از این امتیاز برخوردارید که این روز را در اتحاد با عیسی و هم ایمانان خود زندگی کنید.

افسیان ۲: ۸-۱۰ در متحول ساختن بسیاری از افراد نقش داشته است. مارتین لوتر در این آیات فیضی یافت که قلب او را لمس نمود، و همچنین برخی از تأییدات اصلی اصلاحات را کشف کرد: نجات تنها از طریق ایمان، تنها از طریق فیض، تنها توسط مسیح، و تنها برای جلال خداست.

در سال ۱۷۳۸، هجده روز پس از تجربه تغییر مذهب در خیابان آلدراگیت لندن، جان ولسلی در دانشگاه آکسفورد موعظه کرد و «فریادی از دل» و «مانیفست یک جنبش جدید» را ارائه کرد. حرف او افسیان ۲: ۸ را منعکس می‌کرد. - مرجع زیر:

(See A. Skevington Wood, "Strangely Warmed: The Wesleys and the Evangelical Awakening," Christian History [magazine], vol. 5, no. 1 [1984]).

۴ مهر

سه شنبه

ما کلیسای خدای زنده هستیم

چرا بخشی از کلیسای خدا بودن هم مهم است و هم هیجان‌انگیز؟ افسیان باب ۳.

وقتی می‌شنویم اعضای کلیسا حرفهای مثبتی درباره کلیسا می‌گویند، دلگرم می‌شویم. با این حال، مشتاق‌ترین افراد در جمع ما از شهادت پرشور پولس در افسیان ۳ درباره کلیسا کوتاهی می‌کند. پولس گزارشی از دعاهای خود را برای ایمانداران افسس آغاز می‌کند (افسیان ۳: ۱؛ افسیان ۱: ۱۵-۲۳ را مقایسه کنید) اما به بحث درباره ایجاد کلیسا توسط خدا می‌پردازد (افسیان ۳: ۲-۱۳)، و سپس دعای خود را کامل می‌کند (افسیان ۳: ۱۴-۲۱).

در طول راه به چیزهای مهمی در مورد «نقشه» یا «راز» خدا می‌پردازیم:

- خدا «راز» یا «نقشه» کلیسا را از ازل در نظر گرفت (افسیان ۳: ۳-۵، ۹، ۱۱).
- از طریق زندگی و مرگ عیسی، آن نقشه دیرینه پنهان «تحقق می‌یابد» (افسیان ۳: ۱۱؛ افسیان ۲: ۱۱-۲۲ را مقایسه کنید).
- پولس با مکاشفه‌ای که داشت، «راز» کلیسا و این واقعیت شگفت‌انگیز را می‌آموزد که غیریهودیان باید در آن مشارکت کامل داشته باشند (افسیان ۳: ۳-۶).
- پولس در انتشار این خبر خوش با عنوان موعظه «ثروتهای غیرقابل جستجوی مسیح» برای غیریهودیان شرکت می‌جوید (افسیان ۳: ۸، ۹).

• کلیسا که از یهودیان و غیریهودیان تشکیل شده است، با پیروزی های بسیاری برای مسیح، «حکمت چندگانه خدا» را به «ریاست ها و قدرت های جایهای آسمانی» نشان می دهد (افسسیان ۳: ۱۰) و عاقبت شوم آنها را اعلام می کند. (افسسیان ۶: ۱۰-۲۰) را مقایسه کنید). طرح اتحاد همه چیز در مسیح (افسسیان ۱: ۱۰) در حال انجام است و زمان آنها کوتاه است.

این درک از کلیسا، پولس را برمی انگیزد تا برای ایمانداران دعا کند. آیا می توانید او را که در حال دعایی پر شور در افسسیان ۳: ۱۴-۲۱ برای شماسیت تصور کنید؟ چرا او را در حال دعا تصور نمی کنید تا از همه کمالات خدا آکنده شوید (افسسیان ۳: ۱۹) و به طور کامل در راز شگفت انگیز و در حال آشکار شدن یک کلیسای متحد شرکت کنید؟

چه نوع موانعی بین ایمانداران در کلیسای ما وجود دارد که با توجه به آنچه پولس نوشته است، نباید وجود داشته باشد؟ برای حذف آن موانع چه کاری می توانید انجام دهید؟

۵ مهر

چهارشنبه

اتحاد ایمان

در افسسیان باب ۴ پولس از ایمانداران می خواهد تا از چه کارهایی دست کشیده و به کارهای دیگری بپردازند. آن کارها چه هستند؟

شروع و پایان افسسیان باب ۴ فراخوانی برای اعضای کلیساست تا از یکدیگر مراقبت کنند (افسسیان ۴: ۱-۳ و ۳۲). در بین این دعوتها، پولس از این ایده حمایت می کند که باید وحدت را در کلیسا تقویت کنیم. او با فهرست کردن هفت «یک» شروع می کند: یک بدن، یک روح، یک امید، یک خداوند (عیسی مسیح)، یک ایمان، یک تعמיד، یک خدا و یک پدر (افسسیان ۴: ۴-۶). ما با این واقعیت های روحانی به هم پیوند خورده ایم و در واقع متحد هستیم. در حالی که وحدت یک یقین الهیاتی است، به کوشش سخت ما نیاز است تا وحدت حاصل شود. بنابراین ما باید همیشه «در حفظ وحدت روح» تلاش کنیم (افسسیان ۴: ۳). یکی از راههایی که هر یک از ما می توانیم این کار را انجام دهیم این است که «عضوی» فعال در بدن مسیح باشیم (افسسیان ۴: ۷-۱۶). هر فرد، عضوی با استعداد از بدن است و باید به سلامت آن کمک کند (افسسیان ۴: ۷، ۱۶). و همه باید از کار رسولان، انبیا، مبشرین، شبانان، و معلمان بهره

مند شوند (افسیان ۴: ۱۱، ۱۲). اینها، مانند رباط ها و تاندون ها، عملکردی یکپارچه دارند و به ما کمک می کنند تا با هم در مسیح که سر بدن است رشد کنیم (افسیان ۴: ۱۳، ۱۵). همچنین پولس در آن زمان به آنها گوشزد کرد که: «دیگر همچون کودکان نخواهیم بود تا در اثر امواج به هر سو پرتاب شویم و باد تعالیم گوناگون و مکر و حیلۀ آدمیان در نقشه‌هایی که برای گمراهی می‌کشند، ما را به این سو و آن سو براند» (افسیان ۴: ۱۶). کلماتی که به وضوح نشان می دهد که کلیسای اولیه با برخی کشمکشهای درونی [کلیسایی] از «مکر و حیلۀ آدمیان» روبرو بوده است.

در حالی که پولس به سمت درخواست نهایی خود در حرکت است، «با یکدیگر مهربان و دلسوز بوده و یکدیگر را ببخشید» (افسیان ۴: ۳۲)، او از ایمانداران می خواهد که از سخت دلی زندگی کهنه خود دوری کنند (افسیان ۴: ۱۷-۲۴) و برای اجتناب از عصبانیت و گفتار تند، آن را با زبانی جایگزین کنند که بنا کننده و فیض بخش باشد (افسیان ۴: ۲۵-۳۱). خواندن این باب در باره وحدت، آسان بنظر می رسد خصوصا وقتی که اوضاع مسالمت آمیز باشد. وقتی دچار تعارض می شویم، خواندن آن چالش برانگیزتر و مهم تر از هر زمانی است. آیا امروز به خاطر می آورید که وحدت بدن مسیح را تجربه کنید، وحدتی که او برای آن جان خود را فدا کرد؟

چه راه هایی وجود دارد که می توانیم به وحدت کلیسای خود، هم در سطح محلی و هم در سطح جهانی کمک کنیم؟ چرا مهم است آنچه را که می توانیم در این جهت انجام دهیم؟

۶ مهر

پنجشنبه

ما دریافت کنندگان و بخشندگان فیض هستیم

همانطور که افسسیان باب ۵ را می خوانید، به این فکر کنید که پولس چگونه از ما می خواهد که در زندگی و روابط خود با دیگران انجیل را اجرا کنیم. کدام یک از نصایح او برای شما معنای خاصی دارد؟

اگر شروع به خواندن افسسیان باب ۵ در ابتدای آن کنید، ممکن است قدرت کامل یک موضوع مهم را از دست بدهید. بنابراین به جای آن با افسسیان ۴: ۳۲ شروع کنید، که در آن پولس به افسسیان می گوید: «با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و همان گونه که خدا شما را در مسیح بخشوده است، شما نیز یکدیگر را ببخشاید».

ما ایمانداران فراخوانده شده ایم تا رفتار خود را نسبت به دیگران بر اساس بخشش و فیض

خدا نسبت به خود الگو و سرمشق قرار دهیم. ما باید از خدا تقلید کنیم! (با متی ۵: ۴۳-۴۸ مقایسه کنید).

پولس این سبک زندگی تقلید از محبت خدا را با رویکرد بت پرستانه معمول مقایسه می کند. انسان‌ها اغلب به جای قدردانی از دیگران به عنوان برادر یا خواهر در خانواده خدا، از دیگران برای لذت جنسی خود استفاده کرده و سپس به کردار زشت خود مباحثات هم می کنند (افسیسیان ۵: ۳، ۴). او هشدار می دهد که چنین عملکردی در دنیای جدید آینده، که خدا برنامه ریزی می کند جایی ندارد (افسیسیان ۵: ۵-۷).

در عوض، ایمانداران باید از تاریکی گذشته خود رویگردانی کنند و «مانند فرزندان نور» گام برداشته (افسیسیان ۵: ۸-۱۰) و محبت پدر را تقلید کنند. بار دیگر، پولس به ما هشدار می دهد که از «اعمال تاریکی» که «در خفا» انجام می شود، دوری کنیم (افسیسیان ۵: ۱۱، ۱۲). در مقابل، ما باید در نور مسیح زندگی کنیم (افسیسیان ۵: ۱۳، ۱۴). به جای اینکه زندگی خود را در مستی و میگساری تلف کنیم، با سپاسگزاری از خدا به خاطر محبت او، «فرصت را غنیمت شماریم» (افسیسیان ۵: ۱۵-۲۱ را ببینید).

پولس مضمون گفته های خود را برای تقلید از محبت خدا در حین نصیحت به شوهران و زنان مسیحی بسط می دهد. محبت اینثارگرایانه مسیح به کلیسا، الگوی شوهران مسیحی می شود (افسیسیان ۵: ۲۵-۳۳)، در حالی که وفاداری کلیسا نسبت به مسیح، الگوی زنان مسیحی می شود (افسیسیان ۵: ۲۲-۲۴). زن و شوهر مسیحی از موهبت زناشویی به شیوه ای فاسق و خودخواهانه استفاده نمی کنند، بلکه بر ارزش گذاری و قدردانی از یکدیگر متمرکز گردیده و «یک جسم» می گردند (افسیسیان ۵: ۲۸-۳۳).

«همچون فرزندان عزیز، از خدا سرمشق بگیرید» (افسیسیان ۵: ۱). با فیض خدا امروز فراخوانده شده اید تا در رابطه خود با دیگران مطابق با آن نصیحت زندگی کنید.

چگونه افسیسیان ۵: ۲ که به ما می گوید «در محبت گام برداریم» به ما کمک می کند تا بفهمیم منظور پولس در افسیسیان ۵: ۱ در خصوص سرمشق گرفتن از خدا چیست؟

۷ مهر

جمعه

اندیشه‌ای فراتر: با تفکر بر افسیسیان باب ۶ مطالب را ختم می کنیم، جایی که در می یابیم که ما، یعنی کلیسا، ارتش صلح طلب خدا هستیم.

پولس در افسیسیان، کلیسا را به عنوان بدن مسیح (افسیسیان ۱: ۲۲، ۲۳؛ افسیسیان ۴: ۱۱-۱۶)، معبد خدا (افسیسیان ۲: ۱۹-۲۲) و به عنوان عروس/همسر نشان داده است، مسیح (افسیسیان ۵: ۲۱-۳۳). پولس در افسیسیان ۶: ۱۰-۲۰، کلیسا را به عنوان ارتش خدا توصیف می کند و شدیداً به مسلح شدن فرا می خواند. این آیه ای است که علاوه بر منافع زیاد از خطر سوء استفاده نیز در امان نیست.

می توان سخنان پولس را به عنوان فراخوانی برای به دست گرفتن سلاح‌های نظامی یا ستیزه جویانه در روابط خود با دیگران، به اشتباه سوء تعبیر کنیم. با این حال، پولس بر وحدت، گفتار متمدنانه و آموزنده، و محبانه تأکید کرده است (به ویژه افسسیان ۴: ۲۵-۵: ۲ را ببینید). او بشارت خدا را به عنوان «انجیل صلح» توصیف می کند (افسسیان ۶: ۱۵). از طریق این اصطلاح نظامی روشن، کلیسا به شروع جنگ به معنای سنتی تشویق نمی شود. در عوض، ما باید صلح را در نبرد روحانی بر علیه شریر بدست آوریم. پولس پا به میدان نبرد بزرگ می گذارد و ما را فرا می خواند تا به ارتش خدا ملحق شویم.

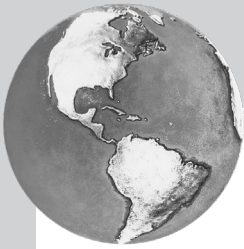
ما باید این کار را با ارزیابی واقع بینانه از دشمن انجام دهیم، زیرا دشمن هرگز قوای مقابل را دست کم نمی گیرد. ما فقط با دشمنان انسانی مقابله نمی کنیم، بلکه با «فوجهای ارواح شریر در جایهای آسمانی» (افسسیان ۶: ۱۲)، که توسط یک فرمانده حيله گر، یعنی شیطان رهبری می شود (افسسیان ۶: ۱۱).

با این وجود، نباید از دشمنان خود هراس داشته باشیم. خدا در هنگام نبرد در کنار ما حاضر است (افسسیان ۶: ۱۰) و بهترین سلاح ها، یعنی زره خودش، «زره خدا» را در اختیار ما قرار می دهد (افسسیان ۶: ۱۱؛ با اشعیا ۵۹: ۱۵-۱۷ مقایسه کنید). او حقیقت، عدالت، آرامش، ایمان، نجات و روح را در اختیار ما قرار داده است (افسسیان ۶: ۱۳-۱۷). از آنجایی که خدا پیشاپیش ماست و ما از سر تا پا به زرهی که او فراهم کرده مجهز شده ایم، نمی توانیم شکست بخوریم. پیروزی تضمین شده است.

سوالاتی برای بحث:

۱. اگرچه ما با اعمال خود نجات نمی یابیم، اما پولس وقتی می نویسد که ما «در مسیح عیسی آفریده شده ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم»، چه منظوری دارد (افسسیان ۲: ۱۰)؟ پس هدف از انجام کارهای نیک چیست؟

۲. پولس می نویسد: «جلال باد بر او که می تواند به وسیله آن نیرو که در ما فعال است، بی نهایت فزونتر از هر آنچه خواهیم یا تصور کنیم، عمل کند» (افسسیان ۳: ۲۰). چه قدرتی در ما کار می کند و چگونه باید این قدرت در زندگی ما آشکار شود؟



ستایش خداوند برای صرع

نوشته‌ی اندرو مک‌چسنی

آنا از زمانی که دختر کوچکی در شهر ریگا، پایتخت جمهوری لتونی بود، با صرع دست و پنجه نرم می‌کرد. مشکل تنها تشنج نبود، بلکه صرع بر احساسات و عملکرد مغزش نیز تاثیر گذاشته بود. بعضی روزها او نمی‌توانست تمرکز کند و آرزو می‌کرد تا شفا پیدا کند.

تابستان پس از فارغ التحصیلی از دبیرستان، این نوجوان ۱۹ ساله پیش یک واسطه روح رفت که ادعا می‌کرد می‌تواند با انتقال انرژی، شفا دهد. زمانی که دید کمکی نمی‌تواند بکند و صرع باقی مانده است، به آنا درباره مراجع دیگر به ظاهر ناامیدش گفت، دختری که توسط دعای یک کشیش شفا یافته بود. او شماره تلفن کشیش را به آنا داد و گفت: «او چیزهای زیادی درباره کلیسایش و خدا خواهد گفت اما به او گوش نکن، تنها شفا بگیر و برو. باقی آنچه که می‌گوید، دروغ است.»

آنا با کشیش تماس گرفت. در طول مکالمه، او اولین بار درباره کلیسای ادونتیست روز هفتم شنید. آنها قبول کردند تا ملاقاتی داشته باشند. در دومین ملاقات، کشیش برای آنا دعا کرد اما صرع همچنان باقی ماند.

آنا کشیش را دوست داشت و دعوت او برای شرکت در جلسات مطالعه کتاب مقدس را پذیرفت. اندکی بعد در همان تابستان، او در جلسه کوچکی در کلیسا شرکت کرد. سپس به مراسم پرستش روز سبت رفت و پس از آن به مادرش گفت: «من فکر می‌کنم کلیسا خوب است.»

بنابراین مادرش نیز با او در روز سبت به کلیسا رفت. چند ماه بعد، آنا به همراه مادر و پدرش در کلیسا شرکت می‌کرد.

تابستان بعد، آنا و مادرش غسل تعمید داده شدند. یکسال بعد، پدرش نیز غسل تعمید گرفت؛ سپس مادر بزرگ و برادرش نیز تعمید داده شدند.

در طول این چند سال، افراد زیادی برای آنا دعا کردند. او توسط روغن مسح شده است اما صرع، باقی مانده است. آنا تعجب کرد که چرا خداوند او را شفا

نداد اما او را تحت تاثیر قرار داد؛ همچون پولس رسول که برای تسکینش دعا می‌کرد اما خدا به او گفت: «فیض من تو را کافی است، زیرا قدرت من در ضعف به کمال می‌رسد.» (۲قرن‌تیان ۱۲: ۹)

اکنون آن روزنبرگا، ۳۰ ساله، صرع را به عنوان یک برکت عظیم می‌بیند. از آنجایی که صرع بیماری است که روزانه باید با آن دست و پنجه نرم کرد، بیشتر یاد گرفته است که باید هر روز به خدا اعتماد کند. گاهی اوقات صبح روز سبت، حس می‌کند بهتر است در تختش بماند اما به یاد می‌آورد که قرار است مدرسه سبت را رهبری کند؛ بنابراین به کلیسا می‌رود و اعتماد دارد که خداوند او را کمک می‌کند. صرع همچنین به او کمک کرده است تا شهادتی برای خداوند باشد. این چالش باعث همدلی او با دیگران شده بود. او هرگز در ملاقات اولش با مردم به صرعش اشاره نمی‌کرد اما بعدها متوجه شد هرچقدر راحت‌تر در مورد خودش و احساساتش صحبت کند، باعث می‌شود تا بقیه نیز راحت‌تر در مورد خودشان صحبت کنند و بیشتر آماده شنیدن باشند. آن‌ا می‌گوید: «بنابراین صرع به من در گسترش کلام خداوند کمک کرده است. من بابت چالش‌های سلامتی‌ام سپاسگزارم.»

هدایای آخرین سبت این سه ماهه، به دو پروژه در بخش ترانس اروپایی اختصاص می‌یابد که یکی از آنها در جمهوری لتونی خواهد بود. از شما برای برنامه ریزی جهت اهدای یک هدیه سخاوتمندانه، سپاسگزاریم.